





متن مولودی های میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام
برای اجرای مداغان اهل بیت علیهم السلام

در ماه مبارک رمضان

اجرا شده توسط

مداغان مشهور کشور

تقدیم به سمت مقدس حضرت صاحب الزمان روحی و ارواح العالمین له الفداء و
ارواح اهل بیت علیهم السلام، پیامبران، شهدا، اولیای الهی، شیعیان و مصیبن
امیرالمؤمنین و همچنین آن کسانی که بد وارث و بی وارثند و کسی را ندارند تا
یادشان باشد و ذاکران و مارهینی که سر به سینه تراب نوازه اند... در تمامی عوالم

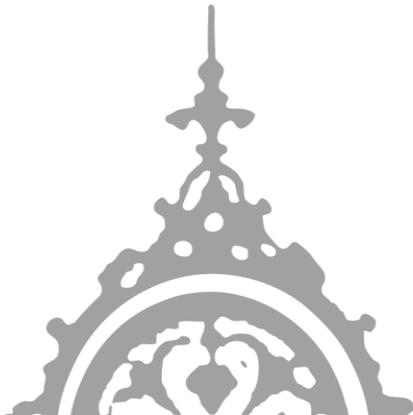


بَابُ الْحَرَمِ
Www.Babolharam.Net

بَابُ الْحَرَمِ
"پایگاه متن روضه و اشعار مذهبی ویژه مداحان"

WWW.BABOLHARAM.NET

@BABOLHARAM_NET



مدح و توسل ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام
به نفس حاج میثم مطیعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ ، عَلَي سَيِّدِ الْمُجْتَبَى ، وَ الْإِمَامِ
الْمُرْتَجَى ، سِبْطِ الْمُصْطَفَى ، وَابْنِ الْمُرْتَضَى ، عِلْمِ الْهُدَى ، الْعَالِمِ
الرَّفِيعِ ، ذِي الْحَسَبِ الْمَنِيعِ ، وَ الْفَضْلِ الْجَمِيلِ ، وَالشَّرَفِ الرَّفِيعِ ،
الشَّفِيعِ ابْنِ الشَّفِيعِ ، الْمَقْتُولِ بِأَسْمِ نَقِيعِ ، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ الْبَقِيعِ ،
الْعَالِمِ بِالْفَرَائِضِ وَ سُنَنِ ، صَاحِبِ الْجُودِ وَ الْمَنَنِ ، كَاشِفِ الضَّرِّ وَ
الْبَلْوَى وَ الْمَهَنِ ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ ، الَّذِي عَجَزَ أَنْ عَدَّ مَصَائِبَهُمْ
لِسَانُ الْأَسْنِ ، الْإِمَامِ بِالْحَقِّ الْمُؤْتَمَنِ ، أَبِي مُحَمَّدِ الْحَسَنِ ..

دیشب گذری کردم از کوچه ی میخانه
دیدم همه مستان را دیوانه ی دیوانه
ساقی بلا جویان شاداب و لب خندان
می داد به سر مستان پیمانه به پیمانه
من بودم تنهایی در حلقه شیدایی
دستی ز گرم آمد، ناگاه روی شانه



گفتا مَنشین خاموش، در محفلِ ما رندان
برخیز غزل خوان شو مستانه به مستانه
سرمست بخوان یا هُو، جای نگرانی نیست
مولاست که می بخشد عیدانه ی شاهانه
برخواستم خواندم یا مُحسنُ و یا مُجمل
ما را بنواز امشب ای لطفِ کریمانه
گو هاتفی از یثرب، می گفت دمِ مغرب
افطار بفرماید از سفره ی جانانه
فرمود: کسی مولا فرموده: بفرماید
کردند همه طاعت، فرمانِ مُلو کانه
چه سفره رنگینی! گسترده به ایوان بود
بِسْمِ اللَّهِ هَنگامِ افطارِ حَسَنِ جان بود
ای خالِ خَط و چشمتِ تصنیفِ دل آرایی
نامت حَسَنُ و حُسنتِ سرچشمه زیبایی
هم قامتِ تو موزون هم صورتِ تو مَحشر
پا تا سَرتِ ای مولا مجموعه غوغایی

افلاک همی گردند گردِ قد و بالایت
رُخسار جهان افروز، گیسو شبِ یلدایی
ای روزی هر روزم وابسته به دستانت
ای کاش که رزقم را همواره بیفزایی
اول قمرِ طاها، اول پسرِ مولا
اول ثمرِ عشقِ صدیقه ی کبرایی
ای سفره ی گسترده ای رحمتِ بی پایان
ما را بنواز امشب ای رافتِ زهرایی
کو حاتمِ طایی تا پیشِ تو زند زانو
سالارِ کریمانی تو حاتمِ طاهایی
ای حلمِ خداوندی اُستوره صبری تو
فرمانده بی لشکر، سردارِ شکیبایی
رویایِ شب و روزم خورشیدِ دل افروزم
عمریست که باعشقت می سازم می سوزم
ای نامِ گرانقدرت بِسْمِ اللّهِ طوفان ها
وی جنبشِ لبهایت آرامشِ طوفان ها
هر کس غزلی خواند در مدحتِ تو جانا
می بندد و می سوزد دیوانِ غزل ها را



خورشیدی و چون خورشید سلطانی تو مُحَرَز
ای سیطره ات حاکم بر سلطهٔ سلطان ها
ای میمنه هستی در میسرهٔ چشمت
وی همچو علی فاتح در عرصهٔ میدان ها
در چشم بلا خیزت خون همه خوابیده
ای گشته بالفطره از حُسنِ تو انسان ها
هم عرش تو را خواند هم فرش تو را خواند
پایی بزن ای عرشی در گوشه ی ویران ها
لب وا کن و لیبکی آهسته بگو آخر
مُردند به عشقِ تو این پاره گریان ها
فریاد زنم مَحشر از عمقِ دلِ مَسْتَم
از طایفه ی عشقم ،مجنونِ حَسَن هستم
امشب دلِ دیوانه بی تاب حَسَن گوید
با دستِ تهی چشمِ پُر آب حَسَن گوید
عشقِ تو خیالاتی کرده است مرا آقا
هر شب دلِ آشفته در خواب حَسَن گوید

با رحمت و احسانِ چشمانِ پُر از خیرت
این عاشقِ شیدا را دریابِ حَسَنِ گوید
امشب همه ذراتِ هستی حَسَنی هستند
خورشید، زُحل، ناهید، مهتابِ حَسَنِ گوید
کِی غُلْغُلَه می اُفتد ، بر جانِ همه عالم
وقتی لبِ عطشانِ اربابِ حَسَنِ گوید
ذراتِ به توصیفِ اوصافِ تو مشغولند
سجاده و تسبیحُ و محرابِ حَسَنِ گوید
ای محورِ بخشایش در ماهِ عنایت ها
ماهِ رمضان ، رَبُّ الْأَرْبابِ حَسَنِ گوید
ای أَحْسَنِ أَسْمَاءِ حُسْنایِ خداوندی
در حُسْنِ تو می بینم غوغایِ خداوندی



**سرود ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام
به نفس سید مهدی میرداماد**

اگه غم نداری با علی
چیزی کم نداری با حسن
بگو لا فتی الا علی
بگو لا کریم الا حسن
یه نیمه ماه خدا با علی
یه نیمه ماه خدا با حسن
یه نیمه ماه و بگو یا علی
یه نیمه ماه و بگو یا حسن
برهانُ الکرّم تویی قرآن الکریم
به عشق تو، رمضان شد رمضانُ الکریم
آقا آقا آقا ، آقام حسن

شده سورۀ ياسين على
شده سورۀ طاها حسن
بگو عَلمِ الاسما على
بگو أَحسنِ الاسما حسن
افضل الاعمالِ يادِ على
احسنِ الاعمالِ يادِ حسن
از ايوون نجف يه روزى ميريم
کنارِ پنجره فولادِ حسن
سيد الشبابِ اهلِ الجنه حسن
کسى به جز تو ندارم تو قيامتِ حسن
آقا آقا آقا ، آقامِ حسنِ..
شبِ جمعه ميريم کربلا
دوشنبه پيش آقا حسن
شبِ جمعه ميگيم يا حسين
همه هفته ميگيم يا حسن
اگه خدا بخواد ما ايرانيا
يه صحن با صفا ميسازيم برات



یه روزی با النگویِ مادرا
یه گنبد طلا میسازیم برات
ما بین قبر تو و قبر مادرت
میسازه بین الحرمینت رو نوکرت
آقا آقا آقا ، آقام حسن..

**مدح و توسل ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام
به نفس سید مجید بنی فاطمه**

رمضان سفره مهمانی مخصوص خداوند و دود است
مه رحمت و جود است
مه ذکر و صلاة است و رکوع است و سجود است و سلام است و درود
است

تعال الله از این فکر
که در نیمه این ماه دل افروز خداوند تعالی
شده در دامن زهرا مه تابان محمد متجلا
که دمیده است فروغش به دل اهل تولا
سر دست علی و فاطمه و شانه مولا



مه هر انجمن است این
ولی ذوالمنن است این
به نبی جان و تن است این
گل یاسمن است این
حسن است این حسن است این
که در این ماه خدا بوسه زند بر سر و رویش
همه محو گل رخسار نکویش
همه دلدادۀ خوی اش همه آواره کویش
همه را دیده به سویش همه دیدند
به رخسار خدا منظر او روی خدا را

شب شور و شعف اهل ولا شده امشب
که عیان وجه خداوند تعالی شده امشب
همه عالم چو دل آل علی غرق تجلا شده امشب
که ز هم غنچه نو رسته زهرا و علی وا شده امشب
گهر بحر شرف فاطمه شد مادر
و مولایِ دو عالم علی بابا شده امشب



پسری داده خدایش چه پسر نام حسن
روی حسن خلق حسن
خوی حسن حُسن حسن
بلکه سزاوار بود تا که بخوانند حسن در حَسَنش
لحظه به لحظه صلوات از طرف خلق و خدا یکسره بر جان و تنش
وحی الهی سخنش
بوسه گه ختم رسل لعل لبان و دهنش
کیست حسن مظهر حُسن ازلی
هستی زهرا و علی
جان جهان حصن امان فخر زمان روح و روان
سرّ نهران نور عیان بلکه به هر عصر و زمان برده دل اهل ولا را
مه و مهر و فلک و ارض و سما حور و ملک
جن و بشر در شب میلاد حسن جشن گرفتند
که امشب شب بسیار عظیم است
همانا شب میلاد کریم ابن کریم است

به هم رسانده خداوند علی و زهرا را
نشان دهد به همه لولو دو دریا را
شما یلت نمکین تر ز یوسف است آقا

تو تشنه میکنی از عشق خود زلیخارا
و کافران همه ایمان می آورند به تو
اگر نشان بدهی آن جمال زیبا را
زمان توان گذشتن ندارد از پیشت
چرا که بند میاری همه گذر هارا
فدای آن لب شیرین فقط تو لب تر کن
که سبز میکنی از نخل خشک خرما را
من عاشق حسنم دین و عشق من حسن است
تمام ذکر من امشب حسن حسن حسن است
مبارزی که به دستان تو اسیر شود
عزیز میشود و عاقبت امیر شود
کریم هستی و با احترام میبخشی
نمیشود که گدا پیش تو حقیر شود
همیشه دست گذارا سریع پر کردی



ندیده است کسی بخشش تو دیر شود
کرمات تو همان دفعه‌ی نخست بس است
گدا دوباره محال است که فقیر شود
غذا بدون تو اصلاً به ما نمی‌چسبد
بیا خودت سر سفره فقیر سیر شود
به امر تو شده داماد سیدالشهدا
که قاسم تو به پای حسین پیر شود
بیا دعا کن و ماهم به پاش پیر شویم
به لطف تو در این خانه کاش پیر شویم

نمیشود بشناسیم ما غلام تورا
چگونه درک کند عقل ما مقام تورا
مگر چه کرده ای اقا که جای یا رزاق
صدا زدند فقیران شهر نام تورا
تمام وقت کنارت حسین ساکت بود
برای آنکه فقط بشنود کلام تورا
کسی که صلح تورا جاهلانه سازش خواند

نخوانده معنی تاریخی قیام تورا
کسی که گفت تو ترسیدی و نجنگیدی
ندیده ضربت شمشیر در نیام تورا
غریب شهر همه کینه از علی دارند
نمی دهند اگر پاسخ سلام تورا
تو بودی و به علی لعن کرد بر منبر
نگه نداشت معاویه احترام تورا
بدون شک دم آخر حسین گفت به تو
غریب فاطمه میگیرم انتقام تورا
جا کرد زهر تمام تن تو در تب سوخت
چه دید داخل آن تشت قلب زینب سوخت
شب تولد تو نیستم کنار بقیع
خدا مرا برساند سر مزار بقیع
مزار تو یک شمع نیست روشن نیست
چه ساکت است شب جشن شام تار بقیع
صبا حریم حسن را غبار روبی کن



نشسته روی مزار حسن غبار بقیع
کبوتران خراسان به یک دگر گویند
یا که پر بگشاییم تا دیار بقیع
خدا بخواهد اگر میرسد زمانی که
سرود جشن بخوانیم در جوار بقیع

سرود ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفسِ حاجِ میثمِ مطیعی

حسن جان جلوۀ توحیدی تو
که روی قلب ما تاییدی تو
برایِ وصفِ تو گفتن از ما
ندونستن خودِ خورشیدی تو
با نورِ تو امشب این ماه شده کامل
مثلِ لیلۀ القدر خیره شب سائل
قرآن کریم از امشب شده نازل ..

نسیم عشقِ حسنِ جانِ
کریم عشقِ حسنِ جانِ
بگو نورِ صراطِ مستقیم عشقِ حسنِ جانِ
حسنِ جانم .. حسنِ جانم ..
یه شامی اومد و تو راه ایستاد
آقا با جسارت دشنامت داد
ولی با صبوریت کاری کردی
که آخر اومد و رو پات افتاد
توی این روزگار دنیا پر از شامی
اما غصه ای نیست وقتی تو آقامی
از خلق کریمت آقا بده جامی ..
کارِ قلبمِ صبوریه
تویِ سینم چه شوریه
براتِ جشنِ ولادتِ میگیرم توی سوریه
حسنِ جانم .. حسنِ جانم ..
زدی خنده رویِ دستِ مادر
تو هستی اولین نورِ کوثر



تویِ لالاییِ هاش زهرا میگفت
شبیهِ حیدری از پا تاسر
دنیا سجده آورد آقا به کویِ تو
رو کرده از امشب قبله به سویِ تو
افطار علی شد بوسه به رویِ تو ..
بگو ایمان حسن جانِ
یلِ احسان حسن جانِ
تموم زندگیم نذر حسن که جان حسن جانِ
نسیم عشق حسن جانِ
کریم عشق حسن جانِ
بگو نور صراط مستقیم عشق حسن جانِ
کار قلبم صبوریه
تویِ سینم چه شوریه
برات جشن ولادت میگیرم تویِ سوریه

بگو ایمان حسن جانِ
یل احسان حسن جانِ
تموم زندگیم نذر حسن که جان حسن جانِ
علی جانم علی جانم
علی مولا علی مولا

شور بسیار زیبا ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفسِ حاج محمود کریمی

امشب می شد افطارم
از دلدارم سرشارم
از بس که دوسش دارم
اویسِ قرَنَم
گدایِ حَسَنَم...
همیشه با نگاش دردِ
دلِ من و دوا کرده
چقدر بهش بدهکارم
چقدر خوبه، چقدر مَرَدِ
سَرَمِ داغ، دلم شادِ
با این می و باده



سَرِّ سبِزَمِ امشِبِ
از هفت دولت آزادِ
مولا مولا، یابن الزهرا
سلطانِ عشقِ
دریابِ ما را

امشِبِ می شد افطارم
از دلدارم سرشارم
از بس که دوشش دارم
اویسِ قرَنَمِ
گدایِ حَسَنَمِ ...
مولا مولا، یابن الزهرا
سلطانِ عشقِ
دریابِ ما را
من هم مثلِ اجدادم
هم بنده، هم آزادم
عبدِ این آقازاده ام
بقیعِ وَطَنَمِ
گدایِ حَسَنَمِ

امشب می شد افطارم
از دلدارم سرشارم
از بس که دوسش دارم
اویسِ قَرَنَمِ
گدایِ حَسَنَمِ...

وقتی دلم پُر آشوبِ
دَرِ خونه ات رو میکوبِ
با تو میشم پُر آرامشِ
چقدر صدات زدن خوبِ
فقیرت چی کم داره
عَبَدَتِ چه غم داره
بقیعت تویِ قلبم
صحن و حرم داره
غرقِ نورم، دریا دریا
سلطانِ عشق، دریا ب مارا



مولا مولا، یابن الزهرا
سلطانِ عشق
دریاب ما را
امشب می شد افطارم
از دلدارم سرشارم
از بس که دوسش دارم
اویسِ قرَنَم
گدایِ حَسَنَم ...
چشمامُ رو غم بستم
ساغر اُفتاد از دستم
بس که امشب سرمستم
دارم جار میزنم
گدایِ حَسَنَم
دلایِ عاشق و شیدا
میان به خونه ی زهرا
همه میگیرن عیدی از
آباالحَسَن، علی مولا

از اینجا تا اون بالا
تا جَنَّةُ الْأَعْلَى
زمین و زمون میگن
مولا، علی مولا
از امشب تا، صبحِ محشر
دَمِ میگیریم
حیدر حیدر...

سرود زیبا ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفسِ حاجِ میثمِ مطیعی

ای نورِ دو عالم، ای جانِ دو دنیا
ای سِبْطِ نَبِی، عشقِ علی، ای گلِ زهرا
از روشنیِ نامِ پُر از حُسْنِ تو ای گل همه جا حصنِ حصین شد
در ماهِ دعا آمدنت، علتِ بخشودگیِ اهلِ زمین شد
بر شانه ی خاتم، تو نقشِ نگینی
هم حیدر و احمد، هم روحُ الامینی
تو نورِ دو چشمِ همه ی اهلِ کِسایبی
تو ماهِ ترینی



ای آنکه سرِ خوانِ تو عُمریست که هم
دشمن و هم دوست سهیم است
شَهْرُ الرَّمْضَانَ از کَرَمِ و پا قَدَمِ توست اگر شهرِ کریم است
حیدر حیدر، چشمانِ تو روشن
شد ماهِ حَقِّ، از ماهِ تو گلشن
عشقِ اَزلی تو، شیرِ جَمَلی تو
در معرکه ها آینه ی جَنگِ علی تو
ای صلحِ تو چون ضربه ی شمشیرِ تو در معرکه کاریست حَسَنِ جان
در وقتِ دُعا بر لبِ ما نامِ پُر از حُسَنِ تو جاریست حَسَنِ جان
دارد دلِ تنگم، امیدِ عَطایت
بسته ست دخیلم، بر سبزِ عِبایت
ای حیدرِ کرارِ جَمَلِ ثانیِ مولا
سرهاست به پایت
تو عشقی و ایمانی و تو معنی قرآنی و تو جانِ جهانی
تو ماهِ زمین، عشقِ خدا هستی و من عاشقِ بی نام و نشانی
کریم کاری به جز جود و کَرَمِ نداره
آقام تو مدینه است ولی حَرَمِ نداره*

تو عشقی و ایمانی و تو معنی قرآنی و تو جانِ جهانی
تو ماهِ زمین، عشقِ خدا هستی و من عاشقِ بی نام و نشانی
حیدر حیدر، چشمانِ تو روشن
شد ماهِ حق، از ماهِ تو گلشن
شاعر فرشته حسینی

مدح خوانی ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام
به نفسِ حاج میثم مطیعی

پیچیده در این کوچه ها عطر عبایت
همراه با نجوای زیبای دعایت
در جام چشمان زلالت شور داری
در کیسه با خرما مگر انگور داری؟
دارد شرابِ کوثری میخانه ی تو
شالِ شکوهِ حیدری بر شانه ی تو
با نان و خرما میرسی من هم یتیمم
اما نه خرما، مست دستان کریمم



میزد به پایت بوسه لب های مدینه
ای خوش به حال نیمه شب های مدینه
در دست هایت یا کریمان لانه دارند
وقت قنوتت قُدیسان پیمانان دارند
نوشیده ام با قُدیسان ساغر به ساغر
نوشیده ام با نام تو تا جام آخر
از واژه ها می می چکید و می نوشتم:
سر مستِ آقای جوانان بهشتم
شمس بن شمس، آبروی آفتابی
با صحنِ خاکی، ساقی ابن بوتربی
میخانه ی خاکی غبارش هم شراب است
انعام صحنِ خاکیت هم بی حساب است
این مثنوی تا یاد سردار جمل کرد
روح القدس گویی هوای یک غزل کرد
یا محسن ام در حال مستی یا حسن شد
نامت قلم را محو نوری در ازل کرد

من در زمان، آواره ی آن لحظه هستم
وقتی که دستان تو قاسم را بغل کرد
آنگونه او را خوش در آغوش کشیدی
تابی تو بودن مرگ را پیشش عسل کرد
دست کریمت یا کریمان را غذا داد
شاه و گدا را لطف تو ضرب المثل کرد
با تو وجود عشق اثباتی نمیخواست
نور خدا را چشم هایت مستدل کرد
آورده ای از آسمان نور خدا را
چشم تو روشن کرد چشم مرتضی را
پای تو دوش مصطفی را عرش کرده
جبریل بالکش را برایت فرش کرده
پای پیاده کعبه می آید سراغت
لب های زمزم تشنه ی آب وضویت
روح تو را از نور زهرا آفریدند
از اسم تو اسماء حُسنا آفریدند



نام حَسَن یعنی تمام حُسْنِ دنیا
حالا من و دستِ کریمِ آلِ طاها
شاعر قاسم صرافان

**مدح و توسل ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام
به نفسِ کربلایی محمد حسین پویانفر**

یگانه ای و نداری شبیه و مانندی
که بی بدیل ترین، جلوه ی خداوندی
مُعْطَلْ اند هزاران فرشته کاسه به دست
عسل بیاوری از آن لبی که می خندی
تمام عرشِ خدا در طوافِ گهواره
نگاه خیره ی زهرا به طفلِ دل بندی
به نیمه ی رمضان و میانِ صوتِ اذان
رُطْب رسیده به دستانِ آرزومندی
نمی شناخت رسولِ خدا سر از پایش
نمی رسید به آن لحظه ی خوشایندی

نوشته اند تو را از بهشت آوردند
نوشته اند ز عطری که می پراکندی
***شب عیدی گرفتن ، وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا*...**
لبانِ فاطمه خندان و چشمِ مولا اشک
نوشته اند تو مولودِ اشک و لبخندی
برای خیلِ غلامان چه خوب مولایی
برای حیدر و زهرا چه خوب فرزندی
گدا که فرق ندارد، تو سفره ات پهن است
دَرِ امید به رویِ کسی نمی بندی
یا امام حسن ، یا امام حسن
یا امام حسن مولا....

ذکر توسل به کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام
به نفسِ کربلایی محمدحسین پویانفر

خدا به طالع تان مُهر پادشاهی زد
به سینهٔ احدی دست رد نخواهی زد
در آسمان سخاوت یگانه خورشیدی
تمام زندگی ات را سه بار بخشیدی
گدا ز کوی تو هرگز نرفته ناراضی
عزیز فاطمه! از بس که دست و دل بازی



مدینه شاهدِ حرفم؛ فقیر سرگشته

همیشه دست پر از محضر تو بر گشته

*بیرون مدینه، خسته رسید به یه پیرمرد گفت آقا چند روزه تو راهم گرسنمه، نانی دارید؟ آقا گفت این سفره منه پهن کنم اما به کارت نمی یاد، نشست نون و...
عشق نگاه کن، گفت: چه جور این نون می خوری؟ گفت غذای من
اینه

یه ذره صبر بکنی چند قدم راه برو، برو مدینه، فلان کوچه در
خونه باز، نه ازت سؤال می کنن کی ای؟ نه کار دارن چی تنت،
بشین سر سفره غذا بخور، اومد آدرس دید در

باز، اومد سر سفره نشست، غذاش که خورد، شروع کرد یواش
یواش تو یه بقچه غذا جمع کردن، آقا فرمود: چه کار می کنی؟
گفت: راستش داشتم می اومدم یه پیرمردی راه خونه رو به من
نشون داد، آقا گفت: اینجا همیشه سفره باز هر موقع می خوای
بیا، غذا کجا می بری گفت داشتم می اومدم بیرون مدینه یه
پیرمردی دیدم نونش هر کاری کردم نشکست، شروع کردگریه
کردن، گفت: سائل اون پیرمرد رو نمی شناختی؟ گفت: نه، گفت
:صاحب این سفره بابام امیرالمؤمنین... دلم هوای نجف کرده یا
علی مولا، یعنی دوباره زنده ایم مقابل ایوان طلات صدا

بزنیم :السلامُ علیک یا امین الله فی ارضه، پسر دار شدنت مبارک آقا ..
دور سر حسنت یه چیزی بچرخون دستای ما رو پر کن* ..

به لطف خنده تان شام غم سحر گردد
 نشد که سائل تان ناامید بر گردد
 خدا به شهد لب ت مزه رطب داده
 کریم آل محمد تو را لقب داده
 تبسم نمکینت چقدر شیرین است!
 دواي درد یتیم و فقیر و مسکین است
 خوشا به حال گدایی که چون شما دارد
 در این حرم چقدر او برو بیا دارد
 به هر مسافر بی سر پناه جا دادی
 به دستِ عاطفه حتی به سگ غذا دادی
 گره گشایی ات از کار خَلق، ارث علی است
 مقام اوّلی جود و بخشش ازلی است
 به حج خانه دلبر چه ساده می رفتی
 همه سواره ولی تو، پیاده می رفتی

*میداشت همه کاروان ها برن، چند روز بعد می فرمود هر چی شتر
 دارم آماده کنین، از مدینه بیرون می زد خودش پای برهنه، هر
 کسی تو راه مونده بود، امام حسن به دادش می رسید، لذا تاریخ
 می نویسه بزرگترین کاروان بود وقتی می رسید مگه، شب
 پانزدهم ما هم جا موندیم، خیلیا امشب، شب اولشون، تو روضه
 نشستن، یا امام حسن* .. !



شدم ای دوست ، سگِ قافلهٔ عشاق
به امیدی که به کوی تو رساند مرا
آنقدر بر درِ میخانه بگویم سرِ خویش
تا که از بادهٔ وصلِ تو چشانند مرا
شما ز بس که کریم و گره گشا بودی
دلِ کویر به فکر پیاده ها بودی
امام رأفت دورانِ بی مرامی ها
نشسته ای سر یک سفره با جزامی ها

*یه وقت از تو خرابه صدا بلند شد، تَفَضَّلْ یا بنِ رسولِ الله .. از اسب

پیاده شد وارد خرابه شد یه عده جزامی سر سفره نشستند، آقا
بفرما، سر سفرشون نشست، باهاشون غذا خورد .. فرمود
دعوتتون قبول کردم ، دعوتمو رد نکنین .. یه روز مدینه، قدم رو
چشمام بزارین، مدتی گذشت امام مجتبی فرمود امروز مهمون دارم
خودش با دستِ خودش سفره پهن کرد وقتی در باز شد دیدن
جزامی های مدینه وارد شدن ، هممون بگیم یا امام حسن!

خیال کن که منم یک جزامی ام آقا

نیازمند نگاه و سلامی ام آقا

چقدر مثل علی از زمانه رنجیدی
سلام داده، جواب سلام نشیدی!
امام برههٔ تزویرهای بسیاری
به وقت رفتن مسجد، زره به تن داری
کریم شهر مدینه! غریب افتادم
به جانِ مادرت آقا برس به فریادم
خودت غریبی و با دردم آشنا هستی
رفیق واقعیِ روزهای بی دستی
فسم به حرمت این ماه حق نگاهی کن
به دست خالی این مستحق نگاهی کن
بگیر دست مرا، دست بسته ام آقا
ضرر زدم به خودم ورشکسته ام آقا
دل از حساب قنوت تو سود می گیرد
دعای دست رحیمت چه زود می گیرد
برای مدح تو گویند شعر احساسی
به واژه های «در» و «میخ» و «کوچه» احساسی



چه شد غرور تو آقا شکست در کوچه؟!
بگیر دست مرا با خودت ببر کوچه ..
چه شد که بغض گلوگیر گوشه گیرت کرد
کدام حادثه اینگونه زود پیرت کرد
چگونه این همه غم در دل شما جا شد
بگو که عاقبت آن گوشواره پیدا شد؟

**گفت آقا سنّی نداری چرا آنقدر محاسنت سفید شده؟ فرمود: ارث
ماست**

اما می خوام بگم: گاهی کودکی به حادثه ای پیر می شود.. ما هر
شب اینجا نشستیم و گفتیم: «صلی الله علیک یا ابا عبدالله»

می خواهید دل امام حسنم شاد شه، برا برادرش گریه کن، لحظه های آخر

سر امام حسنُ به دامن گرفت شروع کرد به گریه کردن، اقا
چشمانشُ باز کرد فرمود حسین جان گریه نکن در حالی دارم جان
میدم که هر موقع صدا می زنم جگرم می سوزه ، جای کاسه آب
ظرف شیر بهم میدن اما حسین جان لا یومَ کیومک یا ابا عبدالله
فرمود در حالی دارم چون می دم که زُن و بچم رو به تو می
سپارم، صلی الله علیک یا سیدنا المظلوم، صلی الله علیک یا سیدنا

العطشان، صلی الله علیک یا سیدنا الغریب

روضه نمی خواهد تنی که سر ندارد
قربان آن آقا که انگشتر ندارد
من بی وضو موی تو را شانه نکردم
حالا به دنبال سرت باید بگردم
کنون که صاحب مژگان شوخ و چشم سیاهی
نگاه دار دلی را که برده ای به نگاهی
چو در حضور تو ایمان و کفر جای ندارد
چه دوزخی چه بهشتی چه طاعتی چه گناهی؟
مقیم کوی تو تشویش صبح و شام ندارد
که در بهشت نه سالی معین است و نه ماهی
این همه راه دویدم ز پی دلدارم
به امیدی که در این دشت برادر دارم
تو دعا کن به کنار بدنت جان بدهم
فکر همراهی با شمر دهد آزارم
اسب ها پای خود از سینه او بردارید
من هم از این تن بی سر شده سهمی دارم



خیز و نگذار که ما را به اسیری ببرند
من که از راهی بازار شدن بی زارم
یک عبا داشتی و خرج علی اکبر شد
با چه از روی زمین جسم تو را بردارم؟
به وداع من و تو خیره بود چشم رباب
خواندندم از طرز نگاهش که منم دل دارم

مدح و توسل ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفس حاج میشم مطیعی

ما و تشبیه طلعت تو به ماه

چه قیاسی است این مع الف اِراغ

نجم ثاقب تویی و تفسیرت

سوره ی وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ

*یعنی همیشه زنده باشیم، پرچم یا حسن ابن علی رو بالای گنبد تو
ببینیم، مولای من! حرم کریمه ی اهل بیت، پرچم کریم اهل بیت رو
بالا آورده، آقای من مولای من*

سفره دار ضیافت رمضان

کیلۀ القدر در برابر ماست

خواهشی ازت دارم آقای کریمم

به بَرَم کُن لباسِ تقوا را
بِبرِ آنجا که مادرت زهراست
تو نماز مَنی و با یادت
دَرِ هر مسجدی که مهمانم
جایِ اِذْنِ دُخولِ یا مُحسن
قد اَتِ اَکَّ المَسیءِ میخوانم
خواب دیدم که تو حرم داری
من ضریحِ تو در بغل دارم
و به گُلِ بوسه هایِ رؤیایی
شَهِدِ اَحلی ۰ مِّنَ العَسَلِ دارم

*بخاطر پسرت قاسم، بخاطر عبدالله، بخاطر حاج قاسم سلیمانی
عزیزِ ما، یه خواهشی دارم آقای کریم ردم نکن*

دستخطِ شهادتی بنویس
راهیم کُن به کربلای حسین

من روزه نمیخونم ولی بعضیا دارید گریه میکنید

دستخطِ شهادتی بنویس
راهیم کُن به کربلای حسین



جانِ قاسمِ قسمِ عنایتِ کن
تا که جانم شود فدایِ حسین

مدح خوانی و توسل ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفسِ کربلایی حسین طاهری

حسن رسیده حُسن را به دلبران نشان دهد
کریم آمده به سفرهٔ فقیران دهد
فرشته می رسد که گاهواره را تکان دهد
نبی نشسته تا به گوش این پسر اذان دهد
بدون نام مرتضی اذان سرود باطلیست
اذان مصطفی فقط ترانهٔ علی علیست
تو اولین امام زاده ای بزرگ زاده ای
تو بر فراز قلهٔ کرامت ایستاده ای
سر مسیر هر گدا خودت کنار جاده ای
حوالهٔ دل مرا به این و آن نداده ای
چه عزتی! چه نعمتی! بدون هیچ منتی
تو باب فیض و رحمتی، تو صاحب سخاوتی

به خود ندیده هیچ عابدی تعبد تورا
مسیر مکه عاشق است این تردد تورا
شب تولد تو خواستم فقط خود تورا
خدا گرفته میهمانی تولد تورا

به عهده خود خداست کل کار و بارها
و سی شبانه روز دعوتند روزه داره ها
به ناز در دلِ عجم نشستی ای شه عرب
کریم هستی و به نام تو می آید این لقب
به ما رسیده از شما بدون خواهش و طلب
به یک اشاره ات درخت خشک می دهد رطب
به خشک سالی دلِ کویر هم نگاه کن
من خراب را به یک اشاره روبه راه کن
تو نسل کوثری به کوری دو چشم ابتران
شدند و خاک پای تو چه سروران چه نوکران
نمانده با جمال تو دلی برای دلبران
چه قاسطین چه ناکثین چه مارقین چه دیگران



نمی شوند تا ابد حریف ضرب دست تو
گرفته زهر چشم ازین قبیله ناز شصت تو
گرفته چشم مستت از شراب کسب و کار را
ز خواب خوب مستی اش پرانده هر خمار را
نگاه کردن تو کرده کار ذوالفقار را
زمین زد این نگاه کردنت شتر سوار را
تو بچه شیری و شتر سوار در مقابلت
شکست خورده از شکوه و شوکت شمایت
به قول مسلمین حسن به قول عبریان شبر
به جز خدا نداشتی هراسی از بنی بشر
به مهر یا به قهر تو مثل شده است خیر و شر
عقب نرفته ای در اوج لحظه های پر خطر
قیام اگر نکرده ای چه آتشین نشسته ای
مدبرانه و برای حفظ دین نشسته ای
تو و حسین معنی حقیقی برادرید
تو برادرت بزرگ خاندان حیدرید

امیدهای مرتضی عزیزهای مادرید
دلآوری و دلبری و سرورید و صفدرید
به من که نوکر توام ثواب می دهد حسین
صدا که می زخم حسن جواب می دهد حسین
به زور دلبری نصیب دلبران نمی شود
لقب به سادگی نصیب این و آن نمی شود
به جز علی کسی امیر مومنان نمی شود
پس از علی به جز حسن امیران نمی شود
خلافت خدا فقط رسد به نسل مرتضی
معاویه کجا و دلبری چنان حسن کجا؟
قلندرانه یا حسن حسن کنیم و بعد از آن
لباس سبز نوکری به تن کنیم و بعد از آن
به شوق ترک خانه و وطن کنیم و بعد از آن
ایادی سقیفه را کفن کنیم و بعد از آن
علم به دست با شعار یا امیر مومنین
مدینه ای درست می کنیم که بیا بین
گسیل می کنیم قطره قطره های رود را
و غرق می کنیم نسل باطل ثمود را



به خاک می زنیم پادشاهی سعود را
و سر به نیست می کنیم دولت یهود را
تمام می کنیم کار ناتمام مانده را
به قدس می بریم بیرق به شام مانده را
شاعر: داود رحیمی

مدح خوانی و توسل ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفسِ حاج احمد واعظی

بحر رحمت را یکدانه گهر پیدا شد
نخل عصمت را پاکیزه ثمر پیدا شد
مژده یاران که شب نیمه ماه رمضان
قرص خورشید به هنگام سحر پیدا شد
عاشقان قدر بدانید که پیش از شب قدر
بیت قرآن را قرآن دگر پیدا شد
امشب از اهل سماوات ندائی بر خاست
که در آغوش زمین قرص قمر پیدا شد
دامن ماهِ خدا، چشم محمد روشن

علی و فاطمه را نور بصر پیدا شد
دامنِ فاطمه شد سبز به میلادِ حسن
صلوات همه بر حُسنِ خدادادِ حَسَن
رمضان! قدر بدان ماهِ تمامتِ آمد
رحمتِ واسعه در سفرهٔ عامتِ آمد
"چه مبارکِ سحری بود و چه فرخنده شبی"

آن شبِ قدر که خورشید به بامتِ آمد
مه رحمت، مه توبه، مه غفران، مه نور
که زهرا اختر تابنده، سلامتِ آمد
بانگِ تکبیر بر آور که خدا چهره گشود
سرِ تسلیمِ فرود آر، امامتِ آمد
روزه دار! ار ندهی دل به تولایِ حسن
با خبر باش که این روزه حرامتِ آمد
خوش ترین ذکر در این ماه، ثنایِ حسن ست
مهر این روزهٔ سی روزه ولایِ حسن ست
رمضان! شهرِ خدای احد ذوالمننی
رمضان! جان منی، عشق منی، قلب منی



شهرها شهر نکویان و تو شهر الهی
ماه ها جمله نجوم و تو مه انجمنی
یازده ماه تمامند همه چشم به راه
که تو از چهره خود پرده به یک سو فکنی
هفته و روز و مه و سال همه می دانند
که زمان چون بدنی هست و تو جان در بدنی
نه فقط ماه خدائی که خدا می داند
مه پیغمبر و زهرا و علی و حسنی
امشب از نور، به تن پیرهنّت بخشیدند
قدمش باد مبارک حسنت بخشیدند
این حسن کیست که سر تا قدم او حسن است
این چراغی است که در بزم دل انجمن است
این کریم بن کریمی است که با دشمن و دوست
همه جا از کرم و لطف و عطایش سخن است
این عزیز است که پیغمبر اکرم فرمود
پسر من، جگر من، ثمر قلب من است
این امامی است که با صبر خداوندی خود
چون علی ابن ابیطالب دشمن شکن است

چه به خُلُقُ چه به خویُ چه به رویُ چه به مو
حسن استُ حسن استُ حسن استُ حسن است
چون ز آغاز در او حسن خدا را دیدند
از همان روز ولادت حسنش نامیدند

مدح زیبا و ویژه میلاد امام حسن مجتبی بنفسِ کربلایی محمدحسین حدادیان

سالیانست که هستیم گرفتارِ کریم
ما گرفتارِ کریمیم و بدهکارِ کریم
باز هم پهن شده سفره ی افطارِ کریم
حاتم آمد بنشیند سرِ بازارِ کریم
ماه من نیمه ماه رمضان آمده است
حسن، آقای کریمانِ جهان آمده است
تا که آمد به لب فاطمه لبخند آمد
نام او آیه شد از سوی خداوند آمد
جبرئیل گفت: خدایا! نفسم بند آمد
تا کنون روی زمین این همه فرزند آمد



این پسر کیست که اینقدر دلت را برده؟
چقدر بر تن او بوسه ی مولا خورده
چشم بد دور که زیباست که غوغاست حسن
الحق الحق نمکِ سفره ی زهراست حسن
مصطفی گفت ببینید چه آقااست حسن
و خلاصه پسر ارشد مولاست حسن
قبله امروز به گهواره کمی مایل شد
آیه ی اول کوثر به علی نازل شد
همه ی عُمر جگر گوشه ی مادر بوده
آنکه گهواره اش آغوش پیمبر بوده
بی سپاهی که خودش یک تنه لشکر بوده
منصبش نیز علمداریِ حیدر بوده
بی گمان تیغ حسن دست عجل را خوانده
یک تنه فاتحه ی جنگِ جمل را خوانده
اسد الله علی عازم میدان می شد
خیبر انگار که تکرار شد طوفان شد
دشمن از نعره ی یا حیدر او حیران شد
کفر با سر به زمین خورد جمل ویران شد

حسن از معرکه با نعره ی یا زهرا رفت
پرچمِ فاطمه با دستِ حسنِ بالا رفت
چاره ساز همه ی عالم و آدم میشد
سفره ی بخشش او فراهم میشد

خندهایش به دل فاطمه مرحم میشد
و ابوالفضل به پای قدمش خم میشد
هر نفس ذکر حسن جان به لبِ عباس است
حسن استادِ حیا و ادب عباس است
چاره ی هر دل بیچاره فقط “یا حسن” است
ای به قربان کریمی که غریبِ وطن است
پسرش نیز فداییِ شه بی کفن است
محض شادی دلش بر لب من این سخن است
“قاسم بن الحسن” از عهد قدیم عشق من است
این کریم ابن کریم ابن کریم عشق من است



سرود بسیار زیبا و ویژهٔ میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام

بنفسِ سیدمجدیدِ بنیِ فاطمه

شب، شبِ تولدِ کریمِ
شبِ تبسمِ زمینِ
بیاید آی گداها دوباره
با هم دیگه بریم مدینه
امشب روحم در پروازِ
دوستش دارم بی اندازه
باز یه گدا به کریم داره رو میزنه
تا بدونن دو جهان که آقام حسنِ
وَ هُوَ الْکَرِیْمُ، اِی عَشَقِ مِنْ
وَ هُوَ الْکَرِیْمُ، اِی صَفِ شَکْنِ
وَ هُوَ الْکَرِیْمُ، جَانِمِ حَسَنِ

شب، شبِ قدر همه گداهاست

حسن، کریمِ آلِ طاهاست

حسن، آینه ی علی
حسن، پسر بزرگِ زهراست
عالم غرق، شیدایی شد
زهرا گرم لالایی شد
باز پیچیده صدایِ تکبیر و اذون
از راه او مد نمکِ این ماهِ رمضان
وَ هُوَ الْكَرِيمُ، دنیا حسن
وَ هُوَ الْكَرِيمُ، عقبا حسن
وَ هُوَ الْكَرِيمُ، جانم حسن

نیمه ی ماهِ خدا رسیده
دلم اسیرِ زلفِ یاره
میرم افطاری مهمونش شام
آقام یه عُمرِ سفره داره
از این قلبم، شیداتر نیست
از رویِ تو، زیباتر نیست
با یه نگاه وجودم میشه غرقِ شعف
من عیدی میگیرم از شاهِ نجف
پسرِ علی، جانم حسن



جیگرِ علی، جانم حسن
قَمَرِ علی، جانم حسن
وَ هُوَ الْکَرِیم، جانم حسن

**سرود مسجدی ویژه میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام
بنفسِ حاج محمود کریمی**

ستاره بارونه ... آقام اومده
تو این کرمِ خونه ... آقام اومده
لبام غزلِ خونه ... آقام اومده
دلم چراغونه ... آقام اومده
آینه بندونه ... آقام اومده
لبم رو پیمونه ... آقام اومده
زمین من و دوره ... آقام اومده
سرش میگردونه ... آقام اومده
به سبَطِ اکبرِ نبی ماشاء الله

به شیرِ مرتضیٰ علیٰ ماشاء الله

روحِ دعا اومد ... آقام اومده
دستِ عطا اومد ... آقام اومده
مشکلِ گشا اومد ... آقام اومده
ماهِ دلارایِ ... آقام اومده

ماهِ خدا اومد ... آقام اومده

به جلوه ماهِ علیٰ ماشاء الله

به آیتِ الله علیٰ ماشاء الله

به سببِ اکبرِ نبیٰ ماشاء الله

به شیرِ مرتضیٰ علیٰ ماشاء الله

تو آسمونِ غوغا ... آقام اومده

پدر شده مولا ... آقام اومده

از عالمِ بالا ... آقام اومده



به دامنِ زهرا ... آقام او مده
همه میگن عینِ ... آقام او مده
باباشِ ماشاء الله ... آقام او مده
به این امیرِ خوش قدم، ماشاء الله
به این همه جود و کرم، ماشاء الله
به سبطِ اکبرِ نبی ماشاء الله
به شیرِ مرتضی علی ماشاء الله
جانم حسن، جانم حسن
ای جانِ جانانم حسن ...

سرود زیبا ویژه میلاد امام حسن مجتبی

بنفسِ کربلایی حسینِ طاهری

وقت سحر افضلِ اذکار

جانم حسن، جانم حسن، جانم حسن

ذکر لبامون دم افطار

جانم حسن، جانم حسن، جانم حسن

نیمه ی ماهه، ماه رسیده

تازه چراغ، راه رسیده

سایه ی روی سر آسمون اومد

آی گداها! آقای مهربون اومد

سلام آقای کرم

سلام نورِ زند گیم

سلام سلطانِ دلم

سلام ای مردِ کریم...

زمزمه ی عبدِ گرفتار

جانم حسن، جانم حسن، جانم حسن

حاجتِ دلداده ی دلدار



جانم حسن، جانم حسن، جانم حسن
عرش خدا شد، آئینه بندون
شهر مدینه، شد چراغون
چشم مدینه روشن، بهار اومد
آی گداها بیان که سفره دار اومد
سلام ای خیرُ الْعَمَلِ

سلام لطفِ بند گیم
سلام سردارِ جمل
سلام ای مردِ کریم
سلام ای مردِ کریم...

سرود ویژه میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام

بنفسِ حاج امیر عباسی

من افتخارمه تویِ دنیام ، حسنینم
از کرمش همیشه سربالام ، حسنینم
یادم داده از بچگی بابام ، حسنینم
غلامِ خونه زاده این آقام ، حسنینم
حسنی ام و رو به راهم
عمری شده سرپناهم
اگر چه پُر از گناهم
صاحبِ حشمتم و جاهم
آقا جون ،

گل وجودمُ سرشتن از ازل با تو
گره کورِ مشکلم باز میشود با تو
تلخیِ روزگارِ من شده عسل با تو
یه یا حسن میگم میشم مردِ عمل با تو
این باشه شعارِ علنی ام
الحمدالله که حسنی ام..



یه حسِ دیگه ای بهت دارم ، ای امیرم
خوب میدونم خیلی بدهکارم ، ای امیرم
روشنی آسمونِ تارم ، ای امیرم
بدون تویی همه کس و کارم ، ای امیرم

ای امیرم دُر نایابم
که هستی احسنُ اربابم
تیش هایِ دل بی تابم
به جوابِ در قُلبابم
آقاجون ،

یه عمری که زندگیم معطرِ با تو
هرچی ناگفته مقدر با تو
کتابِ عشق و عاشقیم مصوّر با تو
خونه ی قبرم که برم مُنور با تو
این باشه شعارِ علنی ام
الحمد لله که حسنی ام..

سرود ویژه میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام بنفسِ آقا سید مهدی حسینی

تو اولین امام زاده ای ، بزرگ زاده ای
تو در مسیرِ هر گدا خودت کنارِ جاده ای
حوالهٔ مرا به دستِ این و آن نداده ای آقا جان
حسن رسیده حُسن را به دلبران نشان دهد
کریم آمده به سفره ی فقیر نان دهد
فرشته میرسد که گاهواره را تکان دهد
نبی نشسته تا به گوشِ این پسر اذان دهد
بدونِ نامِ مرتضی اذان سرودِ باطلی ست
اذانِ مصطفی فقط ترانه ی علی علی ست
تو و حسین معنی حقیقیِ برادرید
تو و برادرت بزرگِ خاندانِ حیدرید
امیدهایِ مرتضی عزیزهایِ مادرید
عزیزهایِ مادرید..



به من که نوکرِ توأم ثواب می‌دهد حسین
صدا که میزنم حسن جواب می‌دهد حسین
قلندرانه یا حسن حسن کنیم بعد از آن
لباسِ سبزِ نوکری به تن کنیم بعد از آن
به شوق ترکِ خانهٔ وطن کنیم بعد از آن
ایادیِ سقیفه را کفن کنیم بعد از آن
علم به دست با شعار یا امیرمومنین
مدینه ای درست میکنیم تو بیا بین
و غرق میکنیم نسلِ باطلِ ثمود را
و سر به نیست میکنیم دولتِ یهود را
به خاک میزنیم پادشاهی سعود را
و سر به نیست میکنیم دولتِ یهود را
تمام میکنیم کار ناتمام مانده را
به قدس میبریم بیرق به شام مانده را
به من که نوکرِ توأم ثواب می‌دهد حسین
صدا که میزنم حسن ، جواب می‌دهد حسین

مدح خوانی ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفسِ حاج مهدی اکبری

مُقْتَدَايِمِ تَوِيیِ اِمَامِ كَرِيْمِ
بَا تُو دَر اَوْجِ بُرْجِ اِيْمَانِمِ
شِيْعَه ي رَاه و رَسْمِ تُو هَسْتِمِ
اِيْنِچَنِيْنِ اسْتِ مَنِ مَسْلِمَانِمِ
كَمِ مَنِ بَه كَرَامَتِ تُو رَسِيْدِ
كَرْمِي كَن، دَخِيْلِ اِحْسَانِمِ
مَرِغِ رُوْحِمِ اسِيْرِ و سَرِگَشْتَه
دَر هَوَايْتِ هَمِيْشَه حِيْرَانِمِ
پَايِ عَشْقِ تُو چُو مِيْشَمِ تَمَّارِ
تَا هَمِيْشَه بَدَانِ كَه مِيْ مَانِمِ
اِي بَلَنْدَايِ دُوْشِ پِيْغَمْبَرِ
اِي تُو فَرَزَنْدِ ارْشَدِ حِيْدَرِ
"شَاعِرِ مَصْطَفِيْ كُوْدَرْزِيْ"

نُو كَرِ حَلْقَه بَه كُوْشِيْمِ و اسِيْرِ حَسَنِْمِ
گَرَه كُوْر نَدَارِيْمِ فَقِيْرِ حَسَنِْمِ



نسل در نسل همه خاکِ مسیرِ حَسَنِیم
گشته و مردهٔ فرزندِ صغیرِ حَسَنِیم
پیرو راهِ حُسینِیم و پریشانِ حَسَن
همه گویند به ما بی سر و سامانِ حَسَن
در دلِ مادرمان فاطمه جایی داریم
مَنْصَبِ نوکریِ شاهِ وفایی داریم
از عنایاتِ حَسَنِ نان و نوایی داریم
خودمانیم چه روزی و بهایی داریم
روی هر شاپرکی را به خدا کَم کردیم
رمضان تا رمضان دور حَسَن می گردیم
حال دادند به ما باز چه بی اندازه
تازه شد ماهِ خدا حال و هوایش تازه
رمضان از قدمش گشت پُر از آوازه
شده دنیایِ کَرَمِ صاحبِ یکِ دروازه
باز هم خیره کننده شده این شادیِ دل
آمده روزِ شریفِ حَسَنِ آبادیِ دل
دست و دل بازترین مرد در این دنیا اوست
اولین معجزهٔ فاطمه و مولا اوست

دل پُر از شوق گدایی است اگر آقا اوست
بانی تا ابدِ خیریه زهرا اوست
همه فخرِ حسین است، علمداری او
الگوی حضرت عباس، وفاداری او
ارث پیغمبری اش دلبری و آقایی است
مثلِ بابا دلِ او قیمتی و زهرایی است
قمرِ فاطمه و یوسفِ هر لیلابی است
عاشقش هر که نشد عاقبتش رسوایی است
دلبران روی زمین هر چه بگردند زیاد
تا حَسَن هست نباید به کسی دل را داد
اوج آنجاست که کوبیده شده پرچمِ او
باغِ رضوانِ خدا گوشه ای از عالمِ او
هر کسی مرد خدا هست شده آدمِ او
هر دل بی سر و پای نشود محرمِ او
عاشق معرفتش، فاطمه و شاهِ حُنین
دست بر دامنِ او زینب و عباس و حسین
شاعر محمدحسین رحیمیان



سرود ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفسِ حاج مهدی اکبری

شبِ نیمه ی ماهِ رمضونِ
قناریِ دل داره می خونه
روی دستایِ علی و زهرا
سوره ی نورِ مؤمنونِ
دل دل نکنیم ، کف کف ، بز نیم
آخه تولد بهاره، پسری که تا نداره
مولا و ان یکاد می خونه
صدقه ای کنار می ذاره
رطبِ سفره ی افطار پیغمبر رسیده
میوه ی نوبر هر روزه ی حیدر رسیده
دردنه کودکِ نازِ دلِ مادر رسیده

تبِ عشقم بالا گرفته
دل من باز جلا گرفته

زیر لب ذکرِ مُنجلی
حَسَنِ مجتبیٰ گرفته
اومد به دنیا، گُلی که ، مَه انجمنِ
آی اهل دنیا ، بدونید حَسَنِ عشقِ منِ
مولانا! یا حَسَنِ...
این کریم و جانِ جهانِ
اومد اونی که نُقلِ نِهانِ
سفره داری که توی مدینه
بیتِ کرَمش بابِ جنانِ
عطرِ نفسِ
دیگه غمِ بسِ
صبرِ خدای ازلی
جوابِ نو کرش وُلی
صاحبِ نهضتِ سکوتِ
وارثِ شمشیرِ علی
رو طالعِ شیعه نوشته که نصیرم حَسَنِ
صندوقِ قرضِ الحَسَنش خیرِ کثیرم حَسَنِ
به به امیرم حَسَنِ و نِعَمَ الامیرم حَسَنِ



تَبِ عَشَقْمِ بِالَا كَرَفْتَه
دَلِ مِنْ بَاذِ جَلَا كَرَفْتَه
زِيرِ لَبِ ذَكْرِ مُنْجَلِي
حَسَنِ مَجْتَبِي كَرَفْتَه
اومد به دنيا، گُلی كه ، مه انجمنِ
آی اهل دنيا ، بدونید حَسَنِ عَشَقِ مِنْ
مولانا! یا حَسَنِ ...

گوشه ی نگاش ، خُلْدِ بَرینِ
دستِ بازِ رَبِّ الْعَالَمینِ
دلخوشیِ زینبِ و حسینِ
مُرشدِ مه اُمِّ بَنینِ
بازویِ علی
حامیِ ولی
یوسفِ زهرا یِ اطهره
خیلی شیهِ پیمبرِ
واجبِ اطاعتِ ازش
امر اون امرِ حیدرِ

کيه اين آقا که می گن والي مُلکِ ولاست
مأمنِ و حِسِّ خوش و آرامشی واسِ دَلاست
خلاصه که بگم آقا، باني کرب و بلاست
تبِ عشقم بالا گرفته
دلِ من باز جلا گرفته
زیر لب ذکرِ مُنجلِي
حَسَنِ مجتبی گرفته
اومد به دنیا ، گلی که ، مَه انجمنِ
آی اهل دنیا ، بدونید حَسَنِ عشقِ منِ
یا مولانا! یا حسن...

مدح بسیار زیبا ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام
به نفسِ حاج امیر کرمانشاهی

سنگی که به راهِ اوست زر می گردد
از نورِ زَبَرَجَدَش قَمَر می گردد
سائل برود به خانه اش، بی تردید
از مَحْضَرِ او کریم برمی گردد



می روم مشهد خیابان ها شلوغ
می روم در قم شبستان ها شلوغ
کربلا که کُلُّ ایوان ها شلوغ
در مسیرش هم بیابان ها شلوغ
هیچ کس مثل تو بی زُور نیست
با کریمان کارها دشوار نیست

سرود بسیار زیبا و ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفسِ سیدمجدید بنی فاطمه

امشب کار و بارم، با امام مجتبی
رؤیایِ دلِ من، تویِ ایوونِ طلا
رؤیایِ یه گنبد، شبیهِ صحنِ رضا
دلِ سرگردون
سَرِ بی سامون
چشامون گریون
باز میخونه

سِرِّ سَفَرِہِی کَرَمِتِ آقا
کِی مِشِہِ مِہْمُونِ
کِی مِیْدُونِہِ
حَرْفِ دِلْمُ مِیْگَمِ
وَاسْتِ سِرْمُ مِیْدِمِ
آقَامِ یَا اِمَامِ حَسَنِ...
کَاشِکِی مَن وَ اَمِشِبِ، سِرِّ سَفَرَتِ جَا بَدِی
مَہِ کَامِلِ اَمِشِبِ، تُو بَہِ دُنِیَا اُوْمَدِی
تَفْسِیْرِ خَدَایِی، تُو کَرِیْمِ وَ وَاْحَدِی
شَدَہِ فَرہَادِتِ
شَبِ مِیْلَادِتِ
تُو رُو مِیْخَوَادِتِ
اِیْنِ دِیُوونِہِ
اُوْمَدِی بَا تُو
دَلِ وِیْرُونِہِ
شَدَہِ آبَادِتِ
بَا زِ مِیْخُونِہِ



حرفِ دَلْمِ میگم
واست سَرَمُ میدم
آقام یا امام حسن...
مستم دارم انگار که رو ابرا راه میرم
میخونه زیاد و می و پیمونه زیاد
ساقی سَرِ زلفت دلم و داده به باد

پسرِ حیدر

عَسَلِ مادر

گُلِ پیغمبر

آقامونه

یه روز عاشقت

میزنه فریاد

تو صفِ محشر

باز میخونه

حرفِ دَلْمِ میگم
واست سَرَمُ میدم
آقام یا امام حسن

.

زمزمه و توسل ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفسِ حاجِ میثمِ مطیعی

ای نورِ دو عالم، ای جانِ دو دنیا
ای سِبْطِ نَبی، عشقِ علی، ای گلِ زهرا
از روشنیِ نامِ پُر از حُسنِ تو ای گل همه جا حِصنِ حَصلین شد
در ماهِ دعا آمدنت، علتِ بخشودگیِ اهلِ زمین شد
بر شانه ی خاتم، تو نقشِ نگینی
هم حیدر و احمد، هم روحِ الامینی
تو نورِ دو چشمِ همه ی اهلِ کِسایی
تو ماهِ ترینی
ای آنکه سَرِ خوانِ تو عُمریست که هم دشمن و هم دوست سهیم است
شَهْرُ الرَّمَضِ ان از کَرَم و پا قَدَمِ توست اگر شهرِ کریم است
حیدر حیدر، چشمانِ تو روشن
شد ماهِ حَق، از ماهِ تو گلشن
عشقِ اَزلی تو، شیرِ جَمَلی تو
در معرکه ها آینه ی جَنگِ علی تو
ای صلحِ تو چون ضربه ی شمشیرِ تو در معرکه کاریست حَسَنِ جان
در وقتِ دُعا بر لبِ ما نامِ پُر از حُسنِ تو جاریست حَسَنِ جان



دارد دلِ تنگم، امیدِ عطایت
بسته ست دخیلم، بر سبزِ عبایت
ای حیدرِ کرارِ جَمَلِ ثانیِ مولا
سرهاست به پایت

تو عشقی و ایمانی و تو معنی قرآنی و تو جانِ جهانی

تو ماهِ زمین، عشقِ خدا هستی و من عاشقِ بی نام و نشانی

*با یه امیدی او دمدم درِ خونه ات، آقای من! ای کریمِ اهلِ بیت، هیچ
فُقیری به آقا رو نمی کرد، مگر اینکه آقا بهش عطا میکرد، این رو
فقط منابع ما نوشتن، آنسابُ الاشرافِ بلاذری از منابع مهم اهل
سُنَّتِ، میگه: هر فقیری به حسن ابن علی رو میکرد، مأیوس
نمیشد.

از آقا سؤال کردن چرا هیچ وقت هیچ فقیری از درِ خانه شما دستِ
خالی نمیره؟ فرمود: من خودم دستام به دستانِ خدا بلند، من به
لطفِ خدا امید دارم، برا همین شرم میکنم، حیا میکنم که خودم
فقیر باشم و فقیری رو مأیوس کنم.*

کریم کاری به جز جود و کرم نداره

آقام تو مدینه است ولی حرم نداره*

تو عشقی و ایمانی و تو معنی قرآنی و تو جانِ جهانی

تو ماهِ زمین، عشقِ خدا هستی و من عاشقِ بی نام و نشانی

حیدر حیدر، چشمانِ تو روشن
شد ماهِ حق، از ماهِ تو گلشن
شاعر فرشته حسینی

سرود بسیار زیبا و ویژهٔ میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفسِ حاج مهدی رسولی

چشمهٔ محبتِ تو، جاریِ تویِ قلبِ من
دَم و باز دَم نَفَسَم، فریادِ حَسَن حَسَنِ
زیرِ دینِ صبرِ تو دین و آئین
سلامٌ عَلَیْكَ یا امامَ الْمُعْزِزِینِ
غریبیِ تو آقا جون، نشونِ اقتدارتِ
مزارِ خاکیتُ نبین، سینۀ ما مزارتِ
حَسَن!، ای جانم...

دست بوسِ روز و شبِ تو، حضرتِ رُوحُ الْأَمِینِ
غیر از تو کدوم شاهی، تو راهِ گداهش می شینه
تویی حقِ مُطلق، تویی باطنِ دین
سلامٌ عَلَیْكَ یا امامَ الْمُعْزِزِینِ
اسمِ توِ که عمری، قوتِ بال و پرم
به عرشِ اَعْلَى ُمُ برسم، منتِ تو رو سَرَم
حَسَن!، ای جانم...



نیم نگاهِ تو که باشه ، دنیا مُ عوض می کنم
تو هر حالتی که باشم، با اسمِ تو حَض می کنم
سَرِ سفرهٔ تو ، می شینم مَسِ اَکین
سَلامٌ عَلَیکَ یا اِمَامَ الْمُعْزِینِ
ساکنایِ عرشِ خدا ، تو حسرتِ بقیعِ تَن
ملائکَه مُقَرَّبِینِ ، اَمْرُ بُکْنی مُطیعِ تَن
حَسَن!، ای جَانِم

...

مدح و توسل زیبا و ویژهٔ میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفسِ سیدِ رضا نریمانی

بر طالع من حک شده دیوانه بودن
با عقل و جمع عاقلان بیگانه بودن
قسمت نشد که پای تو آتش بگیرم
توفیق میخواهد مگر پروانه بودن
لقمه دهانم میگذاری و می ارزد
تا به ابد کلب در این خانه بودن
حالا که تو مال منی معنا ندارد
دنبال مال و شهرت و کاشانه بودن
من یا کریمی گرم ذکر یا کریم ام

سیرم از این در بند آب و دانه بودن
اصلاً معطل کن مرا که دلنشین است
چشم انتظار روزی ماهانه بودن
امشب به یمن مقدم خود ای نگارم
اصلاً مرا گردن بزن ، حرفی ندارم
تو آمدی معنا بیخشی لفظ یل را
صید خودت کردی غزال من غزل را
تو مغز بادام رسول الله هستی
تو آمدی رونق دهی ضرب المثل را
گرم طوافت دیده ام ماه مدینه!
خورشید را زهره و ناهید و زحل را
تفسیر کن تا قسمتی شام ابد را
تعریف کن سر بسته هم صبح ازل را
من باورم این است که در امر خلقت
تو مشورت دادی خدای لم یزل را
ای حیدر ثانی به تیغ تو سپردند
نابودی فتنه گر جنگ جمل را
هر که به تو ایمان ندارد در حضورش



باید بخوانم آیه «بَلْ هُمْ أَضَلُّ» را
تا پای تو یک روز خونم را بریزند
دارم به لب الموت احلی من عسل را
یک شهر مشتاق رهایی داری آقا
قطعا که یک دنیا فدایی داری آقا
از خواب غفلت شهر را بیدار کردی
وقتی مسیر عشق را هموار کردی
من روزه را با یا حسن افطار کردم
با مقدمت این ماه را پر بار کردی
با سفره ای که در مدینه پهن کردی
امثال حاتم را دگر بیکار کردی
نان شب را به گدای شهر دادی
مانند زهرا مادرت رفتار کردی
دار و ندار زندگی ات را سه دفعه
با شوق در راه خدا ایثار کردی
تو مرتضای دومی در زهد و تقوا
هر روز را با نان جو افطار کردی

در را که به روی فقیرانت نبستی
با روی باز از سائل ات دیدار کردی
جیب مرا پر کردی از درهم نه یکبار
این لطف را در حق من تکرار کردی
از این همه الطاف تو ممنونم آقا
من آبرویم را به تو مدیونم آقا
با هر نگاه از آجر ما نان بسازی
در کوچه ی خود خیمه الاحسان بسازی
آن قدر میبخشی که با دست کریمت
از سائل درمانده یک سلطان بسازی
تو کعبه ی لطفی اگر خلوت بمانی
با دست پر مهرخودت مهمان بسازی
کافی ست که از خانه پا بیرون گذاری
از خاک کوچه لؤلؤ و مرجان بسازی
دور از تصور نیست آقا جان شبی هم
از من فؤاد و دعبل و عمان بسازی
ترفند تو این است که ساکت بمانی



تا با هنرمندی خود جریان بسازی
تا مهربانی را پیاموزی به عالم
با طعنه و دشنام این و آن بسازی
کم مانده که با یک نگاه فوق العاده
از مرد شامی میثم و سلمان بسازی
سلمان که مناشد رها از هرچه من شد
یک پنجم از عمر را عبدالحسن شد
ای آسمانی رزق امروز زمینی
مثل علی دست خدا در آستینی
عباس، علی اکبر، محمد، عون، قاسم
الحق و الانصاف لشکر افرینی
هر که ذلیل ات خوانده بی شک خود ذلیل است
مولا عزیزی و مُعِزُّ الْمُؤْمِنِی
من که زبانم بند آمد از شکوهت
حرفی بزن با من به لحن دلنشینی
من که خبر دارم دو دفعه صبح و مغرب

نزد جزامی های شهرت مینشینی
من به تو رو می آورم فردای محشر
تو بهترین مصداقی از حبل المتینی
یکبار از نزد تو ناراضی نرفتم
از بسکه اقا مهربان و نکته بینی
عبد تو هستم بیم فردایی ندارم
من که به خوبی تو آقای ندارم
از تو نوشتن از تو گفتن کار من نیست
بدبخت هر کس که برایت سینه زن نیست
صبر و سکوت و صلح ات آقا مصلحت بود
ورنه شبیه تو کسی که صف شکن نیست
باید زره بر تن کنی وقت نمازت
این دشمن بزدل حریف تن به تن نیست
قافیه ام تکراری است اما می ارزد
اصلا کسی به خوبی آقای من نیست
أین الحسن سر میدهد خاک یمن هم
این ناله های آتشین که از قرن نیست



با نام تو روحانی اینجا جلوه کردند
هر کس که نامش شد حسن حتما حسن نیست
بشکن تمام قفل‌ها را ناز شخصت
داری کلید باب جنت را به دست

شاعر: علیرضا خاکساری

سرود زیبا ویژه میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام به نفسِ

سیدرضانریمانی

رو لبام جاریه دریای سرود
میخونم باز یکی بود یکی نبود
میخونم به جز علی و فاطمه
دلبری نیست و دلبری نبود
ربّ الاربابمی و عاشقتم حسن
توی خواب دیدم که تو آغوشتم حسن
تو حرم داری و جارو کِشتم حسن
تو می نایمی، آره آره آره آره والله
ذکر محرابمی، آره آره آره آره والله
تا ابد نوکرم، آره آره آره آره والله

چون تو اربابمی، آره آره آره آره والله
 “من گدای حسنم، مبتلای حسنم
 ” عمریه منتظر، صحن و سرای حسنم
 باز میدم کوری چشمای حسود
 ساحت عرض سلام، عرض درود
 ایشالا یه روزی با ذکر حسن
 می‌کنیم ما ریشه‌ی آل سعود
 سینه چاک پدر و مادرتم حسن
 افتخارم اینه که نوکرتم حسن
 آرزومه بینم زائرتم حسن
 شهره‌ای تو گرم، آره آره آره آره والله
 میره واست سرم، آره آره آره آره والله
 میسازیم آخرم، آره آره آره آره والله
 واسه صحت حرم، آره آره آره آره والله
 “من گدای حسنم، مبتلای حسنم
 ” عمریه منتظر، صحن و سرای حسنم
 از همه غیر تو دل بُریده‌ام
 به کریمی تو من ندیده‌ام



توی قابِ قلبم آقا واسه تو
من یه گنبدِ طلا کشیده‌ام
ای که زهرا و علی را تویی نورِ عین
بُرده‌ای با کرم‌ت ما رو به زیر دین
ای تو ذکرِ دائمِ روی لبِ حسین
تو دل و دلبری، آره آره آره آره و الله
تو گداپرووری، آره آره آره آره و الله
هر کی شد نوکرت، آره آره آره آره و الله
کربلا میبری، آره آره آره آره و الله
“من گدایِ حسنم، مبتلایِ حسنم
عمریه منتظر، صحن و سرایِ حسنم”

مدح خوانی ویژهٔ میلادِ کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه

السلام به نفسِ حاج مهدی رسولی

چه خوش بر لب که بسم الله الرحمن الرحيم افتد
و یا بر لب نوای یا علی و یا عظیم افتد
چه خوش بر شوره زار دل گذاری از نسیم افتد
چه خوش باشد که سائل کار و بارش با کریم افتد

چه خوش عبدی که تا آخر گدای پنج تن باشد
چه خوش نوکر که ارباب دو دنیایش حسن باشد
دلا بنگر که در ماه مبارک ماه تاییده
چه زیبا روی دست فاطمه با ناز خوابیده
علی چون روی ماه مجتبیای خویش بوسیده
گشوده چشم ، طفل و بر امام خویش خندیده
جهان چون شام تاریکی و مهتابش حسن باشد
حسین ارباب عالم لیک اربابش حسن باشد
بیا افطار خود واکن بگو جانم حسن جانم
کرامت را تو معنا کن بگو جانم حسن جانم
کویر دل چو دریا کن بگو جانم حسن جانم
و جا در قلب زهرا کن بگو جانم حسن جانم
حسن سبط نبی آری حسن نور جلی باشد
حسن شیر جمل بود و سپهدار علی باشد
علی چون خاتم احمد حسن نقش آفرین باشد
حسن بنگر علمدار امیرالمومنین باشد
حسن آقا ، حسن مولا ، معزالمومنین باشد



حسن مولا و استاد یل ام البنین باشد
اگر مولا کند جلوه میان نه فلک یک دم
تمام حُسن یوسف میرود از خاطر عالم
به دل مهر حسن دارم حسن را دوست می دارم
همیشه هر کجا یارم حسن را دوست می دارم
به عشق او گرفتارم حسن را دوست می دارم
شده مولا کس و کارم حسن را دوست می دارم
امام آخرین ما به آقایش می نازد
می آید ، از برای او حریمی ناب می سازد
ناصر شهریاری

سرود مسجدی زیبا ویژه میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفسِ حاج سعید حدادیان

“یا زُوَّارِ أَهْلًا وَمَرَحَبًا یا زُوَّارِ أَهْلًا وَسَهْلًا”

تموم درهای آسمون

به روی ما باشد امشب

که زهرا گردیده مادر

که حیدر بابا شد امشب

چه کسی خوب میدونه به جز خدای ذوالمنن
که محبت حسن چه کرده با این دل من
اگه دستم نرسیده به شبستونه بقیع
قسمتم شده پیام به مجلس امام حسن
شب عشق و جنونه شب صاحب زمونه
خوشبحال اونیکه قدر یارو میدونه

“یا زُوَّارِ أَهْلًا وَمَرْحَبًا يَا زُوَّارِ أَهْلًا وَسَهْلًا”

شبای عشق و عاشقیه
برادر خوب گوش بده به من
تموم سال و گفתי حسین
حسینم امشب میگه حسن
من مرید حسنم ، گدای عید حسنم
همه عالم میدونن که من سعید حسنم
ایشالله که بعد مرگ همه ی آل سعود



روی قبرم مینویسن که شهیدِ حسنم

شب عشق و جنونه شب صاحبِ زمونه
خوشبحال اونیکه قدر یارو میدونه

ملائک امشب من و بینید

که اینجا بین الحرمینه

یه دستم به ضریح ابالفضل

یه دستم به ضریح حسینه

چه جوری باور کنم اینهمه محترم شوم

توی عاشقای تو نشون شدم علم شدم

شبِ میلادِ علی بن حسین بن علی

توی بین الحرمین کبوتر حرم شدم

“یا زوّارِ أهلاً و مرّحبا یا زوّارِ أهلاً و سهلاً”

سرود زیبا و ویژه میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفسِ حاج مهدی رسولی

یا علی و یا عظیم و یا غفور و یا رحیم
میبرم نام کریم و میبرم چون یا کریم
خسته، محتاج کرامت امدم من تا کریم
زخم سائل را که مرحم مینهد اِلا کریم
نیمه ی ماه خدا، ماه خدا پیدا شده
فاطمه مادر شده است و مرتضی بابا شده

“فهو الکریم ابن الکریم وجده خیر الانام”

همچو زهرا و رسولی، هم شبیه حیدری
هم شجاعی هم دلیری هم یل نام آوری
تو جوانان بهشتی یا بهشتی پروری
تو معز المومنینی، از همه بالاتری
ماهمه یکتا پرستان سر کوی توایم
می نخورده جز مستان سر کوی توایم

“فهو الکریم ابن الکریم وجده خیر الانام”



حس هستی حس زیبایی کریم اهل بیت
شور شیرینی شیدایی کریم اهل بیت
پور زهرا پور مولایی کریم اهل بیت
بی نظیری شاه یکتایی کریم اهل بیت
سفره ی ما، با کراماتت پراز نان میشود
باحسن کار گدا هم جود و احسان میشود

“فَهُوَ الْكَرِيمُ ابْنُ الْكَرِيمِ وَجَدَهُ خَيْرَ الْأَنْامِ”

از تو میگیرم همه امید را تدبیر را
از غلاف آرم برون مولا اگر شمشیر را
صد جمل سازم کنم خم قامت تزویر را
یا علی گویان زنم من گردن تکفیر را
من ریاض و جده را با خاک یکسان میکنم
کل دنیا را برای تو شبستان میکنم

حسن حسن کریم فاطمه.....

سرود زیبا و ویژهٔ میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

به نفسِ سیدِ رضا نریمانی

«باد صبا خبر آورده

فاطمه گل پسر آورده

پسر نگو گوهر آورده» ..

شاده پیغمبر بی حد و اندازه

پسر زهرا خدا چقدر نازه

جبرئیل غرق شادی و شمع او مده

پسر ارشد شاه نجف او مده

تو ماه خدا ، ماه مرتضیٰ

او مده به دنیا ، بگید ماشاءالله ..

و هُوَ الْكَرِيمُ ، اِبْنُ الْكَرِيمِ

و اَخِ الْكَرِيمِ ، وَ جَدُّهُ خَيْرُ الْاَنَامِ

باد صبا خبر آورده

فاطمه گل پسر آورده



پسر نگو گوهر آورده ..

کرامت خالق یزدان
مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ
تفسیر آیات الرَّحْمٰنِ

حیدر و زهرا دریای جانان
حسن و حسین لؤلؤ و مرجان

به گداها بگید که سفره دار اومده
توی اوج گرما فصل انار اومده

عشق عالمین ، داداش حسین
اومده به دنیا بگید ماشاءالله ..

و هُوَ الْكَرِيمُ ، اِبْنُ الْكَرِيمِ
و اَخِ الْكَرِيمِ ، و جَدُّهُ خَيْرُ الْاَنَامِ

باد صبا خبر آورده
فاطمه گل پسر آورده
پسر نگو گوهر آورده ..

لَوْلَوْ تَو بَغْلِ دَرِيَا
يَا حَسَنَةَ خَيْرِهِ بِه مَوْلَا
بِه هَم مِيَانِ پَسَرِ وَ بَابَا

تو دل زهرا چه قندی آب میشه
تو وجود اون خدا داره ریشه

حد فاصلِ عرش تا خونه گل کاری
صد و هجده تا دونه خرما افطاری

سلطان کرم ، شاه بی حرم
اومده به دنیا بگید ماشاءالله ..

و هُوَ الْكَرِيمُ ، اِبْنُ الْكَرِيمِ
وَ اَخِ الْكَرِيمِ ، وَ جَدُّهُ خَيْرُ الْاَنَامِ



شور ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام به نفسِ کربلایی حسین سبب سرخی

چقدر اسم تو رویاییه ، حسن جانم
فقط کارتو آقایی ، حسن جانم
چقدر حیدری صولت ، حسن جانم
چقدر روی تو زهرایی ، حسن جانم

میگم یا حسن ..

تا که آسمون ، درهاشو روی من وا کنه

میگم یا حسن ..

تا که فاطمه ، منم توی دلش جا کنه

میگم یا حسن ..

به آقام حسین ، برات منم امضا کنه

ماه عالمین .. حسن ..

امام حسین .. حسن ..

من از عشق تو دم میزنم ، حسن جانم

برایِ تو قلم میزنم ، حسن جانم
ان شالله میاد اون روزی ، حسن جانم
تو صحن تو قدم میزنم ، حسن جانم

میگم یا حسن ..

که با اسم تو ، میاد ای سر جا حال من

میگم یا حسن ..

تا که وابشه به سمتِ تو پر و بال من

میگم یا حسن ..

که برکت بده خدا به جونمو مال من

شَهِ کَرَم و فَضْل .. حسن ..

امام ابالفصل .. حسن ...

شده ذکر تو خیرالعمل ، حسن جانم
رجزهایِ تو ضرب المثل ، حسن جانم
غضبهایِ تو شیر افکن ، حسن جانم
طلایه دار جنگِ جمل ، حسن جانم



میگم یا حسن ..

ای آقای من ، آقای کریم ابن کریم آقا

میگم یا حسن ..

یه امضا بزن ، پای قبالة نو کریم

میگم یا حسن ..

میدونم یه روز ، منو کربلا میبری

بده به من هدیه .. حسن ..

عموی رقیه .. حسن ..

شه گرم و فضل .. حسن ..

امام ابالفضل .. حسن ...

شور زیبا و ویژهٔ میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام به نفسِ کربلایی حسین سببِ سرخی

نیمه ماه اوامده ماهم ، که شبم این همه زیبا شد
حضرت زهرا شده مادر ، حضرت مرتضیٰ بابا شد

همه کس منی آقا .. تو نفسِ منی آقا ..

رو لبهام اسمِ حسنِ جانِ
اینه ذکرم دَمِ افطارم
نو شتم رویِ دلمِ آقا
والله خیلی دوست دارم ..

همه کس منی آقا .. تو نفسِ منی آقا ..

بخدا که تاجِ سری و خاکِ پاتم من
دیونۀ شالِ سبز رو شونه هاتم من

تویی که روحِ مناجاتی
کلیدِ تمومِ حاجاتی



خوشبحال سیدا چونکه
تو بزرگ همه ساداتی ..

همه کس منی آقا .. تو نفس منی آقا ..

اول آقازاده عالم ، عشق تو سعادت محض
والله تا باتو باشم من ، پام روی صراط نمی لغزه

همه کس منی آقا .. تو نفس منی آقا ..

آروزمه زیر سایه علمت باشم
حتی توی رویاهم تو حرم باشم

تو دلم حرم بنا کردم
رواقتم از طلا کردم
صدو هجده دفعه توی صحت
یه نفس برو بیا کردم

همه کس منی آقا .. تو نفس منی آقا ..

ای جونم فدایِ روزی که مدینه ام یه کربلا میشه
صحن و رواقِ تو آقا جان ، مثل مشهد الرضا میشه

همه کس منی آقا .. تو نفسِ منی آقا..

**سرود و شور زیبا ویژهٔ میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی
علیه السلام به نفسِ سید رضا نریمانی**

ای جان جانان حسن، سلطان خوبان حسن
اسطورهٔ بخشش و ، باران احسان حسن

عشق تو خیرالعمل، ماه تو ماه غسل
از بس کریمی شدی ، تو آسمونا مثل

امشب از لحظهٔ افطار به نام حسنم
صید بی بال و پرم بسته به دام حسنم
عاشقی دربه درم عبد مرام حسنم
مست لایعقل و دیوانهٔ جام حسنم
ایهاالنَّاس بدانید غلام حسنم



از تو دلبری بر میاد

از ما نوکری بر میاد

ماه شب فاطمه ، شاه غریب وطن

هستی امام حسین ، هستم من عبدالحسن

عشقت اهورایی ، جشنت چه رؤیایی

قطعاً مرید شماست ، هر کس که زهرایی

چشم وا کرده شدم دست به دامان حسن

روزی از دست علی خوردم و از خوان حسن

از همان روز شدم بی سروسامان حسن

نان هر سفره حرام است به جز نان حسن

بر جبینم بنویسید مسلمانِ حسن

از تو دلبری بر میاد

از ما نوکری بر میاد

بیت النبى امشب از ، روى تو شد منجلى
تو آمدی رو زمین ، ابالحسن شد على

ای جلوۀ نور حق ، ای اصبر الصّابرين
هستی تو فرمانده ، سردار ام البنين

آیت العظمى على و محشر كبرى حسن
على و اعلى ۰ على و والى و والا حسن
عَلَّمَ الاسماء على و احسنُ الاسماء حسن
جان پیغمبر على و دلبر طاها حسن
قادر مطلق على و مالک دلها حسن

از تو دلبری بر میاد

از ما نوکری بر میاد

انگیزه زندگیم ، شیرینی ما حسین
واسه رضای خدا هر دم میگم یا حسین



یک شعبه از کربلاست ، میگن تو هر جا حسین
پس من الآن کربلام ، امشب میگم یا حسین

هر چه بادا باد اما عشق باد
عشق بادا عشق بادا عشق باد
جوهر این عاشقی ها عشق باد
کار دنیا کار فردا عشق باد
عقل رفت و گفت تنها عشق باد

«از تو دلبری بر میاد
از ما نوکری بر میاد»

“حسن حسن حسن حسن

....

سرود ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

به نفس حاج مهدی رسولی

چشمه محبت تو جاری تو قلب منه
دم و بازدم نفسم فریاد حسن حسن

زیر دین صبرِ تو دین و آیین
سلامٌ علیکَ یا امامِ الْمُعْزِینِ

غریبی تو آقا چون نشونِ اقتدار ته
مزارِ خاکی تو نبین ، سینۀ ما مزار ته

«حسن .. ای جانم حسن .. ای جانم»

دست بوس روز و شب تو حضرتِ روحِ الامینه
غیر از تو کدوم شاهی ، تو راهِ گدازِ میشینه
تویی حقِ مطلق ، تویی باطنِ دین
سلامٌ علیکَ یا امامِ الْمُعْزِینِ

اسمِ تویه که عمریه ، قوَّتِ بالِ و پرم
به عرشِ اعلیٰ ام برسم ، منتِ تو رو سر مه

«حسن .. ای جانم حسن .. ای جانم»

نیمه نگاه که تو باشه ، دنیامو عوض میکنم





تو هر حالتی که باشم ، با اسم تو حَض می‌کنم

سر سفره تو میشینم مساکن

سلامٌ علیکَ یا امام المُعزیزین

ساکنایِ عرشِ خدا ، تو حسرتِ بقیعِ تن

ملائکِ مقربین ، امر بکنی مطیعِ تن

«حسن .. ای جانم حسن .. ای جانم»

زمزمه و مدح ویژهٔ میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی

علیه السلام به نفسِ حاج محمود کریمی

حسن یا نبی یا علی یا زهرایی

خدا یا بشر یا ملک یا رویایی

چهارمین نورِ منجلی تو

تو همه دلدارا ولی تو

مات و مبهوتم تو کی هستی



تو علی هستی یا علی تو
امامی ، سلامی ، تو عشقِ مدامی
تو عینِ علی و ، علیِ امامی
«علیِ امامی» ...

“حسن جان حسن جان حسن جان”

صراط و سلوک و ثواب و صبری تو
شمیم و شکوهِ شبایِ قدری تو
هر کی اومد پشتِ درِ تو
میشه مهمونِ مادرِ تو
حک شده اسمِ اعظمِ حق
رو نگینِ انگشترِ تو ...

تو لطفِ تمامی ، صلاه و صیامی
وصیِ علی و علیِ امامی

«علیِ امامی» ...



به شوقت دچارم ، از عشقت سرشارم
به نام تو پهنه ، بساط افطارم
از تو با عزت کل دین
روح اسلام و مسلمین
قسمت ما میشه به زودی
دیدن صحنه تو مدینه

تو رکن و مقامی ، کریم و کرامی
تمام علی و علی[ؑ] امامی

«علی[ؑ] امامی» ...

دل من فقیرِ تو خونت مهمونه
دل من کویرِ نگاهت بارونه
اون که با تو حاجت روا شد
تازه به عشقت مبتلا شد
پرچم سبزِ تو دلیل
پرچم سرخ کربلا شد



تو رمز قیامی ، تو راز پیامی
تو سر علی و علی امامی

«علی امامی» ...

“حسن جان حسن جان حسن جان”

نوش لب علاج دل زار میکند
اظهار حُسن خویش ز آثار می کند

بنگر به مرتضی که در این ماه روزه را
با بوسه از لب حسن افطار می کند

یا حسن یا حسن یا حسن ...

به جلوۀ ماه علی ماشالله ...

به آیت الله علی ماشالله ...

یا حسن یا حسن یا حسن



...

مدح و توسل زیبا و ویژهٔ میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام

بنفسِ کربلاییِ حنیفِ طاهری

امشب خدا از شاهکارش رونمایی می کند
امشب حسن از عاشقانش دلربایی می کند
هر کس در این خانه روز و شب گدایی می کند
با این گدایی بر جهان فرمانروایی می کند
چشم و چراغ خانه ی زهرا و حیدر آمده
استادِ رزمِ قاسم و عباس و اکبر آمده
ماه علی از راه می آید و قارش را ببین
آینه ی زهراست، حُسن بی شمارش را ببین
در چهره ی او شوکت پروردگارش را ببین
در دستهای خبیری اش ذوالفقارش را ببین
بر خاکِ نعلینش ابوذرها تیمم کرده اند
از هیبتش حتی ملائک دست و پا گم کرده اند
روزیِ عالم می رسد از سفره ی شاهانه اش
بار زمین و آسمان را می کشد بر شانه اش

نورٌ عَلَيَّ نور است بی شک خشت خشت خانه اش
شکر خدا روز ازل من هم شدم دیوانه اش
آمد کریمی که به یمن او گدایی باب شد
امشب حسین بن علی هم صاحب ارباب شد
آرام می گیرد جهان در سایه ی بال و پرش
یا للعجب! در حیرتم از خُلقِ قاسم پرورش
دنیا به هم می ریزد از بانگِ اَنَا بِنُ الحیدرش
آمد که روز و شب بگردد دورِ زهرا مادرش
هر جا نبردی هست شیر کارزارش مجتبی ست
جنگِ جمل یعنی که حیدر ذوالفقارش مجتبی ست
خُلُقاً شبیه فاطمه، خُلُقاً شبیه حیدر است
مثل علی حتی نفس هایش مسیحا پرور است
هر کس که فرزند علی شد، فاتح صد خیبر است
او جای خود دارد... غلامش هم شفیع محشر است
وقتی که در تاریکیِ شب ها عبادت می کند
بی واسطه او با خدایِ خویش صحبت می کند
آبِ وضوی او جهنم را گلستان می کند
شب های عالم را، نگاهش نور باران می کند



نور وجودش عرش اعلیٰ را چراغان می کند
ایوان طلای مجتبیٰ، کافر مسلمان می کند
اصلاً حواسم نیست... ایوانی ندارد مجتبیٰ
شمع و چراغی بر مزارش نیست مثل کربلا
[#شاعر](#) احمد نرگسی رضاپور

پنجره و کبوتر با من، ضریح و ایوان طلا با تو
خلوتی صحن بقیع با من، شلوغی کرب و بلا با تو
بیا گریه کنیم ما برای غم زینب
تابوت پُر تیر و بدن و سُم مرکب
غریب آقام آقام آقام



سرود بسیار زیبا_ ویژهٔ میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام _

کربلایی حسین طاهری

نگاهم کن، نگاهم کن
دوباره با ننگات خرابم کن
نگاهم کن، نگاهم کن
تو جمع نوکرات حسابم کن
حسن... یه روزی مسیر عشقِ
در خونت رو پیدا کردم
حسن... حالا که خرابم کردی
محالِ بخوام برگردم
حسن... خاکِ کفِ پای توأم
ای جانِ جانان
تو نور چشم زهرایی
جانم حسن جان
{ای جانِ جانان
جانم حسن جان}
حسن... ای جانِ جانان
حسن... جانم حسن جان



.....حسن

پناه من، پناه من
پناه من کنار سفره ی کریم تو
پناه من منم فداییِ قدیم تو
حسن... سرم گرم احسان تو
دلمو به دلت می سپارم
حسن... تو رو از قدیمُ الایام
نمی دونی چقدر دوست دارم
حسن... من رعیت و تو شاه من

ای جانِ جانان
روی لبم جانم حسن
جانم حسن جان
{ای جانِ جانان
جانم حسن جان {
حسن... ای جانِ جانان
حسن... جانم حسن جان

امیدِ ما، امیدِ ما
امیدِ ما اینه که صاحبِ حرم باشی
امیدِ ما، امیدِ ما
مگه ما مردیم که تنها شی
حسن... میاد صاحبِ دنیاو
یه روزی بقیعِ آزاد میشه
حسن... به دستِ مادرت زهرا
حرمِ حسن آباد میشه
حسن...

روزی چشمِ این شبها
ای جانِ جانان
دستِ توئه ای باوفا
{ای جانِ جانان
جانم حسنِ جانِ {
حسنِ ای جانِ جانان
حسنِ جانم حسنِ جان
ای جانم به سفره ی کرامت
ای جانم به این همه عنایت



اشك تو چشمه ی محبتِ
با تو بودن آقا سعادتِ
دستمو بگیر
تو این شبایی که بی کسم
یه صدایی بهم میگه
یه روز به وصل تو می رسم
حسن.. دنیای من
رویای من
حسن... جونم فدات
آقای من

مدح خوانی زیبا_ ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن

مجتبی علیه السلام_ کربلایی حسین طاهری

باید بچشد گرمیِ طوفانِ نجف را
هر کس که ندارد تبِ سلطانِ نجف را
ما را نه فقط بر سرِ این سفره نشانند
خورده است نبی هم کفی از نانِ نجف را



بخشید خدا اولِ این ماهِ مبارک
پیش از همه ی خلقِ مسلمان نجف را
می خواست بینیم کریمیِ علی را
رو کرد خداوند حسن جانِ نجف را
یک روز بیاییم و بسازیم مدینه
بالای سرِ فاطمه ایوانِ نجف را
دیدیم همه سروری آلِ علی را
اولِ پسرِ مادریِ آلِ علی را
جبریل شدم مثلِ کبوتر شدم امشب
ای شوقِ بینِ یکِ کسِ دیگر شدم امشب
نامت به لبم آمد و چسبید لبانم
انگار پُر از قندِ مُکرر شدم امشب
من از جبروت و جلواتِ تو شنیدم
ای عشقِ به من حقِ بده کافر شدم امشب
پیراهنم از عطرِ گلابت شده لبریز
از لطفِ شما لاله ی قمصر شدم امشب
آقا به ضریحی که نداری پَرِ من خورد
پیشِ تو عجب نیست اگر زر شدم امشب



باید که بینند علی را حسنش را
نقش شرف الشمس عقیق یمنش را
آئینه بگیرید پیمبر شدنش را
از روز ازل حضرت حیدر شدنش را
باید که عقیقه بکند فاطمه امشب
شیرینی این لحظه ی مادر شدنش را
یوسف سر این کوچه دویده است ولی باز
می دید در آن غُلْغُلَه آخر شدنش را
چشمی که حسد داشت به ذریه ی زهرا
با روی حسن دید خود ابتر شدنش را
بین الحرمین اند ملائک همه امشب
تبریک بگویند برادر شدنش را
تنها نه دل ما که دو عالم حسنیه است
هر دو حرم کربلا هم حسنیه است
باید که علی چند پسر داشته باشد
تا این که مدینه سه قمر داشته باشد
مانند نبی کیست که در بین دو عالم
از فاطمه ی خود دو جگر داشته باشد



باید که پسر دار شوی تا که بفهمی
شیرینیِ باغی که ثمر داشته باشد
هر کس که از این ایل بود موقع رزمش
در پنجه ی خود تیغِ دو سر داشته باشد
باید که پس از نامِ علی ذکرِ حسن داشت
تا تیغِ ابوالفضل اثر داشته باشد
آن چشم که دیدت چقدر مست شد آقا
یک شهر پُر از کوچه ی بن بست شد آقا
خورشید چرا نیمه ی شب بر سر بام است
گو ماه نیاید که مرا ماه تمام است
آن کس که در این خانه غلام است امیر است
آن کس که امیر است بر این خانه غلام است
در مذهبِ ما باده حلال است ولیکن
بی رویِ تو ای سرو گل اندام حرام است
با اینهمه حُسنی که شده جمع در اینجا
حیران شده ام قبله کدام است کدام است
هر کس که جمل بود و تو را دید نوشته است
سوگند که صلح تو قیام است قیام است



سرود زیبا_ ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

سید رضا نریمانی

جبرئیل شراب از لب شیرین تو نوشد
کوثر به همه وسعتش از فیض تو جوشد
بی چاره کسی کز کرمت چشم پیوشد
دیشب گذر کردم از کوچه میخانه
دیدم همه مستن دیوانه دیوانه
ساقیِ کَرَمِ می کرد پیمانه پیمانه
دیدم حسن بخشید عیدانه شاهانه
قد رعنا نداری که داری آقا
تو دلم جا نداری که داری آقا
کَرَمِ شاه نداری که داری آقا
دلِ دریا نداری که داری آقا
مولا مولا یا مولا...

ای حُسنِ حَسَن در حَسَنَتِ حُسنِ خدایی
از عشق تو جان کرده به تن میل جدایی
عالم به سر کوی تو مشغول گدایی

خال و خطِ چشمت تصنیف زیبایی
پا تا به سرمولا! ماهِ دلارایی
پیش تو زد زانو صد حاتم طائی
تو لشکرِ صبری
تو جانِ زهرایی
دل و دلدار نداری که داری آقا
این همه یار نداری که داری آقا
واله بسیار نداری که داری آقا
با گدا کار نداری که داری آقا
مولا مولا یا مولا...

هستیم مسلمان شده ی دست حسن مردم ایران
اینجاست همان مهد سلیمانی همان خاکِ دلیران
ای ابرهه اینبار ابابیل رسد از بیشه ی شیران
بر پا شود طوفان جانان دهد فرمان
بازم جمل گردد آییند اگر میدان
سوریه ثابت شد این شمشیر بُرآن
ما مرد جولانیم جانم سنه قربان
دَم تکبیر نداریم که داریم والله



جَوون و پیر نداریم که داریم والله
رقص شمشیر نداریم که داریم والله
جگر شیر نداریم که داریم والله
مولا مولا یا مولا ...

سرود بسیار زیبا_ویژهٔ میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

سید رضا فریمانی

دلارو داده به دستِ باد زهرا
داره میخونه وَاِنْ یَکَاد زهرا
علی با طرز نگاش داره میگه
چقدّه مادری بهت میاد زهرا
غوغا غوغا شده

در رحمت خدا وا شده

آسمون به احترام پا شده

ماه پشت ابرا پیدا شده

حیدر بابا شده

ماه لطف و رحمت خدا به نیمه اومده



همون آقایی که خیلی کریم اومده
کریم، رحیما
تو رو میشناسمت آقا به کرم
سایه ی بالای سرم
داری هوای منو از همون قدیم ندیما
عطر تو رو دارن همه ی نسیما
آقای همه کریمما {
مولا، مولا، کریم آل طه....
هوای مارو داره زیاد زهرا
کی تو محشر میرسه به داد زهرا
حالا امشب شبشِ بگیم با هم
چقدہ مادری بهت میاد زهرا
زیبا زیبا شده
شب یلدای گداها شده
همه چی شبیه رویا شده
مدینه محشر کبری شده
حیدر بابا شده
بهترین شب که امید زندگیم اومده



همون آقایی که خیلی کریم اومده
کریم، رحیما
تو رو میشناسمت آقا به کرم
سایه ی بالای سرم
داری هوای منو از همون قدیم ندیما
عطر تو رو دارن همه ی نسیما
آقای همه کریم
مولامولا، کریم آل طه....
داره امشب همه رو به یاد زهرا
دلارو میکنه شادِ شادِ زهرا
شبِ جشنِ شبِ عیدِ شبِ مُزدِ
با براتِ کربلا میاد زهرا
مجنون شیدا شده
منو چشمایی که دریا شده
حالا که دلا مُهیا شده
کربلا ان شاء الله امضا شده
حیدر بابا شده

اونی که راه نجاتِ مستقیمِ او مده
همون آقایی که خیلی کریمِ او مده
نگارا بهارا
تو رو دوست دارم آقا بخدا
بسمه از تو یه نگاه
من یه گدا و تو هون شاه فلک سوارا
قبرت توی قلبِ همه بی قرارا
من مستِ توأم نگارا
مولامولا، کریم آل طه

مدح خوانی زیبا_ ویژهٔ میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام_ سید رضا نریمانی

به نام عشق به نام خدا به نام حسن
به نام نامی مولا که شد امام حسن
شب ولادت او ماه مهمانی شد
خود خداست دم در به احترام حسن
خوشا به حال کسی که غلام حیدر شد
خوشا به حال خودم که شدم غلام حسن



تمام قافیه ها بهر مصرعی آمد
حسن تمام خدا و خدا تمام حسن
هوای شعر من امشب هوای باران است
لب خدا به خدا گرم یا حسن جان است
نشان بده به همه عین لایزالی را
بیا و پر بکن این دستهای خالی را
میان شورِ مناجات نام تو کافیت
چه احتیاج ابو حمزه‌ی ثُمالی را
تویی که هر قدمت شأن کبریا دارد
تویی که سبز نمودی همه حوالی را
کریم آل عبایی، نشد، نداری تو
و مستجاب نمودی هر محالی تو
قسم به کعبه که عین خود مطافی تو
غریب آل علی عین شین و قافی تو
چقدر با کرمت مستجابمان کردی
تویی که ز خجالت خود قطره‌ی آسمان کردی

همیشه بیشتر از حد انتظاری تو
مویز بودیم و تو شرابمان کردی
همینکه نوکرتان گشتهایم، ممنونیم
همینکه خاکِ قدومت حسابمان کردی
چقدر یکه و تنها چقدر درویشی
چقدر از غم غربت خرابمان کردی
به لطف گام تو گل شد گلاب، آقا جان
و نوکرت شده عالیجناب، آقا جان
خدا سپرد فلک را به اختیار شما
که حیدری شده شأنِ اقتدار شما
هنوز پرچم تو بین اولیا بالاست
حسینِ فاطمه نازد به اعتبار شما
میان کوچه نشین تا که راه بند آید
در این میانه خدا گشته بی قرار شما
اگر نبود کسی پا رکابتان باشد
بین که هست سرم بی قرارِ دارِ شما
تمام ایل و تبارم فدای تو آقا
منم گدای گدای گدای تو آقا



مگر نه اینکه همه کبریا برای توست
به روی عرش خداوند رد پای توست
تو بی نهایتِ مطلق تو عشق زهرایی
مقام خضر نبی تازه ابتدای توست
تویی که طایفه ات یک به یک سلیمانند
حسین فاطمه بیمار، مبتلای توست
همیشه حاجت ما را تو با کرم دادی
همیشه دستِ دلم بر پر عبای توست
مگر نه اینکه خودت صاحبِ کرم هستی
چرا، برای چه، آخر بی حرم هستی؟
دلم همیشه هوای تو را به سر دارد
هوای خاکِ مزارت دم سحر دارد
برای طرح حرم نقشه‌ها به سر داریم
که صحنِ مادرِ تو جلوه‌ی دگر دارد
ورودی حرمتِ صحنِ مادرِ سقااست
به روی قبر و ضریحش دو شاه‌پر دارد

شما برای فرج لا اقل دعایی کن
دعا برای فرج از شما اثر دارد
عَلَم به دستِ علمدارِ کربلا زیباست
یقین که روز فرج مرگ این سعودی هاست
شاعر: آرمان صایمی

سرود زیبا_ ویژهٔ میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

کربلایی حسین سبب سرخی
دیشب گذری کردم از کوچه ی میخانه
دیدم همه مستان را دیوانه ی دیوانه
ساقیِ بلاجویان شاداب و لبِ خندان
می داد به سرمستان پیمانه به پیمانه
من بودم و تنهایی در حلقه ی شیدایی
دستی ز کرم آمد ناگاه روی شانه
گفتا منشین خاموش در محفل ما رندان
برخیز غزل خوان شو مستانهٔ مستانه
سرمست بخوان یا هو، جای نگرانی نیست
مولاست که می بخشد عیدانهٔ شاهانه



برخواستم و خواندم یا محسن و یا مُجْمِل
ما را بنواز امشب ای لطف کریمانه!
هو هاتفی از یثرب، می گفت دم مغرب
افطار بفرماید از سفره ی جانانه
فرمود کسی مولا، فرموده بفرماید
کردند همه طاعت فرمان ملو کانه
چه سفره رنگینی گسترده به ایوان بود
بسم الله هنگام افطار حسن جان بود
ای خال و خط و چشمت تصنیف دل آرایی
نامت حسن و حُسن سرچشمه ی زیبایی
هم قامت تو موزون، هم صورت تو محشر
پا تا سرت ای مولا! مجموعه ی غوغایی
افلاک همی گردد گرد قد و بالایت
رخسار جهان افروز گیسو شب یلدایی
ای روزی هر روزم، وابسته به دستانت
ای کاش که رزقم را همواره بیفزایی
اوّل قدم طاها اوّل پسر مولا
اوّل ثمر عشق صدیقه ی کبرایی

ای سفره ی گسترده وی رحمت بی پایان!
ما را بنواز امشب ای رأفت زهرایی
کو حاتم طایی تا پیش تو زند زانو
سالار کریمانی تو حاتم طاهایی
ای حِلْم خداوندی اسطوره ی صبری تو
فرمانده ی بی لشکر سردار شکیبایی
رویای شب و روزم خورشید دل افروزم
عمری ست که با عشقت می سازم و می سوزم
ای نام گرانِ قَدَرَتِ بِسْمِ اللّهِ قرآن ها
وی جنبش لب هایت آرامش طوفان ها
هر کس غزلی خواند در مِدْحَتِ تو جانا
می بندد و می سوزد دیوانِ غزل ها را
خورشیدی و چون خورشید سلطانیِ تو محرز
ای سیطره ات حاکم، بر سلطه ی سلطان ها
ای میمنه هستی در میسره ی چشمت
وی هم چو علی فاتح، در عرصه ی میدان ها
فریاد زخم محشر از عمق دل مستم
از طایفه ی عشقمِ مجنونِ حسن هستم



امشب دل دیوانه بی تاب حسن گوید
با دست تھی چشم پر آب حسن گوید
عشق تو خیالاتی کرده است مرا آقا
هر شب دل آشفته در خواب حسن گوید
با رحمت و احسان چشمان پر از خیرت
این عاشق شیدا را دریاب حسن گوید
امشب همه ذرات هستی حسنی هستند
خورشید، رُحل ناهید، مهتاب حسن گوید
کی غلغله می افتد در جان همه عالم
وقتی لب عطشان ارباب حسن گوید
ذرات به توصیف اوصاف تو مشغولند
سجاده و تسیح و محراب حسن گوید
ای محور بخشایش در ماه عنایت ها
ماه رمضان رب الارباب حسن گوید

شاعر: مجتبی روشن روان



سرود زیبا ویژه میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام به نفس سید مجید بنی فاطمه

کوله عاشقی تو بردار بیار
تویی که سر سپرده ی این دری
اگه یه عمره سر این سفره ای
مدیون لقمه ی پدر مادری

امشب شب میلاد عشقه
اون که به ما دل داده ،عشقه

دلبرم .. نور چشم منه
خاک تو .. واسه من وطنه
رو سرم .. سایه حسن

آقام آقام آقام حسن ..

ملائک از تو آسمون او مدن
زمین و آسمون چراغونیه
روی لباش "وإن یکاد" ، علی
چشمای شوق همه بارونیه



دل ها پر از امید و نوره
امشب بساط مستی جوهره

رو لبم .. ذکر یا حسنِ
روزی .. دنیا با حسنِ
بانی .. کربلا حسنِ

«آقام آقام آقام حسن» ..

اگه چه کاره گوشه چشم تو
از دل عاشقا حرم ساخته
بقیع حرم میشه تا قبل از ظهور
به جون مادرم دلم روشنه

آقا تو دلهای ما درده
غربت دلامون و خون کرده

او مدن .. مهندس های بقیع

تا بگن .. سرم فدای بقیع
جونم و .. میدم برای بقیع

رو لبم .. ذکر یا حسنِ
روزی .. دنیا با حسنِ
بانی .. کربلا حسنِ

آقام آقام آقام حسن ..

**سرود زیبا و ویژهٔ میلادِ کریم اهل بیت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام
به نفسِ سید مجید بنی فاطمه**

شبی که من دوسش دارم امشب
میشینیم سر سُفرش همه امشب
اونیکه که جا نداره، غمه امشب
شبِ تولدِ عشقمه امشب

امشب، نوره که میاره از آسمون لبخندت
دنیا، چقد بی نمکه بدون لبخندت



شبی که من دوسش دارم امشب
میشینیم سر سُفرش همه امشب
اونیکه که جا نداره، غمه امشب
شبِ تولدِ عشقمه امشب

امشب، نوره که میاره از آسمون لبخندت
دنیا، چقد بی نمکه بدون لبخندت

ای فدای نگاه ملیحت
هیچ کسی رو ندیدم شبیهت
میرسه آخرش اون شبی که،
دیدنی میشه آقا ضریحت...

شبی که من دوسش دارم امشب
میشینیم سر سُفرش همه امشب
اونیکه که جا نداره، غمه امشب
شبِ تولدِ عشقمه امشب

تو که نورِ علی نورِ حضورت
چی باید بگم از وسعتِ نورت
تو که بارونِ رحمتِ خدایی
مِثِ همیشه اومدم گدایی

خاکِ پاتم، که خاکِ پای تو دُرّ و گوهرِ میشه
امشب "الهی بالحسن" ذکرِ سحرِ میشه

عمر مو زیر سایه ات نشستم
زیرِ بارونِ رحمتِ نشستم
بس که دورت شلوغِه همیشه
اومدم باز به زحمتِ نشستم

شبِی که من دوسِش دارمِه امشب
میشینیم سرِ سُفرش همه امشب
اونیکه که جا نداره، غمه امشب
شبِ تولدِ عشقمِه امشب



امشب، نوره که میاره از آسمون لبخندت
دنیا، چقد بی نمکه بدون لبخندت

ای فدای نگاه ملیحت
هیچ کسی رو ندیدم شبیهت
میرسه آخرش اون شبی که،
دیدنی میشه آقا ضریحت

“حسن جان حسن جان حسن جان”

تو که نورِ علی نورِ حضورت
چی باید بگم از وسعت نورت
تو که بارونِ رحمت خدایی
مَثِ همیشه اومدم گدایی

خاکِ پاتم، که خاکِ پای تو دُرّ و گوهر میشه
امشب “الهی بالحسن” ذکر سحر میشه



عمرمو زیر سایه ات نشستم
زیرِ بارونِ رحمت نشستم
بس که دورت شلوغِه همیشه
اومدم باز به زحمت نشستم

“حسن جانم حسن جانم حسن جانم”

سرود بسیار زیبا و ویژهٔ میلادِ کریمِ اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام
به نفسِ کربلایی محمدحسین حدادیان

پَر پرواز، باگدا دَم ساز
یه نگاهی هم به این دیوونه بنداز
سفره داری همتا نداری
من میخوام فدات بشم اگه بذاری
اگه کسی مثل دلبر من داره بیاره
واللهِ نِداره
این شور و همین مستی و
این حالِ خوشِ من



کارِ نگاره

جانِ جانِ جانِ جانانی
رعیتِ منمو تو سلیمانی
تودوای درد و درمانی
جانِ جانی، جانِ جانی

“حسنِ جانم حسنِ جانم حسنِ جانم”

درِ خونت دخیل میندم
جز درِ خونه ی تو جایی نمیرم
آخرش من کرب و بلامو
فقط از دست کریم تو میگیرم

اگه میبینی بی ضریحه و حرم نداره
داده به حسینش ...

ولله بهتر از کرب و بلا میشد بین الحرمینش ...

اگه کسی مثل دلبر من داره بیاره

والله نداره

این شور و همین مستی و

این حالِ خوشِ من

کارِ نگاره

شامِ تارم و تو مهتابم

مستم و تویی میِ نابم

تو مثلِ حسینی اربابم...

جانِ جانم

“حسنِ جانم حسنِ جانم حسنِ جانم”

با ظهورِ بقیه الله،

میکنیم ریشه ی این سعودیاریو

بعدش آقا شیرینی میدیم

توی صحنِ قاسم بن الحسن تو



هر کس به کسی نازد و ماهم به تو نازیم

ای خسرو خوبان ...

آقا صدو هجده تا برات رواق میسازیم

ای جانم حسن جان ...

سفره داری و کرم داری

ای که سایه رو سرم داری

توی سینه ها حرم داری

جانِ جانی ... جانِ جانی

“حسن جانم حسن جانم حسن جانم”

سرود و زمزمه ویژه میلادِ کریم اهل بیت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام به نفسِ

حاج محمود کریمی

زهرا پسر آورده ... قرص قمر آورده

برای حیدر .. حیدر آورده

دامن فاطمه نوره

شب شیرینی و شوره

چشم حسودا از مولا دوره

آروم ، نم نم ، می خونه زمزم

به مقدم مولای عالم

دل ها ، کم کم ، جون می گیره

با حسن حسن گفتن دمام

زهرا پسر آورده ... قرص قمر آورده

برای حیدر .. حیدر آورده



سبزه دیگه از حالا رنگ عالم بالا
ابالحسن شد کنیه ی مولا

قمر نیمه ی ماهه
پسر ارشد شاهه
بهونه ی گرم آل الله

صاحبخونه خدا میدونه
چقدر کریمه مهربونه

دونه دونه همه دلا رو
به حاجتاشون می رسونه

زهرای پسر آورده ... قرص قمر آورده
برای حیدر .. حیدر آورده

تو عرش یه حرم داره
سایه رو سرم داره
هلاکشم بس که گرم داره

صدای سبز اذونہ
سحر ماہ رمضونہ
ہمیشہ دور سفرہ شِ مهمونہ

دلبر اومد ، دلاور اومد
ولی عہد حیدر اومد

سرور اومد ، عزیز زہرا
آروم جون مادر اومد

زہرا پسر آورده ... قرص قمر آورده
برای حیدر .. حیدر آورده



سرود زیبا و ویژهٔ میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه

السلام به نفسِ سیدِ مجیدِ بنیِ فاطمه

این هدیهٔ خورشیده ، باز تو دلم امیده
مولای ما این ماه ، از حوض کوثر چیده

سلام ای پسر دریا..

سلام ای پسر بارون..

تویی از خِطهٔ لایلا ، منم از خِطهٔ مجنون..

باز نیمهٔ ماه دل من میخونه

ساقی او مده وا شده میخونه

پشت سر هم میارن پیمونه

پیمونه .. پیمونه .. پیمونه..

سلام ای پسر دریا..

سلام ای پسر بارون..

تویی از خِطهٔ لایلا ، منم از خِطهٔ مجنون..

از شوق دیدار تو ، تو کوچه راه بندونه
تا که بخوابی حالا ، مادر برات میخونه
به یمن قدمت حالا ، مدینه غرق بارونه
توانقدری نمک داری ، که باتو غم نمی مونه

سلام ای پسر دریا..

سلام ای پسر بارون..

تویی از خِطه لیلیا ، منم از خِطه مجنون..

خونه علی آئینه بندونه

از شوقِ حسن لبامون خندونه

افطار می کنیم همه تو میخونه

پیمونه .. پیمونه .. پیمونه..

سلام ای پسر دریا..

سلام ای پسر بارون..

تویی از خِطه لیلیا ، منم از خِطه مجنون..



دورت شلوغہ آقا ، ہر جا قدم میزداری
دنیا بہ تو محتاجہ ، از بس کرامت داری
ہمیشہ از شما گفتم ، ہمیشہ با شما ہستم
منم اون کفتر جلدت ، کہ اہل کربلا ہستم

سلام ای پسر دریا..

سلام ای پسر بارون..

تویی از خطہ لیلا ، منم از خطہ مجنون..

**سرود و شور بسیار زیبا و ویژه میلاد کریم اہل بیت امام حسن
مجتبی علیہ السلام بہ نفس سید رضا نریمانی**

طوفان حسن جان..

تجسم قرآن حسن جان

کلید دار کعبۂ احسان حسن جان

مہمترین علامت از علائم ایمان ، حسن جان

در حدیث آمده که عقل مجسمِ حَسَنِ

نوهٔ ارشد پیغمبر اکرم حَسَنِ

بازدم نام حسین ابن علی دم حَسَنِ

حیدر بی مثل خط مقدم حَسَنِ

یک کلام حَسَنِ .. بامرام حَسَنِ

من گدای حسینم چون آقام حَسَنِ

کلِ قرآنِ ، مولانا حَسَنِ

من مسلمانِ ، مولانا حَسَنِ

«جان به قربانِ ، مولانا حَسَنِ» ..

سامون حَسَنِ جانِ ..

عزیزتر هر جون حَسَنِ جانِ

طعم عسل روی لبِ مجنون حَسَنِ جانِ

اونی که تو خواب میکشم تو حرمش ایوون ، حَسَنِ جانِ

از لبِ او صد و ده کوزه عسل میریزد

آسمون زیرِ قدمهاش زُحل میریزد



از سر و روی حسن واژهٔ "یل" میریزد
با رجزهاش دل اهل جمل میریزد

بی ریا حسنِ ، هل اتی حسنِ
توی کشتی نجات ناخدا حسنِ

کلِ قرآنِ ، مولانا حسن
من مسلمانِ ، مولانا حسن
«جان به قربانِ ، مولانا حسن» ..

عشقم حسن جانِ ..
دم به دم و هر دم حسن جانِ
نامی که میدرخشه رو پرچم حسن جانِ
خداروشکر که اسم هیئت های توشهرم حسن جانِ

به علی رفته که تیغ سخنش برنده است
مثل زهرا چقدر خطبهٔ او کوبنده است

اینکه در جنگِ جمل زلزله ای افکنده است
به گمانم دوسه تا قلعه خیر کننده است

مرتضی حسن ، مصطفی حسن
بازو بند ابوالفضل نقش یا حسن ...

کلِ قرآن ، مولانا حسن
من مسلمان ، مولانا حسن
جان به قربان ، مولانا حسن

سرود زیبا _ ویژه میلادِ کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام
_ حاج محمود کریمی

تو امامِ جوونای بهشتی
اسمِ مارو تو میخونت نوشتی
باشرابت ، می نابت ،
گِلِ دلِ خرابِ دیونمونِ سرشتی
شبِ قدرِ من ... حسن ، حسن ...
شبِ می زدنِ ... حسن ، حسن ...
روزه دارِ من مو ... سفره دارِ حسنِ



تو که خونت دارُ الشِّفام
تو که عشقت عشقِ قدیم
تو امیری من کشته مُردت
تو گَریمی من یا کریمت
تو امامِ جوونای بهشتی
اسمِ مارو تو میخونه ات نوشتی
باشرابت ، می نابت ،
گِلِ دلِ خرابِ دیونه مونُ سِرشتی ...
رسیده از آسمون ... حسن ... حسن
ماهِ ماهِ رمضون ... حسن ، حسن
السلام یا حسن ، الدخیل آقاجون
میدرخشه قنذاقه تو
تویِ عطرِ آغوشِ مادر
تا میخندی از بس قشنگی
علی میگه الله اکبر ...
تو مسیرِ صراطِ مستقیم
تو قسیمِ جَنانی جحیمی

با یه جلوت ، توی عالم
دیگه گِدا نمی مونه ازبس تو کریمی
شبِ قدرِ منِ ... شبِ می زدنِ ...
روزه دار منمو ... سفره دار حسنِ
تو که خونت دارُ الشِّفام
تو که عشقت عشقِ قدیمِ
تو امیری من کشته مُردت
تو کریمی من یا کریمت
میخوام مستی کنم ... حسن ، حسن ، حسن
شرابش با شماست ... حسن ، حسن ، حسن
براتون میمریم ثوابش با شماست
ولیعهد دربارِ حیدر تو امیری بر ما سوالله
پاگرفته کل وجودم زیر سایه ات الحمدالله
تو که خونت دارُ الشِّفام
تو که عشقت عشقِ قدیمِ
تو امیری من کشته مُردت
تو کریمی من یا کریمت



وارث مُهْرُ مُحْرَابِ يَدِ اللَّهِ
وارثِ ذُو الْفَقَارِ اسدِ اللَّهِ
پیش پاهات ، دارن امشب
زمینُ آسمونِ میگن علی ولی الله
علی ... علی
یا ارحم الراحمین
به آبروی امامِ مجتبی الهی العفو الهی العفو

سرود _ ویژه میلادِ کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه

السلام _ حاج احمد واعظی

آقا امام حسن ... آقام امام حسن ...

ای دو عالم مستِ نگاه تو
قبله امشب شده روی ماه تو
نیمه ماه هست و دخیل خود
بسته ام به زلفِ سیاه تو ...
آمدی ... تا شود دل مُنجلی
آمدی ... تا شود بابا علی

نوایِ ما ، همه خوش آمدی حسن
عزیز فاطمه ، خوش آمدی حسن
آقا امام حسن ... آقام امام حسن ...

دم گرفتم با نامِ مجتبی
تا نگاهم کنی یابنِ مرتضی
آمدی با قدومت نشسته است
خنده روی لب هایِ مصطفی
از دلِ فاطمه دلِ میبری
همدم و مونسِ قلبِ مادری
کریمِ اهل بیتِ شفیعِ محشری
تو عشقِ فاطمه شبیه حیدری
آقا امام حسن ... آقام امام حسن ...

ای مجاهدِ ای مظهرِ شرف
ای گذشته زجان در ره هدف
این تویی این تویی پاسدارِ حق
خصمِ اهریمنان دوستِ دارِ حق



بود شعار ما ، براه حق قیام
زما تو را درود ، زما تو را سلام
خمینی ای امام ... خمینی ای امام ...

عشق ما دارد ریشه در عزل
نام شیرین تو مزهٔ عسل
چون پسر میرود به پدر یقین
یا حسن میشوی فاتحِ جَمَل
با نگاه تو ای قبلهٔ وجود
مُنهدم میشود آل سعود
میسازیم عاقبت یه گنبد طلا
حرم برای تو شبیه کربلا
آقا امام حسن ... آقام امام حسن ...

میسازیم عاقبت یه گنبد طلا
حرم برای تو مته امام رضا
رضا رضا رضا ، رضا امام رضا ...

مدح خوانی و توسلِ زیبا _ ویژهٔ میلادِ کریمِ اهل بیت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام _ کربلایی حسین طاهری

خبری نیست اگر معجزه ای برپا شد
خبری نیست اگر سینهٔ دریا وا شد
خبری نیست که دریا صدف موسی شد
خبر آنست که گفتند علی بابا شد ...
امشبم از جامِ جنون می زده کم نزارید
که من عاشق شده ام سر به سرم نگذارید
شب چو روشن شده انگار زمین زر شده است
ماه در هالهٔ خورشید شبش سر شده است
گوش عالم همه از هلله ای گر شده است
آی جبریل بگو فاطمه مادر شده است ...
گیسویش باز گذارید که دلها برده
پسر ارشد زهرا دل زهرا برده
جز لبث هیچ کجا شهید نمک با هم نیست
غیر زهرا به نگاه تو کسی محرم نیست
هر که شد طالب تو در طلب درهم نیست
هر که خود را سگ کوی او نخواند آدم نیست



الحق ای ماه که رُخسارِ خدایی داری
که خدایی رخ انگشت نمایی داری
آقای من ... جانم حسن ...

تا که گیسویِ شکن در شکنت درهم شد
خوب شد رویِ همهٔ حسن فروشان کم شد
راه گلخانهٔ تو جادهٔ ابریشم شد
تو که آدم به خود آمد که چه شد آدم شد
خوش به این ناز بنازیم که دیدن دارد
این همه حُسن به حق سینه دریدن دارد
آسمان دامنِ از ماه زحل ریخته است
چقدر در قدمت تاج محل ریخته است
طرح ابروی تو را دست ازل ریخته است
و خدا خود به لبانِ تو غسل ریخته است
دم تو کهنه شرابیست که تا کم کرده
خوش بحالِ دلِ من عشقِ هلاکم کرده
جانم حسن آقای من

چشم تو باز شد و کار به محشر افتاد
یوسف از چشم ذلیخایِ دل آخر افتاد
هر که سر پایِ تو نگذاشته با سر افتاد
هر که با عشق در افتاد خودش ور افتاد
بعد از این کوچهٔ ما کوچهٔ بن بست شده
نه فقط چشم همه چشم خدا مست شده
تیغِ صلحِ تو قد افراشت که دین خم نشود
کربلا جز به قعود تو مُجسم نشود
هر که مجنون تو ای لیلی عالم نشود
چه خیالیست بهشتم به جهنم نشود
لطف زهراست که در دل دو هدیه داریم
هم حسینه در آن هم حسینه داریم
باهمین زخم همین عُقده و غم میسازیم
تا که یک روز برایِ تو حرم میسازیم
صحن هایی همه بر عشق قسم میسازیم
در حرم سینه زنان نوحه و دم میسازیم



هر که دارد غم آن زُلفِ رها بسم الله
هر که دارد هوسِ کربلا بسم الله ...
جانم حسن ... جانم حسن ...

سرود زیبا _ ویژهٔ میلادِ کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیهِ السلام _ حاج محمد طاهری

روی زلفِ نسیم این خبره از قدیم
حسنِ مجتبی اُومدُ ماهِ خدا
لقبش نوکرا ، شد رمضانُ الکریم ...
مثلِ عقیقی که ، یَمَنشِ یه چیز دیگست
این خانواده هم حَسَنشِ یه چیز دیگه هست
دلْمُ به دریا میزنم ، یه افطاری منم
ایشالله مهمونِ ، آستانِ قدسِ حَسَنم

همنوا با بارون ، دم بگیر از دِلُ جون
کریم بی بدل ، اُومده نهرُ عسل
یلِ جنگِ جمل ، مَرَد سوکتُ میدون
پیش این آقا من ، همیشه به زیرِ دینم
لطف حسن بوده ، اگه نوکرِ حَسینم



عاشقتم اهلِ قرَنم ، فداییتِ یه تنم...
خوشم جارو کشِ آستانِ قدسِ حسنم
دلْمُ به دریا میزنم ، یه افطاری منم
ایشالله مهمون ، آستانِ قدسِ حسنم
روی زلفِ نسیم این خبره از قدیم
حسنِ مجتبی اُوَمَلْدُ ماهِ خدا
لقبش نوکرا ، شد رمضانُ الکریم...
هستی حیدرِ ، این نفسِ مادرِ
پسر فاطمه ، صاحبِ این عالمِ
امیدِ ما همه ، توی صفِ محشره
حسن ... حسن

جان به فدات آقا ، تو مُعزُّ المومنینی
تو با گداها هم ، سرِ یه سفره میشینی
مینویسم اینرو به تنم ، به روی کفنم
که من فدایی ، آستانِ قدسِ حسنم



روی زلفِ نسیم این خبره از قدیم
حسنِ مجتبیٰ اُومَلدُ ماهِ خدا
لقبش نوکرا ، شد رمضانُ الکریم ...
مثلِ عقیقی که ، یَمَنشِ یه چیز دیگست
این خانواده هم حَسَنش یه چیز دیگه هست
دلْمُ به دریا میزنم ، یه افطاری منم
ایشالله مهمونِ ، آستانِ قدسِ حَسَنم ...

سرود _ ویژهٔ میلادِ کریم اهل بیت امام حسن مجتبیٰ علیه

السلام _ حاج حسن شالبافان

تو دلِ هر آدمی ، خلیا جا میگیرن
اما جایِ مخصوصِ هر دل برایِ دلبره
واسهٔ پدرِ مادرِ بچه شیرینِ ولی
شیرینیِ بچهٔ اول ، یه چیزِ دیگرِ
غوغا ، غوغا ، شده
درِ رحمتِ خدا وا شده
آسمون به احترام پا شده
شبِ یلدایِ گداها شده
حیدر ... بابا شده

کمر ماه واسه تعظیم به نیمه اومده
همون آقایی که خیلی کریمه اومده ...
تو دل هر آدمی خلیا جا میگیرن.....

سرود بسیار زیبا_ویژهٔ میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام - کربلایی حسین سبب سرخی

یا حسن ای ضربانم
عشق تو شد ایمانم
تا میگم سمت رو من
مادرت میگه:جانم
کرم از سر دیوار تو میاره
آقا دلم به عشق تو گرفتاره
تویی شاه و منم رعیت آقا
نیم نگاهی کن به من آواره
امشب تا سحر میگم یا حسن
پرواز میکنم میگم یا حسن
مولانا حسن.....

همه ی عشقم اینه
که یه روزی یا مولا



تو بقیع ما می سازیم
حرمت رو ان شاءالله
ای شیرِ نرِ علی ولی الله
من دخیلتم کریم آل الله
گشتِ مرده ی قاسمتم آفا
جون میدم محرم برا عبدالله
عشقت بی بدل
سردارِ جمل
اسمت یا حسن
أحلی من عسل
مولانا حسن.....

**مدح خوانی زیبا_ ویژه میلاد کریم اهل بیت امام حسن
مجتبی علیه السلام_ کربلایی حسین سیب سرخی**

من آفریده شدم تا شوم گدای کریم
عبادتتم شده افتادنِ به پای کریم
همیشه داشت محبت به ظرفِ خالی من
همیشه شامل حال شده وفای کریم

نوشته اند مرا خاکِ پای آلِ علی
همیشه بر لب آیاتِ هلِ اَئایِ کریم
شنیده ام که تمام فرشتگانِ خدا
زدند بوسه به دستِ گره گشایِ کریم
چه نعمتی، چه عطایی، چه خوب توفیقی
سپرده اند مرا دستِ مجتَبایِ کریم
چه افتخارِ بزرگی نوشته اند مرا
فداییِ سرِ فرزندِ اولِ زهرا
منم کسی که فقط زیرِ منتِ حَسَن است
تمامِ زندگی ام از عنایتِ حَسَن است
به من خدایِ دو عالم چه ثروتی داده است
تمام دار و ندارم محبتِ حَسَن است
هزار شکرِ خدا را، که کار و بار من
گداییِ کرمِ بی نهایتِ حَسَن است
هزار شکرِ شدم من غلامِ اربابی
که گفته اند مطیعِ ولایتِ حَسَن است
شنیده ام رَفَعَ اللهُ رَأْيَهُ الْعَبَّاسُ
ولی روی سرِ عَبَّاس، رَأْيَهُ حَسَن است



حسن امام و حسن اول و حسن آخر
حسن قیامت کبری ، حسن ، خود حیدر
چه دست های کریمی ، چه لطف بسیاری
بگو به جای حسن ، قبله ی وفاداری
رسیده وقت تلافی آن همه اینار
خدا به شاه نجف داد عجب علمداری
فرای روزی آن بنده ای که ذکر لبش
حسن حسن شده در شادی و گرفتاری
بدان که ختم به خیر است آخر ، عاقبت
اگر میان دلت ، حب مجتبی داری
شبهه فاطمه دارد هوای دشمن و دوست
همیشه چشمه ی الطاف او بُود جاری
رسیده بر همگان بخشش و عنایت او
سه بار خرج خدا شد تمام ثروت او
پیمبران همه هستند بی قرار حسن
فرا تر است ز ادراک اعتبار حسن
حساب دشمن او با حسین و عباس است

جهنمی است کسی که نبود یار حسن
شبیهِ کعبه شده قبله گاه این عالم
دلی که هست همیشه در اختیار حسن
میان عرش، ملقب شده به مرغ بهشت
کبوتری که نشسته است در جوار حسن
خدا کند که فدای سرش شوم روزی
خدا کند که بیاید سرم به کار حسن
نوشته اند مرا بنده ی مرام حسن
غلام همت آنم که شد غلام حسن
دوباره در دل من زنده گشته یاد بقیع
چه گریه ها که در آورده بی اراده بقیع
شب ولادت آقا کسی کنارش نیست
دوباره گشت بلند، آه از نهاد بقیع
گذشت عمر من و چار امام بی حرمند
همه غمم شده در هر امامزاده بقیع
میان صحن عتیق رضا زدم فریاد
امام غائب عالم! برس به داد بقیع
به گل نشستن آل سعود دیدنی است



زمان آمدن قبله ی مراد بقیع
بقیع می زند از دل صدا ، بیا آقا
قسم به بی کسیِ مجتبی ، بیا آقا
شاعر: محمد حسین رحیمیان

مدح زیبا_ ویژهٔ میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه

السلام_ کربلایی حسین سیب سرخی

ما کویر و نگاهِ تو دریا
پس کرم کن به خشکسالیِ ما
روزه دارانِ یک نگاه توایم
سفره دارِ قدیمیِ دنیا
تو رسیدی و کوچه بند آمد
بار دیگر ز ازدحام گدا
بین این خانواده تنها تو
میشوی عشقِ آرشدِ مولا
پسرانش اگر چه مادری اند
از همه مادری تری آقا
وقت تقسیمِ نان و خرمایت
سمت تو دست آسمانها

رزمِ روزِ جملِ چه غوغا بود
شکلِ رزمتِ شبیهِ مولا بود
حضرتِ عشقِ مجتَبایِ علی
کیسه بر دوشِ پا به پایِ علی
نمکِ خنده های تو کافِیست
بهر افطارِ روزه های علی
تا دوباره دل از پدرِ ببری
دو سه آیه بخوان برای علی
بین آغوش او بخواب آرام
تا بهاری شود هوای علی
از سر سفره ی تو نان می خورد
در کرم خانه ات گدایِ علی
آیه ی وان یکاد نازل شد
بر جمال تو از خدایِ علی
حک شده روی صفحه ی قلبم
حسن ابن علی خدایِ کرم
جستجو می کند هوایت را
چشم من گاه رد پایت را



جان ناقابلم فدائیه تو
رد نکن جان رو نمایت را
ای خدای کرم بیا پر کن
کاسه ی خالی گدایت را
تو کریمی اگر چه لشگر برد
از سر شانه ات عبایت را
تو رسیدی نشانمان دادی
بر کتھای بی نہایت را
جا بدہ مثل سایر مردم
گوشه ی سفره بی نوایت را
و رطب از لب تو خورد علی
مادرت را بہ تو سپرد علی
عاشقت میل پرزدن دارد
میل باغ و گل و چمن دارد
رنگ سبزی تمامی جنت
منعکس از رخ حسن دارد

من قسم میخورم که عشقِ حسن
سهم در سرنوشت من دارد
شیره ی جان فاطمه خوردن
این چنین هم حسن شدن دارد
نه زمین بلکه در تمامی عرش
جلوه از نور خویشتن دارد
شاعر: مسعود اصلانی

سرود زیبا_ ویژهٔ میلاد کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیهِ السلام_ کربلایی حسین سیب سرخی

جانانِ جانانِ جانانه
آقام حسن شاهِ کریمانه
پر زد دلم خونهٔ زهرا، چون
امشب سرِ سفرهٔ احسانه
غوغا شد... غوغا شد
باز در بهشت به روی ما وا شد
شاه او مد... خدا با بنده هاش بازم راه او مد



نیمه ماهِ رمضونِ ماهِ اومد
پسر بزرگِ اسداللهِ اومد
یا مولا...حسنِ کریمِ فاطمه یا مولا....

مجنونِ مجنونِ مجنونم
تا جون دارم واسه تو میخونم
کاشکی بینم روز محشر که
تو اجتماعِ حَسَنیونم
تو بابِ جنّاتی
نسلِ اوّلِ جدّه ساداتی
تر کرده...چشایی که لطف تو باور کرده
صلحِ تو کارِ فتحِ خیبر کرده
شاگردیتو علیّ اکبر کرده
یا مولا...حسنِ کریمِ فاطمه یا مولا...

جانانِ جانانِ جانانه
آقامِ حسنِ شاهِ کریمانه
پر زد دلمِ خونه زهرا، چون

امشب سرِ سفرهٔ احسانه
غوغا شد...غوغا شد
باز در بهشت به روی ما وا شد
شاه او مد...خدا با بنده هاش بازم راه او مد
نیمه ی ماهِ رمضون ماه او مد
پسر بزرگِ اسدالله او مد
یا مولا...حسن کریم فاطمه یا مولا...
ان شالله که حقیقتاً میشه
دشمن از اونجا ریشه کن میشه
وقتی بقیعُ میسازیم آخر
اسمش مدینهُ الحسن میشه
آقایی...آقایی...
صاحب حرمِ تموم دل هایی
ای بارون...ضریحِ تو، تو اشکِ این چشمامون
بیا بحق قاسمت آقاجون
یه کربلا گداهاتو کن مهمون
یا مولا...حسن کریم فاطمه یا مولا...



مدح خوانی زیبا _ ویژهٔ میلادِ کریم اهل بیت امام حسن

مجتبی علیه السلام _ حاج محمود کریمی

رمضان بهشتِ خدا شده ز گلِ جمالِ تو یا حسن
مه نیمه اخترِ کوچکُ مه نو هلالِ تو یا حسن
یَمِ علمُ حکمتُ معرفتِ نمی از کمالِ تو یا حسن
دلِ دشمنانِ تو را برد نبوی خصالِ تو یا حسن
صفحاتُ متنِ کتابِ حقِ رخ و خط و خالِ تو یا حسن
به خدا رسیده زبندگی طیرانِ بالِ تو یا حسن
تو چراغِ بزمِ وصالِ حقِ تو بهارِ خلدِ مُخلدی
تو خدایِ حُسْنُ مِلاهی تو یگانه عبدِ مویدی
تو به جسم، جانِ کتابِ حقِ تو به روح، روحِ مجردی
تو کمالِ کلِ کمالِ ها، تو جمالِ خالقِ سرمدی
تو علیِ تو فاطمهِ تو حسنِ تو حسینِ یا که محمدی
که عیانِ جَلالَتِ پنج تن بُود از جلالِ تو یا حسن
تو محیطِ عالمِ حکمتی تو مه سپهرِ امامتی
تو زمامِ دارِ مشیتی تو امامِ صبرِ و شهامتی

تو مه سپهر ولایتی تو تمام جود و کرامتی
تو خدای را رخ و جلوه ای تو رسول را قد و قامتی
تو پناهِ خلقِ دو عالمی تو شفیعِ روزِ قیامتی
نه عجب که عفو کند خدا، همه را به خال تو یا حسن
نه عجب که فخر کند خدا به ملک ز شوق عبادت
نه عجب که غنچه به صبح دم شکفتد به عرض ارادت
همه انبیا شده معترف به جلال و مجد و سیادت
ز طلوع صبح خجسته تر شب جان فزایِ ولادت
من و لطف و جود و عطای تو که کرم بود همه عادت
به عطا و حلم و گرم کسی نبود مثال تو یا حسن
به تمام دین خدا قسم که تمام دین خدا تویی
به بهشتِ ارضُ سما قسم که بهشتِ ارض و سما تویی
به مقامُ سعیُ صفا قسم که مقامُ سعیُ صفا تویی
به قیامُ صبرُ رضا قسم که قیامُ صبرُ رضا تویی
به دعا و روح دعا قسم که دعا و روح دعا تویی
شده اقتدار ستمگران همه پایمال تو یا حسن
ولی خدا ثمرِ نبی گوهرِ علی دُرِ فاطمه



نگهت مسیح و مسیح جان نفست شفای دل همه
دهن تو چشمه معرفت سخن تو آیت محکمه
همه را به عشق تو های و هوی همه را به ذکر تو زمزمه
به محبت تو مرا بود ز شرار نار چه واهمه
که بهشت لطف خدا شده دلم از خصال تو یا حسن
تو سجود من، تو رکوع من، تو سلام من، تو نماز من
تو مطاف من، تو طواف من، تو عراق من، تو حجاز من
تو شرار سوز و گداز من تو بهار گلبن راز من
تو سرور من تو نوای من چه بسوز من چه بساز من
نبود قسم به ولایت به گل بهشت نیاز من
اگرم به دست جوانه ای رسد از نهال تو یا حسن
هله ای تکلم قدسیان شب و روز نقل روایت
صفحات مصحف جان پر از صور لطیف حکایت
به محبت به مودت به کرامت به عنایت
که بود نگاه تو سلم به چراغ راه هدایت
به خدا قسم خجلم ز تو که به ادعای ولایت
به زبان محب تو بوده ام به عمل ملال تو یا حسن

منم آن که با همه زشتی ام سر خود به خاک تو سوده ام
چو دو چشم خویش گشوده ام به محبت تو گشوده ام
دل خلق را به فضائل و به مناقب تو ربوده ام
به علی قسم، به نبی قسم، به خدا محبت تو بوده ام
به ولای تو، به ثنای تو، غزل و قصیده سروده ام
زتو گفته ام ز تو خوانده ام به زبان حال تو یا حسن

مدح خوانی و سرود _ ویژه میلادِ کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام

_ مسجد ارگ _ حاج حسین سازور

بسم الله الرحمن الرحيم

به هم رسانده خداوند علی زهرا را
نشان دهد به همه لولوءِ دو دریا را
شما یلت نمکین تر زیوسف ست آقا
تو تشنه میکنی از عشقِ خود زلیخا را
و کافرند همه ایمان می آورند به تو
اگر نشان بدهی آن جمالِ زیبا را
زمان توان گذشتن ندارد از پیشت
چرا که بند میاری همه گذرها را



فدایِ آن لبِ شیرین فقط تو لب تر کن
که سبز میکنی از نخلِ خشک ، خرما را
من عاشقِ حسنم دینُ عشقِ من حسن ست
تمام ذکرِ من امشب حسن ، حسن ، حسن ست
مبارزی که به دستانِ تو اسیر شود
عزیز میشود و عاقبت امیر شود
کریم هستی و با احترام میبخشی
نمیشود که گدا پیشِ تو حقیر شود
همیشه دست گدا را سریع پر کردی
ندیده است کسی بخشش تو دیر شود
غذا بدونِ تو اصلاً به ما نمی چسبد
بیا خودت سر سفره فقیر سیر شود
به امر تو شده دامادِ سیدالشهداء
که قاسم تو پِیایِ حسین پیر شود
بیا دعا کن و ما هم پِیاش پیر شویم
به لطف تو در این خانه کاش پیر شویم

شب تولد تو نیستم کنار بقیع
خدا مرا برساند سرِ مزارِ بقیع
سر مزار تو یک شمع نیز روشن نیست
چه ساکت است شب جشن شام تارِ بقیع
صبا حرم حسن را غبارِ روبی کن
نشسته رویِ مزارِ حسن غبارِ بقیع
کبوتران خراسان به یکدیگر گویند
بیا که پر بگشاییم تا دیارِ بقیع
خدا اگر بخواهد میرسد زمانی که
سرود جشن بخوانیم در جوارِ بقیع
درست خواهد شد صحن ها و می آید
میان صحن تو زوارِ بیشمارِ بقیع
پس از حکومت آل سعود می شنویم
امام خامنه ای شد کلید دارِ بقیع....
نازِ لیلای کشیدن دارد
ماهِ امشب چه دیدن دارد
حسنُ هی میبوسه زهرا
میگه بچم بوسیدن دارد



روی دست زهرا، حسن آروم خوابیده
بسکه زیباست ماه و به خجالت کشیده
تو مدینه امشب رفت و آمد زیاده
آخه امشب مولا، به همه عیدی میده
ایوالله، ایوالله شب شب باباشدن حیدر شد
ایوالله، ایوالله گل بریزید که فاطمه مادر شد
شب عشقِ شب دلداره
بارونِ لطفِ زحقِ میاره
واسه مستان حسن جان امشب
رطبِ سفرهٔ افطاره....
سبز سبز سبزه جامهٔ سایه دارش
مثل باباش کوه قامت استوارش
تو کرامت توی دو عالم شد زبون زد
دست خالی نمیره سائل از کنارش
ای آقا، ای آقا، امام حسن عشقِ منی ای مولا
ای آقا، ای آقا، گداهات و پس نرنی یا مولا آقام
حسن حسن

مدح و توسل ویژه میلادِ کریم اهل بیت امام حسن مجتبی

علیه السلام به نفسِ سیدِ مجید بنی فاطمه

ادب کنیم و به خیرالورا سلام کنیم

پس از نبی به شه لافتی سلام کنیم

بیا به حضرت خیرالنسا سلام کنیم

به ماه نیمه ی ماه خدا سلام کنیم

سلام حضرت دلبر ، سلام قُرصِ قمر

سلام عصاره ی نابِ محمد و حیدر

سلام ای ثمرِ کوثرِ خدای علی

سلام ای جلواتِ خدانمای علی

سلام ، پاسخ شیرین ربّنا ی علی

تو آمدی به زمین تا که پا به پای علی

به داد این همه بیچاره ی گدا برسی



شبيهه يك پدر مهربان به ما برسی
چه قدر فاطمه خوشحال شد از آمدنت
مدینه کعبه ی آمال شد از آمدنت
دعا چه قدر سبکبال شد از آمدنت
سپید بخت و خوش اقبال شد از آمدنت
پراز تب تو و مستی بی حساب شدیم
نه اربعین ، شب نیمه ، شراب ناب شدیم
خوش آمدی به زمین ، با دم پیمبری ات
خوش آمدی به زمین ، با وقار مادری ات
خوش آمدی به زمین ، با شکوه حیدری ات
شب ظهور تو ، ماییم و ذره پروری ات
نشسته ایم همه با تو هم سخن هستیم
دم سحر شده و مست یا حسن هستیم

چه قدر طعم لب سرخ تو چشیدنی است
چه قدر ناز ملیحانه ات کشیدنی است
جمال ماه تو ای حُسن محض دیدنی است
به نقد جان گران عشق تو خریدنی است
سخن به وصف تو هرگز به انتها نرسد
به حُسنِ خُلق و وفا کس به یار ما نرسد
چه قدر در رمضان ، گفتن از تو می چسبد
چه قدر وقت اذان ، گفتن از تو می چسبد
چه قدر با هیجان گفتن از تو می چسبد
و در قُصورِ جنان ، گفتن از تو می چسبد
چرا که گفته نبی : سَيِّدُ الشَّبَابِ تُو
که چشمِ روشنی مَوْقِفِ حِسَابِی تُو
از آفتابِ جهانْ تاب ، آفتابِ تری
تو از تمام قبیله ، نبی مآب تری
تو صاحبِ کرم و لطف بی حساب تری



تو از همه ، به جلالت ابو تراب تری
اگر تو جلوه کنی آن چنان که می باید
خروش یا حسن از هر کناره می آید
تبسم تو ، تمنای هر چه آینه است
تویی طیب دل هر کسی که غمگین است
صدای گرم تو تسکین درد سنگین است
فدای لهجه ی قرآنی ات که شیرین است
عجیب نیست که در کوچه راهبندان است
حسن نشسته و مشغول ختم قرآن است
طلب کنم ز خدا رزق خود به نام حسن
که سفره ی دو جهان است بار عام حسن
چرا به سجده نیفتم به احترام حسن ؟
حسن امام من است و منم غلام حسن

کریم آل مُحَمَّد ، به روز رستاخیز
به جز ولای توأم نیست هیچ دستاویز
خیال می کنم امشب که او حرم دارد
مضیف دارد و صحن و ضریح هم دارد
در آستانه ی خود ، خادم عجم دارد
کنار نام حسین ، اسم او عَلم دارد
خیال می کنم امشب مدینه آزاد است
بقیع چون حرم شاه طوس ، آباد است

شاعر محمد قاسمی

* پیغمبر بعضی ها گفتند: فرمودند: زور آزمایی کنند، بعضی ها هم گفتند: تسبیح رو پاره کرد گفتند هر کس بیشتر دانه هارو پیدا کرد برنده است... یه وقت نگاه کردند، دیدن دو برادر، حسن و حسین شروع کردن به جمع کردن دونه های تسبیح، یه وقت دیدن مادرش زهرا داره میگه: جانم حسین، علی میگه: جانم حسین، کنیزها هم گفتند: جانم حسین، اما دیدن پیغمبر زیر لب داره یه اسمی رو میگه و گریه میکنه، هی میگه: جانم حسن... فاطمه نگاه کرد، گفت: بابا!



میگید: جانم حسن! صدا زد: عزیزم! دیدم تو میگی: حسین.. علی
میگه: حسین.. نگاه کردم بر عرش دیدم ملائکه ها
میگن: حسین... دیدم اینجا حسنم خیلی غریب، پیغیر مژده داد
فرمود: در قیامت همه گریانند اما اشک ریزان حسن خندانند... اما
می دونید غریب به کی میگن؟ غریب به اونی که حرم نداره
نمیگن، غریب به کسی که زائر نداره نمیگن، غریب به کسی
میگن: که جلو چشم مادرش رو کتک بزنن* ...

یارب نصیب هیچ غریبی دگر نکن

دردی که گیسوان حسن را سفید کرد

با صد امید حامی مادر شدم ولی

سیلی زنی امید مرا نا امید کرد

ای غریب حسن

سرود قدیمی _ تولد امام حسن مجتبی علیه السلام _ حاج احمد واعظی

هر کسی یک آقایی داره
آقای باصفایی داره
آره من هم آقایی دارم
ارباب با صفایی دارم
عزیز قلب منه ... آقام امام حسنه ...
آقای من پر از نوره
نور حق نور جلیه
حجت حق و مظهر حق
هم امام و هم ولیه
گل گلخانه ی زهرا
پسر ارشد علیه
عزیز قلب منه ... آقام امام حسنه ...

آقای من گل نابه
دیگران مثل خار و خسی
نپذیرد خدای جهان



بی ولایش نماز کسی
غیر شوق مدینه ی او
نبود در دلم هوسی
عزیز قلب منه ... آقام امام حسنه ...
آقای من بهار بقیع
افتخار مدینه بود
حسن بن علی مولا
اعتبار مدینه بود
او یکی از سلاطین
با وقار مدینه بود
عزیز قلب منه ... آقام امام حسنه ...

یاد او روز و شب در دل
نام او دائم الفضل است
افتخار تمام عجم، اعتبار تمام عرب
هم دل و هم طراز حسین
هم نشین دل زینب
یا زینب ...

* به عشق امام حسن *

حسین ...

در افطار و سحرگه، نامش را صدا کن
با خرماى عشقش امشب روزه وا کن
او یوسف اهل بیت است، دیگر تا ندارد
یوسف کنعان چنان او، روی زیبا ندارد
آنان که ولایتش را با جان میپذیرند
امشب سر سفره ی او همه عیدی بگیرند
عزیز قلب منه ... آقام امام حسنه ...
در شبه نیمه ی ماه، ماه شور و ایمان
سرزد ماه زهرا، با نور فراوان
ای ماه انجم آرا
مولا حسن بن زهرا ...



سرود_ تولد امام حسن مجتبی علیه السلام _ حاج محمدرضا طاهری

تو کرم آقام زبونزدی
نشده چیزی بخوام ندی
پسر زهرا خوش اومدی
عاشقت داره دعایی
چی میشه آقا خدایی
مته امشبى بشه
از حرم تو رونمایی
هرجا که باشی آباده
نوکرتم آقازاده
حسن ... حسن ...

کریم آل طه حسن ۴
شور عشق تو عسل شده
همه جا جنگت مثل شده
لقبت شیر جمل شده
آقامون شاه زمینه با گداهای مدینه

همیشه سر یه سفره، غروباً رو میشینه
دل میبری و سالاری، مهمونتم من افطاری
کریم آل طه حسن ...
نمک ماه خدا تویی
شب قدر عاشقا تویی
بانی کرب و بلا تویی
حسن ... حسن ...

وقتشه دست به دعا شیم
به هوای تو فدا شیم
سور کربلا به شرطی
که امام حسنی باشیم
باز گره از کارم وا کن
کرب و بلامو امضا کن
کریم آل طه حسن



سرود_ تولد امام حسن مجتبی علیه السلام_ حاج محمدرضا

طاهری

ز سبوی عشق تو مستم، گل زهرا
تو کریمی دل به تو بستم، گل زهرا
ای امید رستخیزم
پیش پایت جان بریزم
بکشندم گر دو صدبار
من ز کویت برنخیزم
کشته ی روی تو هستم
بسته ی موی تو هستم
در مناجات و نماز
طاق ابروی تو هستم

ز سبوی عشق تو مستم گل زهرا، آقام آقام آقام
تو کریمی دل به تو بستم گل زهرا، آقام آقام آقام
ای امید رستخیزم
پیش پایت جان بریزم

بکشندم گر دو صدبار
من ز کویت برنخیزم
انبیا محو کمالت
مات و حیران جلالت
روح آیات تبارک
فاطمه مست جمالت

ز سبوی عشق تو مستم گل زهرا، آقام آقام آقام
تو کریمی دل به تو بستم گل زهرا، آقام آقام آقام
وسعت دنیا برای بخشش و جود تو تنگه
با تو بودن و گدایباز کسی غیر تو ننگه
ز سبوی عشق تو مستم گل زهرا، آقام آقام آقام
تو کریمی دل به تو بستم گل زهرا، آقام آقام آقام

سرود زیبا _ ویژه میلادِ کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیهِ

السلام _ سید مجید بنی فاطمه

دستِ منو خدا گرفت ... بپا قدم تو امشب
منم گدایِ آشنا ... داداشِ بزرگِ زینب ...
بدون تو آقا هیچم ، بزا عالم بدونه که کیم
خیلی حسینُ دوس دارم ، ولی منم امام حسینم



چقدِ آقاست ، حسن ... حسن ...
ماه دل آراست ، حسن ... حسن ...
عزیزِ زهرا ، حسن ... حسن ...
آخه کیه از درخونه ش ، دستِ خالی برمیگرده
همه بادست پرمیرن،هیچ کسی رو رد نکرده
نگفته حاجتُ میده،بیا؛ تو هم بگیر دامنشُ
فاطمه ام دوشش داره،هرکی دوس داره حسنشُ
چقدِ زیاس ، حسن ... حسن ...
کریمِ دنیاس ، حسن ... حسن ...
عزیزِ زهرا ، حسن ... حسن ...
چقدِ آقاست ، حسن ... حسن ...
ماه دل آراست ، حسن ... حسن ...
عزیزِ زهرا ، حسن ... حسن ...
مدیونتم تموم عمر ، که تویی تموم دینم
فقط همینه آرزوم ، که حرمتُ و بینم
اگه به کربلا رفتم ، میگم حسین غمی رودلم
روبرو صحن عباسِ ، ولی حسن بدون حرمه

چقدِ تنهاس ، حسن ... حسن ...
امامِ عباس ، حسن ... حسن ...
عزیزِ زهرا ، حسن ... حسن ...
چقدِ آقاست ، حسن ... حسن ...
ماهِ دل آراست ، حسن ... حسن ...
عزیزِ زهرا ، حسن ... حسن

**شور زیبا _ ویژهٔ میلادِ کریمِ اهل بیت امام حسن مجتبیٰ علیه
السلام _ سید مجید بنی فاطمه**

ای ... تبسم دریا
عشق ... حضرت زهرا
ای ... ترانه ی بارون
ای ... کریم دو دنیا
اومدی به دنیا تو که عشق بیکرونی
ماه رو زمینی صاحب هفت آسمونی
بزرگی ، کریمی ، تو باهمه مهربونی
بیقرارم ...
ریزه خوارم ...
من بجز تو ، کسی رو ندارم ...



با وقاری ...

سفره داری ...

تو محاله ، برام کم بزاری ...

ای حسن جان

زیر دین تو عالم ، تا همیشه اسیره

دشمن تو هم حتی ، از تو روزی میگیره

اونقدر ، تو خوبی ، گداitem افتخاره

هرکی باتو باشه ، قیامت غم نداره

کرم هم کنار ، کرامت کم میاره

تو دلیل بندگی می ...

ای حسن جان ، همه زندگی می ...

بانگاهت خوبه خوبم ...

تا در خونتو من میکوبم ...

بیقرارم ...

ریزه خوارم ...

من بجز تو ، کسی رو ندارم ...

با وقاری ...
سفره داری ...
تو محاله ، برام کم بزاری ...
ای حسن جان
تو ... کرامت واحسان
عشق ... بی بدلی تو ...
ناز شصت تو آقا...
فاتح جملی تو ...
سکوت تو آقا ، مئه قیام حسین
کربلا ، به نام تو ، به نام حسین
تویی بعد مولا چون که امام حسین
جان به قربان تو آقا
ای که تنها توی جان زهرا...
بچه هاتن ، بی نظیرن
توی میدون دو تا بچه شیرن
آقام آقام.....



ای ... تبسم دریا
عشق ... حضرت زهرا
ای ... ترانه ی بارون
ای ... کریم دو دنیا
اومدی به دنیا تو که عشق بیکرونی
ماه رو زمینی صاحب هفت آسمونی
بزرگی ، کریمی ، تو باهمه مهربونی
بیقرارم ...
ریزه خوارم ...
من بجز تو ، کسی رو ندارم ...
با وقاری ...
سفره داری ...
تو محاله ، برام کم بزاری ...
آقام آقام

سرود زیبا_ میلاد امام حسن مجتبیٰ علیه السلام_ سید مهدی میرداماد

آی گداها کار دست امام حسنه
قلب من زار دست امام حسنه
از حالا دیگه توی خونه ی فاطمه
سفره افطار دست امام حسنه
نوکر چی کم داره ، آقاش کرم داره
دیشب تو خوابم میدیدم حرم داره
خونه ی کریمه ، میدونم که تا سحر بازه بیا که
آقامون ، با بدیه نوکر میسازه
ایها الرئوف ... ایها الکریم ...
من عاشقتم آقا از همون قدیم

مستیه ما از جام امام حسنه
کفتر دل رو بام امام حسنه
اسمی که حک شد روی قلبو جون و دلم
نام حسین و نام امام حسنه ...



هستی تو دلدارم خیلی دوست دارم
جز روی دیوار تو سر نمیزارم
نوکر چی کم داره ، آقاش کرم داره
دیشب تو خوابم میدیدم حرم داره
بیشتر از دو عالم عشق تورو آقا من میخوام
امان من النار از دست امام حسن میخوام
ایها الرئوف ... ایها الکریم ...

من عاشقتم آقا از همون قدیم
آی گداها کار دست امام حسنه
قلب من زار دست امام حسنه
از حالا دیگه توی خونه ی فاطمه
سفره افطار دست امام حسنه
نوکر چی کم داره ، آقاش کرم داره
دیشب تو خوابم میدیدم حرم داره
ایها الرئوف ... ایها الکریم ...
من عاشقتم آقا از همون قدیم

با یہ نگاہش این دل شفا میگیره
وقتی که اسمش میاد دعا میگیره
کار مسیحا هر جایی گیر میکنه
حاجتشو با اسم این آقا میگیره
امشب شب ماهه
این ماه چه دلخواهه
هر کی به سجده نیوفتاده گمراهه
نوکر چی کم داره ، آقاش کرم داره
دیشب تو خوابم میدیدم حرم داره
ایها الرئوف ... ایها الکریم ...
من عاشقتم آقا از همون قدیم

سرود زیبا_ میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام_ حاج حسین

سازور

آقام آقام آقام آقام آقام حسن جان
صد هزار ماشاءالله به روی ماهش
سقاوت اسیره تو قعر چاهش
زبونزد عالم شده تو بخشش



کرامت میبازه از اون نگاهش

آقام آقام آقام حسن جان

همه دلداگی ما از قدیمه

سفره امام حسن خوان عظیمه

از سلیمان نبی بگیر تا غیره

همه چشماشون به دست این کریمه

پیشنماز زینب وصی حیدر

هیبتش کشیده به شاه خیر

عموی رقیه بابای قاسم

یکی از شاگرداش علی اکبر

آقام آقام آقام حسن جان

تبارك الله احسن الخالقين

خدا تموم کرد هنرش رو چنین

بیا قشنگ ترین امام و بین

صد هزار ماشاءالله به روی ماهش

سخاوت اسیره تو قعر چاهش

زبونزد عالم شده تو بخشش
کرامت میاره از اون نگاهش
آقام آقام آقام حسن جان

همه دلداگی ما از قدیمه
سفره امام حسن خوان عظیمه
از سلیمان نبی بگیر تا غیره
همه چشماشون به دست این کریمه

پیشنماز زینب وصی حیدر
هیبتش کشیده به شاه خیر
عموی رقیه بابای قاسم
یکی از شاگرداش علی اکبر
آقام آقام آقام حسن جان

اومده از آغوش خلد برین
گل پسر ارشد یعسوب دین
استاد رزم یل ام البنین
دوباره فرشته با لبخند میاد



از دکه لبهاش بوی غم میاد
اونقده قشنگه صدای آقام
تا میخونه قرآن کوچه بند میاد
آقام آقام آقام حسن جان

تبارك الله احسن الخالقين
خدا تموم کرد هنرش رو چنین
بیا قشنگ ترین امام و بین
صد هزار ماشاءالله به روی ماهش
سخاوت اسیره تو قعر چاهش
زبونزد عالم شده تو بخشش
کرامت میباره از اون نگاهش
آقام آقام آقام حسن جان

در این خونه بیا ستاره چینی
توی ازدحام این گدا نشینی
انقده با شک نگاه نکن ته صف
یوسف مصر آره درست میبینی

اومده غلامی ولی دیر شده
اخه واسه این کاریه کم پیر شده
با همه ی اینها اسمش تو لیسته
چون حوالیه ما زمین گیر شده
آقام آقام آقام حسن جان
حسن حسن حسن حسن

سرود زیبا _ میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام _ حاج حسین

سازور

.پیچیده امشب نسیم بوی دلبر
نشسته خنده روی لب پیمبر
اومده دنیا ، بزرگ آل حیدر
میشه ، دیگه ، فاطمه مادر
شب جنون و شب مستی من شد
تموم حرف دله من این سخن شد
صاحب قلبم فقط امام حسن شد
خاک ، پاتم ، تا روز محشر ...
دل مستم اسیر زلف یاره





حسنى بودندم صفایی داره
برا لب های مهربون حیدر
بوسه از لب ها بهترین افطاره
حسن ابن علی آقام ای آقام...

تو مهربون تر زندگی دستای نسیمی
تو جد آقای ما عبدالعظیمی
منم گدا و تو سلطان کریمی
اربابه، ما، از اون قدیمی
ناز نگاهت برا خدا عزیزه
حرف من امشب با عاشقایه چیزه
خدا خدایی شو پای تو میریزه
اربابه، ما، از اون قدیمی
پسر فاتح حنین و عشقه
امیر کل عالمین و عشقه
دلبر عالمی آگه اربابه



دلبر اربابم حسین رو عشقه
حسن ابن علی آقام ای آقام

سرود زیبا_ میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام_ حاج حسن

شالبا فان

حک شده سر در قلب من
السلام علی یا حسن
نگاه فاطمه توی نگاهه
با شال سبزی که رو شونه هاشه
پسر ارشد حیدر کرار
یا حسن ای یل جنگ جمل
آموزگار حسین و علمدار
یا حسن ای یل جنگ جمل
حک شده سر در قلب من
السلام علی یا حسن

کریم فاطمه ز ره رسیده
چه کرمی داره، کیه ندیده
بیا با آسمونیا بخونیم



مددی یا کریم اهل بیت
از زائر ای بقیع جا نمونیم
مددی یا کریم اهل بیت
حک شده سر در قلب من
السلام علی یا حسن
حسن ... حسن ...
* گوشه کنار همه حسن رو بگن * ..

ناز گداهشو میخره
همه رو کربلا میبیره
کم بذاریم بر اش کم نمیداره
جدا بشیم از اش خدا نیاره
آره درسته که حرم نداره
تو دل ماست حرم مجتبی
به حق زهرا میسازیم دوباره
تو دل ماست حرم مجتبی
حک شده سر در قلب من



السلام علی یا حسن

میون گهواره، خنده به لب داره
آخه میگن که این دومین حیدر کراره
شب کریمه، دل شده بیمه
به شیعه های علی، زهرا میده ولیمه
آقا رسیده، دریا رسیده
پسر ارشد حضرت زهرا رسیده
فاطمه شاده، دلا آباده
فاطمه شاده، افطاری داده
خدا به حیدر و فاطمه، شاهزاده داده
حسن ... حسن ...

حک شده سر در قلب من

السلام علی یا حسن

داره چه شهدی فصل هم عهدی
معمار صحن و سرات میشه حضرت مهدی
داره نور علی نور میشه
سفر کربلا جور میشه



حسابمون پای کرم ارباب

قرار بعدیمون حرم ارباب

داره نور علی نور میشه

سفر کربلا جور میشه

***اینم به عشق حضرت زینب و حضرت رقیه
و کوری چشم همه وهابیا و دشمنای حضرت* ...**

دشمن آل امیه ام عاشق بی بی رقیه ام

داره نور علی نور میشه

سفر کربلا جور میشه

مدح خوانی _ میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام _ کربلایی

جواد مقدم

حس خوبی ست که امشب به زبان آمده است

در تن عاطفه ام، باز توان آمده است

به چه فرخنده شبی و چه مبارک سحری

که در آن عطر خوش خوش نفسان آمده است

چه نشستی که در میکده ها باز شده

آی مستان خدا پیر مغان آمده است

بی نصییم مگذارید ز جام کوثر
حال که صحبت مستی به میان آمده است
روزه دارانِ شبِ پانزدهم مژده دهید
نمکِ سفره ماه رمضان آمده است
سفره تکمیل شد و بزم خدا کامل گشت
سوره قدر شب پانزدهم نازل گشت

فصل تنهایی زهرا و علی سر شده است
شب این شهر چنان روز منور شده است
زودتر از همه مژده به پیمبر دادند
نوه ات آمده و فاطمه مادر شده است
نمک از روی تو می ریزد و خرما ی لبت
رطب سفره افطار پیمبر شده است
طعم چشمان بهاری تو ای روح بهار
میوه ی نوبر هر روزه ی حیدر شده است
سفره ماه مبارک، برکت دارد، لیک
با قدم های شما با برکت تر شده است
چه اسیر و چه فقیر و چه یتیم آمده اند



بر در خانه ی ارباب کریم آمده اند

پادشاهیِ تو و من نیز همان مسکینی
که به جز عشق تو در سینه ندارد دینی
قدمت بر سر چشمم اگر ای مرد کریم
سحری هم به کنار دل من بنشینی
مستجاب است دعای من آلوده اگر
پای هر برگ دعا از تو بود ، آمینی
به صف مشتریانت نظر اندازی ، گر
ته صف یوسف دل باخته را می بینی
کوه کن می شوم از شوق شکر خنده ی تو
آب افتاده دهانم چه قدر شیرینی
ای که بر خیل جوانان بهشت آقایی
اولین سید آل علی و زهرایی

حسنی ، چون که از احسان خدا بودی تو
میوی عرشیِ پیغمبر ما بودی تو
لقب سبزترین نور برازنده ی توست



قد یک عرش پر از عشق و صفا بودی تو
چند باری همه دارایی خود بخشیدی
از ازل در کرم، انگشت نما بودی تو
شبی افطار بیا خانه ی ما مهمان باش
چون که همسفره ی بزم فقرا بودی تو
اهل این خاک نبودی و نگفتی آخر
مرد خاکی زمین اهل کجا بودی تو؟
ماورای همه افکار نگاه تو بود
آخر عرش خدا، اول راه تو بود

گاه سوگند خدا گشتی و انجیر شدی
گاه با آیه ی طِفْلین تو تفسیر شدی
گاه با صلح زدی در دل دشمن، تنها
گاه در جنگ جمل دست به شمشیر شدی
زانو از غم به بغل گیری و سر بر زانو
به گمانم دگر از زندگیت سیر شدی
آه، آقای غریبم چه به روزت آمد
چه شد آخر که تو در کودکیت پیر شدی؟



قاب شد در نگهت چهره یاس نیلی

زده چشمان تو را برق شدید سیلی

من گدای کرم گل پسر فاطمه ام

حسنی ام بنویسید به روی کفتم

سرود زیبا _ ویژه میلادِ کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه

السلام _ کربلایی محمد حسین پویانفر

حسن لیلائی لیاها

حسن آقای آقاها

حسن آرامشِ زهرا...

دریایِ لطف ، ساحل نداره

قلبم برا تو ، قابل نداره

چاره بجز مجنون شدن نیست

جز تو کسی آقای من نیست

هرکی به ذکری دل خوشی شه

روی لبم جز یا حسن نیست

تو آقای کرامتی ، تو دنیای سخاوتی

تو دریای مروتی ، اصیلی با اصالتی

حسن لیلائی لیلاها

حسن آقای آقاها

حسن آرامشِ زهرا...

جز تو کسی رو سائل نداره

قلبم برا تو قابل نداره

از من نگیر این دم زدن نداره

حال خوشِ عاشق شدن رو

تو قلب من داری یه خونه

دوست دارم این بیت الحسن رو

تو مصداقِ صداقتی ، تو در اوجِ قداستی

تو الگویِ ملاحظتی ، تو یکتا در رفاقتی

حسن رحمانُ غفارِ

حسن سلطانُ قهارِ

حسن کشته مرده داره...





حسن لیلائی لیاها
حسن آقای آقاها
حسن آرامشِ زهرا...
اصلاً غریبیت ، منکر نداره
صحنِ مزارت ، زائر نداره
نه یک علم نه چلچراغی
نه یک اتاق و نه یک رواقی
از سنگِ خاکیِ مزارت
هیچکس نمیگیره سراغی
اگه بغض همه شبات
کبوتر نیست توی هوات
شیهه مشهد الرضا
میسازیم ما حرم برات
حسن یار و رفیقم
حسن عشقِ قدیمم
حسن ذکرِ عقیقمِ حسن

حسن لیلائی لیاها
حسن آقای آقاها
حسن آرامشِ زهرا...
دریایِ لطف ، ساحلِ نداره
قلبم برا تو ، قابلِ نداره...
چاره بجز مجنون شدن نیست
جز تو کسی آقای من نیست
هر کی به ذکرِ دل خوشی شه
روی لبم جز یا حسن نیست
تو آقای کرامتی ، تو دنیای سخاوتی
تو دریای مروتی ، اصیلی با اصالتی
حسن لیلائی لیاها
حسن آقای آقاها
حسن آرامشِ زهرا...

سرود بسیار زیبا _ ویژهٔ میلادِ کریم اهل بیت امام حسن

مجتبی علیه السلام _ سید مهدی میرداماد

مهربونی ، آرومِ جونی ، روزیِ رسونی
شهریار ، فلکِ سوار ، ماهِ رمضونی



ای نگارِ بی قرینه ، به تو می‌گن ماهِ مدینه
ملک تو چشمت ، عرش و می بینه
عرشِ خدا توی چشاتِ
نگات بهشتِ برکاتِ
تا ته سُفرَ تو نگاه کن
هر کی رو می بینی گداتِ {
یاحسن ، یاحسن ، یاحسن ، آقایِ قلبِ من
نه فقط من ، همه می‌گن ، از اُون قدیما
تا خدا بود ، مجتبی بود ، شاهِ کریم
سفره دارِ آسمونی
من چی میخوام ، خودت میدونی
حاجتمو از نگام میخونی
یه آرزو مونده تو سینه
نه مکه میخوام نه مدینه
زنده باشم ، چشم یک روز
نصبِ ضریحتُ بینه
یاحسن ، یاحسن ، یاحسن ، آقایِ قلبِ من



داره تکبیر، وقتی که شمشیر، کنی حمایل
بی نظیره، شکوه شیر، علی شمایل
انگار از راه آجل او مد
وقتی اسمت تو جمل او مد
بانی احلا من غسل او مد
خون تو رگِ قاسم
ذکر لبِ حضرت قائم
دادی علمداری رو یادِ
ماه منیرِ بنی هاشم....
ابالفضل.....

متن مولودی میلاد امام حسن مجتبیع - حاج محمود کریمی

خونه سبزه

دل سرخ عاشق دیوونه سبزه

شراب اگه عوض شده پیمونه سبزه

در این میخونه سبزه



جامه سبزه

رو لب عاشق حسن زمزمه سبزه

زمین و آسمون به پیش همه سبزه

دامن فاطمه سبزه

عالم آگه به کام من، شد شد، نشد نشد

بخت آگه غلام من، شد شد، نشد نشد

من پیش پات می میرم

با یه دل پاره پاره

دلبر آگه تو باشی

کار تو نشد نداره

آگه برسه یه شبی پای من گدا

به در خونه ی علی و فاطمه

اول عاشقیمه

آقام امام حسن کریمه

دلداد گیم از قدیمه
آقام امام حسن کریمه
شب سحر شد
شب بخشش گناه بشر شد
قمر ماه رمضون جلوه گر شد
آقامون علی پدر شد
کی گفته عاشقت هلاک، شد شد، نشد نشد
کی گفته هر کی سینه چاک، شد شد، نشد نشد
حسن خدای عشقه
کسیه که سینه چاکه
همینو بگم که زهرا
برا پسرش هلاکه
اگه یه نگاهی کنه یه سری بزنه
به دل خراب من دیوونه



اون لحظه خوب خوب زندگیمه

آقام امام حسن کریمه

دلدادگیم از قدیمه

آقام امام حسن کریمه

اگه برسه یه شبی پای من گدا

به در خونه ی علی و فاطمه

اول عاشقیمه

آقام امام حسن کریمه

دلدادگیم از قدیمه

آقام امام حسن کریمه



مدح خوانی_ تولد امام حسن مجتبیٰ علیه السلام _ حاج حسن شالبافان

السلام علیک یا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْمُجْتَبِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ
يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يا سَيِّدَنَا وَمَوْلِينَا اأنا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ
وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يا وَجِيهاً عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

این حرف ها حرف دل یک یا کریم است
غصه نخور ای دل خدای ما کریم است
از مشکلات اقتصادی بیم مان نیست
تا ذکر لب ها لا اله الا کریم است
هر کس پی رزقش به هر در میزند لیک
روزی ما از روز اول با کریم است
آن که خدا ما را گدای او نوشته
یک چشمه یک دریا نه یک دنیا کریم است
امشب شب تغییر در ضرب المثل هاست
هر چه گدا کاهل بود آقا کریم است
آن کس که رزق عشق من را مینویسد
بر سینه ام نام حسن را مینویسد



چشم انتظار این سحر چشم سحرها
در جستجوی این قمر چشم قمرها
کوه نمک آمد بگو هر جا که رفتی
شیرین تر از قند است اینگونه خبرها
مولا پدر شد مصطفی صاحب پسر شد
پس خوش به حال این پسر با این پدرها
کوری چشم شور آن بیوه زنی که
میترسد از فردای سبز این پسرها
باید عقیقه کرد باید حرز انداخت
باید پوشانی رخس را از نظرها
مولای ما اسپند میسوزاند امشب
زهرا برایش چار قل میخواند امشب

شاعر: محسن عرب خالقی

سرود_ تولد امام حسن مجتبی علیه السلام_ کربلایی حسین سیب سرخی

گل بریزید که نگارم آمدنی شد
گیسو بگشایید که یارم آمدنی شد
به هوای تو پر کشیده
مرغ جانم ز کنج سینه
توی هفت آسمون زیبا
شده جلد ماه مدینه
مدد گل فاطمه، حسن گل فاطمه ...

شهبازده شهر مدینه رسیده
نوشته ام نامت
ای گل یاس بی قرینه
کشیده خدای تو نازت
جان دل، منم و مجنون تو ام من
گل زهرا بی سرو سامون تو ام من
سفره دار ماه رمضونه
ماه قلب حیدریونه
هدیه ای بر اهل زمینه



عشق و یار فاطمیونه
مدد گل فاطمه، حسن گل فاطمه ...

سرود زیبا_ تولد امام حسن مجتبی علیه السلام_ سید مجید بنی فاطمه

دست منو خدا گرفت به پا قدم تو امشب
منم گدای آشنا داداشه بزرگ زینب
بدون تو آقا هیچم
بزار عالم بدونه که کیم
خیلی حسین و دوست دارم
ولی منم امام حسینم
چقده آفاست حسن ... حسن ...
ماه دل آراست حسن ... حسن ...
عزیز زهراست حسن ... حسن ...

اخه کی از درخونش، دست خالی بر میگرده
همه بادست پر میرن، هیچکسی و ردنکرده
نگفته حاجت و میده

بیا تو هم بگیر دامنشو
فاطمه هم دوشش داره
هر کسی دوست داره حسنشو
چقدره زیباست حسن ... حسن ...
کریم دنیاست حسن ... حسن ...
عزیز زهراست حسن ... حسن ...
چقده آفاست حسن ... حسن ...
ماه دل آراست حسن ... حسن ...
عزیز زهراست حسن ... حسن ...

مدیونتم تمومه عمر که تویی تموم دینم
فقط همینه آرزوم، که حرمتو ببینم
اگه به کربلا رفتم، میگم حسین غمی رو دلمه
رو برو صحن عباسه، ولی حسن بدون حرمه
چقده تنهاست حسن ... حسن ...
امام عباس حسن ... حسن ...
عزیز زهراست حسن ... حسن ...
چقدر آفاست حسن ... حسن ...



ماه دل آراست حسن ... حسن ...

عزیز زهراست حسن ... حسن ...

دست منو خدا گرفت به پا قدم تو امشب

منم گدای آشنا داداش بزرگ زینب

بدون تو آقا هیچم، بزار عالم بدونه که کیم

خیلی حسینو دوست دارم، ولی منم امام حسینم

چقدہ آفاست حسن ... حسن ...

ماه دل آراست حسن ... حسن ...

عزیز زهراست حسن ... حسن ...

مدح خوانی_ تولد امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام_ حاج محمود کریمی

ای عشق بین حال پریشانی ما را

ای شوق نشان آتش حیرانی ما را

ای شور بیاور می توفانی ما را

تا صبح بین ناد علی خوانی ما را

ناد علیا مظهر العجائب ...



تجدہ عوناً لک فی النوائب ...

کل ہم و غم سینجلی ...

بولایتک یا علی یا علی ...

*چہ اسرار یہ تو این“ ناد علی ... ”با مستی باید یا علی بگی
... ”ها علی بشر کیف بشر، ربه فيه تجلی و ظہر“

ای شوق نشان آتش حیرانی ما را

ای شور بیاور می طوفانی ما را

تا صبح بین ناد علی خوانی ما را

ما مرد شرابیم اگر هست بیارید

ما را به در بیت علی مست بیارید

دیدند همه قبله ی دنیا شدنش را

ذوق علی و گرم تماشا شدنش را

دیدند و بینید مهیا شدنش را



لبخند علی و شب بابا شدنش را

تنها نه پدر عاشق خندیدن او بود

تا صبح نبی منتظر دیدن او بود

انگار شب قدر مقدر شده امشب

انگار نبی باز پیمبر شده امشب

***میگن در خونت امشب خیلی شلوغه؟! از در و دیوار داره گدا
میپاره، ما هم یکیش ...* ” اصلا میخوام شب قدرم امشب
باشه... ” شب نوزدهم این قدر بال بال نزنم، هر چی میخوای بدی
جان مادرت قسم نمیدم ...* ” ولی خدایی همین امشب بده* ...

انگار شب قدر مقدر شده امشب

انگار نبی باز پیمبر شده امشب

برخیز زمین گوش زمان کر شده امشب

برخیز و بین فاطمه مادر شده امشب

یک جلوه ز تصویر خداوند رسیده

امشب پسر شیر خداوند رسیده ...

بگذار که یعقوب گشاید نظرش را

تا با تو فراموش نماید پسرش را

***چیه کف زدنت با گریه قاطی شده؟! خدایی باید همه حرفای آقا رو
با طلا بنویسیم***

بگذار که یعقوب گشاید نظرش را

تا با تو فراموش نماید پسرش را

هیچ است اگر عشق بریده است سرش را

رو کرده خدا با تو تمام هنرش را

لبخند بزن گردش این روز و شب از توست

شیرینی افطار پیمبر رطب از توست

*یا امام حسن ... یا امام حسن ... مادر تقریباً ده ساله این عالم
پسر دار شده ... پیغمبر فرمود: فاطمه پاره ی تن منه ، هرکی
خوشحالش کنه منو خوشحال کرده، هر کی ناراحتش کنه منو
ناراحت کرده؛ هر موقع فاطمه خوشحال بشه خدا خوشحال میشه
یعنی خوشحال تر از امروز هم داشته فاطمه؟! درجه شادی خداوند
و رضای خداوند به درجه رضا و خوشحالی فاطمه بستگی داره، بر
حسب روایت دارم عرض میکنم . وقتی خداوند از رضای فاطمه



**خوشحال میشه به همون اندازه که خوشحال میشه-امروز چقدر
فاطمه خوشحال شد ، همون قدر خدا خوشحاله***

یک چشم بگردان و زمین زیر و زبر کن

یک ناز بفرما همه را خون به جگر کن

بند آمده این راه از آن کوچه گذر کن

ما خاک قدمهات به ما نیز نظر کن

چشمان تو محراب سحرهای حسین اند

آقا پسران تو پسرهای حسین اند...

وای از جلوات جبروتی که تو داری

از شدت نور ملکوتی که تو داری

فریاد از آن اوج سکوتی که تو داری

حق گرم تماشای قنوتی که تو داری

پیش تو ذلیم به ضریحی که نداری

یک عمر دخیلم به ضریحی که نداری



دور و برتان این همه بیمار اگر هست
یا این همه در شهر بدهکار اگر هست
این قدر گدا بر در و دیوار اگر هست
تقصیر که شد این همه سر بار اگر هست
دیدند کرم روی کرم می دهی آقا
ماندیم عجب بوی کرم می دهی آقا

***آقا ... همه دنیا امشب در خونه امام حسنند ... صدای دونه
دونتون رو میشنوه ... هر کی گره داره به والله قسم اگر کسی
درست و درمون در خونه امام حسن علیه السلام بیاد دست خالی
برنمیگرده ... فقط باید بدونی چه جوری بگیری ، آقا ... آقا* ...**

چشم تو سخن از غم و از صبر به من گفت

از شمع شدن شعله شدن آب شدن گفت

با لطف تو چشمان من اینگونه سخن گفت

یک چشم حسینی شد و یک چشم حسن گفت

هر چند خدا خواست کرم داشته باشی



انگار بنا نیست حرم داشته باشی
سوزاند اگر غصه ی تو بال و پرم را
سوزاند غم زینیه هم جگرم را
من نذر نمودم که کنم هدیه سرم را
ای کاش بیارند از آنجا خبرم را
سوگند در سینه غم خواهر تو هست
هستیم سپر تا حرم خواهر تو هست

شاعر: حسن لطفی

* يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ
وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ *

سرود_ تولد امام حسن مجتبی علیه السلام_ کربلایی حسین سبب سرخی

ستاره امشب میبازه از آسمون روی زمین
پسر زهرا اومده یار امیرالمومنین
امشب هوای دل من پر شده از بوی خدا
که اومده از آسمون جلوه ای از روی خدا

دل و دلبر من حسن بن علی
می و ساغر من حسن بن علی
ارباب باوفای منبه هیچ کی بد نمیکنه
دست خالیو ناامید سائلو رد نمیکنه
طیب عشق اومده، تا دردمو دوا کنه
من اگه کربلا بخوام برای من دعا کنه
هر کی بره زیارتش به آرزوهاش رسیده
اما کسی تو مدینه گنبد اونو ندیده

حسن حسن ...

میخوام برم پیش آقام، ساده باهاش حرف بزنم
میخوام بگم تو این عالم، فقط غلام حسنم
بگم آقای مهربون دستی بکش رو سر من



میخوام بشم کفتر تو، جون بگیره این پر من

دل و دلبر من حسن بن علی

می و ساغر من حسن بن علی

قصه ی عشق من و تو یه قصه قدیمیه

من که گدا تم میدونم کار شما کریمیه

خوب میدونم که دست رده سینه ام نمیزنی

آخه عزیز فاطمه تو ارباب خوب منی ...

چی میشه که نگام کنی برای من دعا کنی

هر شب جمعه دلمو ، زائر کربلا کنی

میدونم حاجت ام رواست

آخه آقام دست به دعاست

میدونم امشب دل من

مسافر کرب و بلاست

حسین حسین ...

مدح بسیار زیبا_ تولد امام حسن مجتبی علیه السلام_ سید مهدی میرداماد

خبری نیست اگر معجزه ای بر پا شد
خبری نیست اگر سینه ی دریا وا شد
خبری نیست که دریا صدف موسی شد
خبر این است که گفتند علی بابا شد
امشب از جام جنون می زده، کم نگذارید
که من عاشق شده ام، سر به سرم نگذارید

شب چه روشن شده انگار زمین زر شده است
ماه در هاله، خورشید شیش سر شده است
گوش عالم همه از هلله ای کر شده است
آی جبریل بگو فاطمه مادر شده است
گیسویش باز گذارید که دل ها برده
پسر ارشد زهرا دل زهرا برده....

من و تو کجاییم؟! اولین کسی که دل برده زهراست ...

جزلبت هیچ کجا شهد و نمک باهم نیست
غیر زهرا به نگاه تو کسی محرم نیست
هر که شد طالب تو در طلب درهم نیست



میگم و پاش وای میستم ...

هر که خود را سنگ کوی تو نخواند، آدم نیست

الحق ای ماه که رخسار خدایی داری

که خدایی رخ انگشت نمایی داری

تا که گیسوی شکن در شکنت در هم شد

خوب شد، روی همه حُسن فروشان کم شد

راه گلخانه ی تو جاده ی ابریشم شد

تا که آدم به خود آمد که چه شد، آدم شد

خوش به این ناز بنازید که دیدن دارد

این همه حُسن، به حق، جامه دریدن دارد

آسمان دامنی از ماه و زحل ریخته است

چه قَدَر در قَدَمَت تاج محل ریخته است

طرح ابروی تو را دست ازل ریخته است

و خدا خود به لبان تو غسل ریخته است

دم تو کهنه شرابی ست که پاکم کرده ...

خوش به حال دل من، عشق هلاکم کرده



چشم تو باز شد و کار به محشر افتاد
یوسف از چشم زلیخای دل، آخر افتاد
هر که سر، پای تو نگذاشته با سر افتاد
هر که با عشق در افتاد، خودش ور افتاد
بعد از این کوچه ی ما، کوچه ی بن بست شده
نه فقط چشم همه، چشم خدا مست شده

تیغ صلح تو قد افراشت که دین خم نشود
کربلا جز به قعود تو مجسم نشود
هر که مجنون تو، ای لیلی عالم نشود
چه خیالی ست، بهشتم به جهنم نشود
لطف زهراست که در دل دو هدیه داریم
هم حسینه در آن، هم حسینه داریم

*ان شالله این زخم کهنه ی دل ما یه روز التیام پیدا کنه ...
هزار تا جشنم بگیریم بازم گوشه چشمت تو کف زدن خیسه ...
اصلا خاصیت ولادت امام مجتبی همینه ... هزار تا شعرم بخونم ... هزار



تا سرود

هزار تا زمزمه... بازم میگی*:

آخریه روز شیعه برات حرم میسازه

حرم برای تو شه....

با همین زخم، همین عقده و غم میسازیم

تا که یک روز برای تو حرم میسازیم

صحن‌هایی همه بر عشق، قسم میسازیم

در حرم سینه زنان نوحه و دم میسازیم

هر که دارد غم آن زلف رها بسم الله

هر که دارد حرم کرب و بلا بسم الله...

حسین ...

شاعر: حسن لطفی

سرود بسیار زیبا_ تولد امام حسن مجتبی علیه السلام _ حاج محمود کریمی

حرارت عشقت ، چه آتشی داره
ابر کراماتت، چه بارشی داره
ماه جمال تو چه تابشی داره
گدای تو بودن عجب حال خوشی داره
هستیم و میریزم به پای حسن
ابا و اجدادم گدای حسن
اهل و ایال و زندگیم فدای حسن
خودم مستم دلم شاده
خدا به فاطمه امام حسن داده ۴

شب قدر دل عاشق، شب بارونیه ی من
دامن تو رو گرفته دل زندونه ی من
من و دلبر کریمم ، من و مجنونیه من
روی قلبم نوشته یا حسن ...
خودم مستم دلم شاده
خدا به فاطمه امام حسن داده ۴



نگاه تو هر وقت، به من عطایی کرد
یه گوشه ی چشمت من و خدایی کرد
کرم سرای تو، من و هوایی کرد
دل من و بقیع تو کرب و بلایی کرد...
نور کل خلق عظیمه حسن
معنای رحمان و رحیمه حسن
اهل کرم میگن فقط کریمه حسن
بهشت حق ، شد اماده
خدا به فاطمه امام حسن داده...
خودم مستم دلم شاده
خدا به فاطمه امام حسن داده ۴

تو این همه تلاطم تو شدی ساحل من
خدا میدونه کی هستی تو برای دل من
قابل تو رو نداره دل ناقابل من
سر من خاک پاته حسن...
خودم مستم دلم شاده
خدا به فاطمه امام حسن داده

ابالحسن دستی ، برای کرم داره
تو لشکر حیدر ، حسن علمداره
با بیرق سایه روی سرم داره
کنار زهرا توی دلم حرم داره
کل عالم زیر عبای حسن
رویای من صحن و سرای حسن
اهل عطا توی صف عطای حسن
تو این سفره می آزاده
خدا به فاطمه امام حسن داده

پای اسم تو میفته سر سوداییه من
سر سفره ی تو جای دل شیدایی من
من و رد نمیکنی با بی سر و پایی
من شب قدرم تو هستی یا حسن ...
خودم مستم دلم شاده
خدا به فاطمه امام حسن داده



مدح خوانی _ میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام _ حجت الاسلام میرزا محمدی

در کرم خانه ی حق سفره به نام حسن است
عرش تا فرش خدا رحمت عام حسن است
بی حرم شد که بدانند همه مادری است
ورنه در زاویه ی عرش مقام حسن است
هر که آمد به در خانه ی او آقا شد
ناز عشاق کشیدن، ز مرام حسن است
حرم و نام و وجودش همه شد وقف حسین
هر حسینیه که بر پاست خيام حسن است
دست ما نیست اگر سینه زن اربابیم
این مسلمانی ایران ز کلام حسن است
تا زمانی که خدایی ، خدا پا برجاست

پرچم حسن ، حسن در همه عالم بر پاست

مجموعه ی صفات خدا می شود حسن

اسماء ذات وقت دعا می شود حسن

جبریل هم به رتبه ی ما غبطه می خورد

وقتی که همنشین گدا می شود حسن

این رنگ سبز ، رنگِ مقام سیادت است

امروز سیدالشهدا می شود حسن

از برکت حسین حسین گلوی ما

یک روز می رسد همه جا می شود حسن

*از تو کوچه عبور میکرد، جزامیا بهش گفتن آقا میشه با ما هم
غذا بشید؟ از مرکبش پیاده شد کنار سفره ی نان خشک اینها
نشست، بعد که خواست بلند شه بره، فرمود حالا باید به دعوت من
لبیک بگید ، دونه دونه تون باید بیاید منزل من سر سفره ی من ،
با من هم نشین باشید*...

جبریل هم به رتبه ی ما غبطه می خورد



وقتی که همنشین گدا می شود حسن
صدتا پسر به فاطمه روزی کند خدا
یا میشود حسین و یا می شود حسن ...
معلوم بود از حسد دشمنان او
روزی بدون صحن و سرا می شود حسن
یا حسن و یا حسن و یا حسن ، یا حسین

سرود _ تولد امام حسن مجتبی علیه السلام _ کربلایی جواد مقدم

اومده امشب شب سرور و شب ظهورِ امام حسن
اومده امشب قلب گداهش پر از غرورِ امام حسن
هر چی گداتِ گرفته امشب برات ولادت امام حسن
خدا گرفته به خاطر تو ماه ضیافت امام حسن
وسط آغوشِ فاطمه می بینی لبخند مادر و
علی نشسته کنارشون می بینه فرزند و مادر و
چه شب عشقی ، چه شبِ خوبی ، اومده یاور حضرت زهرا

دل زغم خالی، همه چی عالیہ، کہ اومده امام مجتبیٰ
یا حسن، یا حسن، یا حسن، یا حسن

اینقدر بزرگی هفت آسمونم به زیر پاتِ امام حسن
اینقدر کریمی حاتم طائی خودش گداتِ امام حسن
وقتی می خندی غمای دنیا تمومِ یک جا امام حسن
وقتی تو هستی آرومه این دل وسط دردا امام حسن
ملائکہ همگی جمع شدن خونتون و جارو می زنن
داره خدا می بینه تو رو زیر لب میگه جونم حسن
چه شب عشقیِ چه شبِ خوبیِ اومده یاور حضرت زهرا
دل زغم خالی، همه چی عالیہ، کہ اومده امام مجتبیٰ
یا امام حسن، یا امام حسن، یا امام حسن

هر چی کریمه گرفته از تو کرامتش رو امام حسن
می گیره از تو هر چی گداته سعادتش رو امام حسن
می رسه امشب ذکر عبادت از آسمونا امام حسن
اومده امشب راحت قلب حضرت زهرا امام حسن
فاطمه آروم پا گهواره اش، داره بر اش لالا میخونه



قوتِ بازویِ مادرِ متهِ باباشِ یه پهلوانه
چه شبِ عشقیِ چه شبِ خوبیِ اومده یاورِ حضرتِ زهرا
دل زغمِ خالیِ همه چیِ عالیهِ، که اومده امامِ مجتبی
یا امامِ حسنِ، یا امامِ حسنِ، یا امامِ حسنِ

سرود _ تولد امام حسن مجتبی علیه السلام _ حاج ابوالفضل بختیاری

در هوای گل، نغمه زد بلبل، که یاسمن آمد
در شب گل ها، خوشگل زهرا، امام حسن آمد
سپیده دمیده ، بهاران رسیده
دل ما رو امشب ، مدینه کشیده
حسن جان ... حسن جان ...
بخت دل وا شد، قبله پیدا شد، بهار کوثر شد
برگ گل رقصید، آسمون خندید، فاطمه مادر شد
دل بی قرارم ، به تو میسپارم
تو عالم به جز تو، کسی رو ندارم
حسن جان ... حسن جان ...

در هوای گل، نغمه زد بلبل، که یاسمن آمد
در شب گل ها، خوشگل زهرا، امام حسن آمد
سپیده دمیده، بهاران رسیده
دل ما رو امشب، مدینه کشیده
حسن جان ... حسن جان ...

سرود_ تولد امام حسن مجتبی علیه السلام_ حاج محمود کریمی

ستاره بارونه تو این کرمخونه
زمین منو دور سرت میگردونه
روشن شد آسمون از جمالت تو ای ماه من
من سائل توام دربارم تویی شاه من
یا کریم دلها ، امشب میره بالا
با خیال اون گنبد و بارگاه تو یا حسن ...
ستاره بارونه تو این کرمخونه
زمین منو دور سرت میگردونه

پرواز میکنم به بام تو
افطار میکنم به جام تو
بدمستی میکنم به نام تو
ستاره بارونه تو این کرمخونه
زمین منو دور سرت میگردونه
حسن حسن حسن حسن ...
امکان نداره دل دست خالی بره از درت



امشب همه شدن مهمون سفره ی مادرت

توی این ضیافت ، سفره کرامت

آسمونیا زمینیا همه شدن نوکرت

شبانہ روز آقا در خونت بازہ

اونجا ابالفصل کہ سفره میندازہ

ستارہ بارونہ تو این کرمخونہ

زمین منو دور سرت میگردونہ

امکان ندارہ دل دست خالی برہ از درت

امشب همه شدن مهمون سفره مادرت

توی این ضیافت سفره ی کرامت

آسمونیا زمینی ها شدن نوکرت

شبانہ روز آقا در خونت بازہ

اونجا ابالفصل کہ سفره میندازہ

افتاد این دلم بہ پای تو... .

من میمیرم برای تو... .

ممنونم شدم گدای تو ، گدای تو... .

ستارہ بارونہ تو این کرمخونہ

زمین منو دور حسن میگردونه

تا دمدم سحر بی قرار توام این شبا
ذکر م فقط شده مجتبی مجتبی مجتبی
ای شاه کرامت حتی تو عبادت
پای عشق تو قدم قدم میرسه دل تا خدا
به دستای لطف چقدر بدهکارم
چقدر دلم تنگه چقدر دوست دارم
ستاره بارونه تو این کرمخونه
زمین منو دور حسن میگردونه....

امشب آسمون خونه ی علی پُر از یا کریمه-عادل رضایی

امشب آسمون خونه ی علی پُر از یا کریمه

امشب همه ی قافیه های شعر من یا کریمه

نون و نمک سفره ی هیچ کس و نمی خورم به والله

تا خدا خدایی می کنه و حسن کریمه

تا تو رو دارم مگه دیوونم برم گدایی



تا روی بوم توأم ندارم حال و هوایی
خضر و مسیح و موسی نشستن در خونه ی تو
چه خونه ی شلوغی چه عشقی برو بیایی
تو مثل زهرا مهربوونی
دل کسی رو نمی سوزونی
حسن کریم آل طه
تو ماه ماه رمضوونی
مرام گل پسر فاطمه کرامته
حسن واسم حسن حسن گفتن عبادته
تو اومدی و دوباره دیوار دل خدا ترک خورد
تقدیر زمین به لیلۃ القدر چشای تو رقم خورد
از روز ازل که دستای من و به دست تو سپردن
منسبم به نام نوکر حسن رقم خورد

اگه پا بگيره ضريح و گنبد، حرم تو آقا
برای دست بوس میاره مریم، مسیح و از تو کلیسا
پنجره فولاد تو که میشه علم با دستای مهدی
ان شاءالله میشه اذن دخولت ضريح زهرا
کی گفته ای گل بهاری
که زائر و حرم نداری
حرمت رو ساختم توی قلبم
که پا روی چشم بذاری
نگاه پاک تو، کلید استجابته
حسن واسم حسن حسن گفتن عبادته
مرام گل پسر فاطمه کرامته
حسن واسم حسن حسن گفتن عبادته
حسن حسن حسن



متن مولودی میلاد امام حسن مجتبی - حاج منصور ارضی

ای دل زمان عرض تشکر به کبریاست
جشن عموم شکر گذاری بنده هاست
ماه خدا چو سفره ی عام ضیافت است
ماه حسن، نگاه حسن، ماه مجتبی است
توحید را که شرط ولایش نوشته اند
اینک حسن امام بشر حجت خداست
بر خاک دوست ناصیه ی شکر مینهیم
ابن ابوتراب در این سجده ذکر ماست
نوری که سجده گاه ملائک شود چه باک
آدم اگر به خویش کند سجده پس رواست
اسماء را به معنی تام و تمام اوست
یعنی که اسم اعظم اسماء کبریاست

شیرین ترین عسل دم افطار نام اوست
یارب چقدر نام حسن با دل آشناست
اهل بهشت سید خود را صدا کنند
او سرور تمام جوانان با صفاست
وقتی به نیمه ماه شب چهارده رسید
دیدند مجتبی همه سرّ اهل اتی است
در بیت اهل بیت ملائک در ازدحام
زهره سرور دارد و خرسند مرتضی است
ورد فرشته های خدا این سرود شد
میلاذ سبز پوش نبی سبط مصطفی است
کوثر حسن، بهشت حسن، اهل اتی حسن
هرجا سخن زخیر شود زیر این لواست
جود و کرم ز سفره ی او توشه میبرد



خلق کریم و خوی حسن خالق سخاست

غربت یگانه لشکر پیروزمند اوست

تنها ترین امام به دنیا و ماسواست

آری حسن امام زمان حسین

یعنی حسین شیعه و تسلیم مجتبی است

عشق حسین گرچه دل انگیز تر کند

مهر حسن برابر این عشق کیمیاست

باشد حسین یکه علمدار مجتبی است

عباس اگر امیر و علمدار کربلاست

امام حسن دلم به تو پناه داره-عادل رضایی

امام حسن دلم به تو پناه داره

ردش نکن آخه دلم گناه داره

ارباب تموم هستیه یه نوکره

با نو کریه تو دلم بها داره
همه کریما گدای تو
زندگیم آقا برای تو
تموم هستیم و آوردم
امشب کنم من فدای تو
خدا، اگه که من گدایم
فقط، گدای مجتبایم
امام حسن ولایت تو دینمه
امام حسن یه آرزو تو سینمه
میگن کریم اهلیتی اقا چون
عیدی من حواله ی مدینمه
ای صاحب حلم و کرم
ای سایه ات روی سرم



ان شاء الله توی بقیع تو
برات میسازیم ما یک حرم
خدا، اگه که من گدایم
فقط، گدای مجتبایم

متن مولودی میلاد امام حسن مجتبیع - محمدرضا طاهری

دل و دلبر مولا یا حسن
می و ساغر مولا یا حسن
گل حیدر مولا یا حسن
سید و سرور مولا یا حسن
باده بده ساقیا که مقتدا آمده
نیمه ی ماه خدا ماه خدا آمده
کریم آل علی شمع هُدی آمده

دل و دلبر مولا یا حسن

می و ساغر مولا یا حسن

گل حیدر مولا یا حسن

سید و سرور مولا یا حسن

آئینه طلعت حُسن تعالی حسن

صاحب تاج ولا به ملک الا حسن

به عرصه ی دلبری سید و مولا حسن

از همه خوبان سری سید و مولا حسن

دل و دلبر مولا یا حسن

می و ساغر مولا یا حسن

گل حیدر مولا یا حسن

سید و سرور مولا یا حسن

شبه ختم رُسل گل پسر فاطمه

زاده شیر عرب ای گهر فاطمه



قوت دست خدا بال و پر فاطمه
دل و دلبر مولا یا حسن
می و ساغر مولا یا حسن
گل حیدر مولا یا حسن
سید و سرور مولا یا حسن
کبوتری خسته ام که روی بام توأم
رها زبند همه اسیر دام توأم
شهان کمین بنده ام
که من غلام توأم
دل و دلبر مولا یا حسن
می و ساغر مولا یا حسن
گل حیدر مولا یا حسن
سید و سرور مولا یا حسن

متن مولودی میلاد امام حسن مجتبیع - سید مهدی میر داماد

کریم آلُ الله، یا حسن یا مولا
حالا شب شیدا شدنِ این دل مستمه
شیرینی بابا شدنِ علی تو دستمه
کرمش به قد هفت آسمونه
نمکش سفره ی ماه رمضونه
هرچه قدر دوستش داری بلند بگو یا حسن
روی دست زهراست
صورتش چه زیباست
پسر بزرگِ خونه ی مولاست
کریم آلُ الله، یا حسن یا مولا
آی اونایی که سر زلفش اسیرید
شب عیده همه جمع شین ازش عیدی بگیرید



اومده پیمبر از سفر دل بیقرار شده
داره میده عیدی به همه، آخه نوه دار شده
بوسه زد تا اون رو دیده نگاهش
که گل افتاده این صورت ماهش
هرچه قدر دوستش داری بلند بگو یا حسن
مثل گل می مونه
فاطمه شیونه
لالایی براش
یا علی می خونه
کریم آل عبا، یا حسن یا مولا
مزار امام حسن شده، تاج سر بقیع
الهی باشیم همچین شبی، پشت در بقیع
برای آقامون جشنی بگیریم

یا حسن بگیم از شادی بمیریم
هر چه قدر دوستش داری بلند بگو یا حسن
داره اون هوامُ
تا شنید صدامُ
امضا زد برات کربلامُ
حسن حسین، حسن حسین

متن مولودی میلاد امام حسن مجتبیع - سیب سرخی

تو باغ زیبای ولا
مهمونی گرفته خدا
اومده گل فاطمی
عزیز دل مرتضی
غم از توی دلها برون
شده شب عشق و جنون



از عشق او بر پا شده
بزم شادی در آسمون
این دلم سر راه تو مولا می شینه
دل توی سینه می میره
اگه کربلا رو نبینه
دلا رو به دریا زدیم
به آسمونش سر زدیم
نوشته بر عرش خدا
نام کریم بن کریم
آبرو بخش عالم
هست زندگیم بر سر زلف تو اسیره
دل توی سینه می میره
اگه کربلا رو نبینه

حسن حسن حسن حسن
تو ماه ذکر اولیا
دارم به لب من این دعا
از در بیت آل حق
دلم نشه یک دم جدا
میگم با شور و همهمه
به عشق شاه علقمه
ما رو بیر کرب و بلا
ای گل باغ فاطمه
گوشه نگات ناجی کل زمینه
دل توی سینه می میره
اگه کربلا رو نبینه
حسن حسن حسن حسن



ای مالک و فرمانروای هستی
خوانم به لب امشب با شور و مستی
بر روی لوح سینه ام نوشته
کریم آل فاطمه تو هستی
گدای تو تو دنیا پادشاهه
جز عشق تو آرزویی نداره
منتظر یه گوشه نگاهه
تا به ابد عاشق عشق یاره
حسن بن علی علی علی

متن مولودی میلاد امام حسن مجتبیع - حاج محمود کریمی

ای دنیا فقط تاج سرت رو عشقه

یا مولا شیر نرت رو عشقه

یا زهرا گل پسرت رو عشقه

خونه ی یار من کجا

منو در زدن کجا

آقام امام حسن کجا

بین تموم سرورا

تو با همه فرق داری

بین تموم دلبرا

تو با همه فرق داری

خونه ی یار من کجا

منو در زدن کجا

آقام امام حسن کجا



بین تموم سرورا
تو با همه فرق داری
بین تموم دلبرا
تو با همه فرق داری
حسن حسن
پسر فاطمه تموم آبرومه
با یه تیر نگاهش کار دلم تمومه
بارون رحمته که تو ماه رمضونه
دوست دارم ولی کی میگه می حرومه
ای دنیا فقط تاج سرت رو عشقه
یا مولا شیر نرت رو عشقه
یا زهرا گل پسرت رو عشقه
خونه ی یار من کجا

منو در زدن کجا
آقام امام حسن کجا
بین تموم سرورا
تو با همه فرق داری
بین تموم دلبرا
تو با همه فرق داری
ماه کجا مهر کجا
نور کجا شور کجا
نجم کجا شعاع خورشید کجا
زهره و ناهید کجا
درک تموم بشر
اونچه که فهمید کجا
تیغ کجا تیر کجا



و... شمشیر کجا

تموم تفسیر کجا

هیبت یک شیر کجا

فهم شما و من کجا

آقام امام حسن کجا

خونه ی یار من کجا

منو در زدن کجا

آقام امام حسن کجا

بین تموم سرورا

تو با همه فرق داری

بین تموم دلبرا

تو با همه فرق داری

پسر ارشد علی او مد به دنیا

دیگه روشن شده دل حضرت زهرا
خدا رو جرم ما دیگه یه خط کشیده
حالا هر کس بیاد دل بزنه به دریا
هر کس نیمه ی ماه رمضون بریده
اوج بخشش و رحمت حق رسیده
مثل مجتبی خدا نیافریده
گوهر و الماس کجا
عشق کجا مهر کجا
معنی احساس کجا
لاله کجا یاس کجا
سوسن و نسترن کجا
آقام امام حسن کجا
بین تموم آقاها



تو با همه فرق داری

بین تموم لیلاها

تو با همه فرق داری

خونه ی یار من کجا

منو در زدن کجا

آقام امام حسن کجا

بین تموم سرورا

تو با همه فرق داری

بین تموم دلبرا

تو با همه فرق داری

دامن فاطمه با یه دردونه سبزه

میگه عشق علی توی پیمونه سبزه

دل بیچاره ها توی زلف سیاهه

تو قنوت همه نم بارون سبزه
خوابش برده رو دامن مهر مادر
لالایش شده... حق یا حیدر
تا بیدار بشه می زخم اینور و اونور
جام کجا باده کجا
سبو کجا مستی پیمونه کجا
هوای میخونه کجا
حال و هوای من دیوونه کجا
من آواره از این خونه به اون خونه کجا
حرف کجا سخن کجا
دم ز طلب زدن کجا
تو آسمونای کریم آل مرتضی منو
این همه پر زدن کجا



آقام امام حسن کجا

خونه ی یار من کجا

منو در زدن کجا

آقام امام حسن کجا

بین همه دریا دلا

تو با همه فرق داری

بین تموم ساحلا

تو با همه فرق داری

بین تموم خوشگلا

تو با همه فرق داری

خونه ی یار من کجا

منو در زدن کجا

آقام امام حسن کجا

بین تموم سرورا
تو با همه فرق داری
بین تموم دلبرا
تو با همه فرق داری

متن مولودی میلاد امام حسن مجتبیع - حاج محمود کریمی

مژده که غم سر اوامده
دلبر داور اوامده
من و دل دیوونه مست مست
که گل یاس حیدر اوامده
یا حسن بن علی
یا حسن بن حیدر

ای نفسم برای تو



منای من صفای تو
خدا کنه ای ماه فاطمه
بخوره بجوم بلای تو
یا حسن بن علی

تویی تو تو حاصل من
تویی آرامش دل من
من مست روی تو
ابروی تو شد موی تو قاتل من

یا حسن بن علی

من نروم زکوی تو
گوشم و گفتگوی تو



همه کس و کارم امام حسن

به فدای یک تار موی تو

یا حسن بن علی

مدح خوانی _ تولد امام حسن مجتبی علیه السلام _ حاج محمود کریمی

رمضان بهشت خدا شده زگل جمال تو یا حسن
مه نیمه اختر کوچک و مه نوهلال تو یا حسن
یم علم و حکمت و معرفت نمی از کمال تو یا حسن
دل دشمنان تورا برد نبوی خصال تو یا حسن
صفحات و متن کتاب حق رخ و خطّ و خال تو یا حسن
به خدا رسیده زبندگی طیران بال تو یا حسن

تو چراغ بزم وصال حق تو بهار خلد مخلصی
تو خدای حسن و ملاحتی تو یگانه عبد مؤیدی
تو به جسم، جان کتاب حق تو به روح، روح مجردی
تو کمال کلّ کمال ها تو جمال خالق سرمدی
تو علی تو فاطمه تو حسن تو حسین یا که محمدی
که عیان جلالت پنج تن بود از جلال تو یا حسن



تو محیط عالم حکمتی تو مه سپهر امامتی
تو زمامدار مشیّتی تو امام صبر و شهامتی
تو مه سپهر ولایتی تو تمام جود و کرامتی
تو خدای را رخ و جلوه ای تو رسول را قدو قامتی
تو پناه خلق دو عالمی تو شفیع روز قیامتی
نه عجب که عفو کند خدا، همه را به خال تو یا حسن

نه عجب که فخر کند خدا، به ملک ز شوق عبادت
نه عجب که غنچه به صبحدم، شکفد به عرض ارادت
همه انبیا شده معترف به جلال و مجد و سیادت
ز طلوع صبح خجسته تر، شب جانفزای ولادت
من و لطف و جود و عطای تو، که گرم بود همه عادت
به عطا و حلم و کرم کسی، نبود مثال تو یا حسن

به تمام دین خدا قسم، که تمام دین خدا تویی
به بهشت و ارض و سما قسم، که بهشت و ارض و سما تویی
به مقام و سعی و صفا قسم، که مقام و سعی و صفا تویی

به قیام و صبر و روح و رضا قسم، که قیام و صبر و رضا تویی
به دعا و روح دعا قسم که دعا و روح دعا تویی
شده اقتدار ستمگران، همه پایمال تو یا حسن

ولی خدا ثمر نبی، گهر علی دُرّ فاطمه
نگهت مسیح و مسیح جان، نفست شفای دل همه
دهن تو چشمه معرفت، سخن تو آیت محکمه
همه را به عشق تو های و هوی، همه را به ذکر تو زمزمه
به محبت تو مرا بود، ز شرار نار چه واهمه
که بهشت لطف خدا شده، دلم از خصال تو یا حسن

تو سجود من تو رکوع من، تو سلام من تو نماز من
تو مطاف من تو طواف من، تو عراق من تو حجاز من
تو شرار سوز و گداز من، تو بهار گلبن راز من
تو سرور من تو نوای من چه به سوز من چه به ساز من
نبود قسم به ولایت، به گل بهشت نیاز من
اگرم به دست، جوانه ای رسد از نهال تو یا حسن

هله ای تکلم قدسیان، شب و روز نقل روایت



صفحات مصحف جان پر از، سُورَ لَطِيفِ حِكَايَتِ
به محبّت به مودّت، به کرامت به عنایت
که بود نگاه تو سَلَم، به چراغ راه هدایت
به خدا قسم خجلم ز تو، که به ادّعی ولایت
به زبان محبّ تو بوده ام، به عمل ملال تو یا حسن

منم آنکه با همه زشتیم، سر خود به خاک تو سوده ام
چو دو چشم خویش گشوده ام، به محبّت تو گشوده ام
دل خلق را به فضائل و به مناقب تو ربوده ام
به علی قسم به نبی قسم، به خدا محبّ تو بوده ام
به ولای تو به ثنای تو، غزل و قصیده سروده ام
زتو گفته ام ز تو خوانده ام به زبان حال تو یا حسن...
شاعر: غلامرضا سازگار

مدح خوانی _ تولد امام حسن مجتبی علیه السلام _ حاج میثم مطیعی

این خانواده آینه های خدائی اند
در انتهای جاده ی بی انتهای اند
خیل ملک مقابلشان سجده می کنند
اینها خدائی اند ولیکن خدائی اند
هر کس که می رسد سر اطعام می برند
فرقی نمی کند که فقیران کجائی اند
یک "السلام" و یک "و علیک السلام" سبز
اینها همان مقدمه ی آشنائی اند

صدها هزار مثل سلیمان در این حرم
مشغول لحظه های شریف گدائی اند
سوگند می خوریم که پروانه زاده ایم
همسایه ی قدیمی این خانواده ایم

تو آسمان جودی ما یا کریم تو
پرواز می کند دل ما تا حریم تو



احساس می کنم به تو نزدیک میشوم
وقتی که می وزد سر راهم نسیم تو
وقت کرامت است که از راه آمده است
آن آشنای کوچه نشین قدیم تو
سوگند می دهیم خدا را در این سحر
بر پینه های رحمت دست کریم تو

ما را همیشه سائل دست شما کند
ما را به زیر پای شما خاک پا کند
دست مرا بگیر که عاشق ترم کنی
سلمان خانواده ی پیغمبرم کنی
من در قنوت نیمه شبت دور می زنم
شاید مرا بگیری و انگشترم کنی
آن شاخه ی گلم که به دست تو داده اند
تا هر کجا که خواست دلت پرپر کنی
من آمدم که بین سحرهای اشتیاق
بال مرا بگیری و خرج حرم کنی

بال و پر شکسته به دردم نمی خورد
انگار بهتر است که خاکسترم کنی

روزی آب و سفره ی نان منی حسن
ماه مبارکِ رمضان منی حسن
ای در هوای پاک نگاهت سلام ها
نامت نداشت سابقه ای بین نام ها
در کوچه ات کسی به کسی جانمی دهد
مکشی نما به شوق چنین ازدحام ها
سائل شدن کنار نگاه تو واجب است
وقتی گدا به چشم تو دارد مقام ها
تو سفره دار شهر خدا ما گدای تو
مثل کبوتریم و اسیر هوای تو

آنکس که پیش پای شما خم نمی شود
در خانه ی فرشته هم آدم نمی شود
آقای من بدون تو سل به نام تو
حالی برای توبه فراهم نمی شود
دست مرا بگیر و به سمت خدا ببر



چیزی که از بزرگیتان کم نمی شود
آرامش تو باعث طوفان کربلاست
بی صلح تو قیام مُحَرَم نمی شود
هر کس که بر نجابتِ صلح و سکوت تو
مؤمن نمیشود، به جهنم نمی شود

تا کربلا رسید صدای سکوت تو
این قیل و قال ها به فدای سکوت تو
ای از هزار حاتم طائی کریم تر
لطف تو از تمام کریمان قدیم تر
می آوری به وجد تو پروردگار را
ای از زبان حضرت موسی کلیم تر
تو ابتدای نسل طهورای کوثری
هر کس حسودتر به تو باشد عقیم تر
شاعر: علی اکبر لطیفیان

متن مولودی میلاد امام حسن مجتبیع - سیب سرخی

غم و غصه از تو دلها جدا شد جدا شد
نیمه ماه عزیز خدا شد خدا شد
نو گل فاطمه از ره رسیده رسیده
دنیا همچون گل رویش ندیده ندیده
دنیا همچون گل رویش ندیده ندیده
تو دریا موج عشقت میزنه ای شه و دلبر
که آنم پسر حیدر دلبنده پیمبر
یا حسن یا حسن یا حسن یا حسن
جون زهرا به نگاه تو بسته تو بسته
چشم حیدر به نظاره نشسته نشسته
هر ملک نغمه شادی میخونه میخونه
این دلم عاشق عشقت می مونه می مونه



خدایا هستی من
فدای ناز قدمهاش
به فدای دونه دونه
غربت و غصه و دردهاش
یا حسن یا حسن یا حسن یا حسن
نداره عالمی همچون تو شاهی تو شاهی
زندگیم قربون اسمت الهی الهی
اسم تو معنی اصل بهشته بهشته
عشق تو با دل و جونم سرشته سرشته
تو رویا کنار قبر غریب تو می شینم
با چشمام یه نگاه چشمای ناز تو می بینم
یا حسن یا حسن یا حسن یا حسن
ای که بر ارض و سماوات امیری امیری

چی میشه دست منو تو بگیری بگیری
آقا جون حرف دل من همینه همینه
که بشم زائر شهر مدینه مدینه
دل من تا ابد دیوونه وار در شور و شینه
اسیر حرم شاه تو بین الحرمینه
یا حسین یا حسین یا حسین یا حسین

متن مولودی میلاد امام حسن مجتبیع - حاج محمود کریمی

خورشید رسول الله

در دست ولی الله

الله حمد لله

الله سبحان الله ...

خورشید رسول الله

در دست ولی الله



الله سبحان الله ...

شده وقت غزل خونی

شب نیمه ی مهمونی

زیر تابش سبز ماه

الله حمد لله

رنگ سبز رویایی

چه طلوع زیبایی

شده روشن شب سیاه

الله سبحان الله ...

خورشید رسول الله

در دست ولی الله

الله سبحان الله ...

فرشته عیدی می گیره

از نفس های پدرش
قنداقه را تا می کشه به بال و پرش
ملائکه از آسمون
پر میزنند دور سرش
بس که شلوغه از عاشق ها دور و برش

الله سبحان الله

الله حمد لله

خورشید رسول الله

در دست ولی الله

الله سبحان الله

الله حمد لله

حسن ...



سرود زیبا _ ویژهٔ میلادِ کریم اهل بیت امام حسن مجتبی علیه السلام _ حاج محمود کریمی

ماه خدا با ماه فاطمه کامل میشه
و ان یکاد هر شب برا حسن نازل میشه
رنگ سبز شال آقا رنگ هر سال بهشته
روی قلبم خود زهرا ، یا امام حسن نوشته
روزه دار چشمای حسنم
من اسیر دستای حسنم
ریزه خوار آقای کرمم
تا قیامت گدای حسنم ...
سائلم و پشت در خونش در میزنم
با یا حسن تا اوج اسمون پر میزنم
میدونم اقام کریمه ، پس گدایش افتخاره
پسر ارشد زهرا ، هوای گداهش و داره
بیقرار و مجنون حسنم
مبتلا و حیرون حسنم

من حسینی شدنم رو فقط
تا همیشه مدیون حسنم
هر کسی که عشق تو رو داره ، قابل میشه
هر کسی که دیوونه ی تو شد ، عاقل میشه
آرزوم اینه که آخر ، برای حسن بمیرم
دم جون دان و مرگم ، دست آقام و بگیرم
مست لطف زیاد حسنم
من همیشه به یاد حسنم
تا ابد سینه چاک حسنم
نوکر خونه زاده حسنم